|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **دوره دهم ـ سال اول** |  |  **شماره چاپ 75** |
| **تاريخ چاپ 30/4/1395** |  |  **شماره‌ثبت 64** |

**يك شوري**

**لايحه الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به تشريفات (پروتكلهاي)**

**اول و دوم الحاقي به كنوانسيون‌هاي ژنو 1977**

**(دراجراي ماده «141» آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي)**

 **كميسيون‌هاي ارجاعي**

**امنيت ملي و سياست خارجي**

 **اصلي‌:**

 **بهداشت و درمان- فرهنگي- قضائي و حقوقي- كشاورزي، آب و منابع طبيعي**

 **فرعي‌:**

|  |
| --- |
| **سوابق به دليل حجم زياد، جداگانه چاپ مي‌شود.** |

**معاونت قوانين**

**اداره كل تدوين قوانينباسمه تعالي**

**شماره 37559/53107**

**تاريخ 31/3/1395**

**معاونت امور مجلس رئيس جمهور**

هيأت وزيران در جلسه مورخ 16/3/1395 موافقت كرد:

در اجراي ماده (141) قانون آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي لوايح مندرج در فهرست پيوست كه تأييدشده به مهر«دفتر هيأت دولت» است، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**اسحاق جهانگيري**

**معاون اول رئيس‌جمهور**

**شماره 54799/48185**

**تاريخ 22/3/1391**

**معاونت امور مجلس رئيس جمهور**

هيأت وزيران در جلسه مورخ 21/3/1391 موافقت نمود:

لوايح مندرج در فهرست پيوست كه به مهر«دفتر هيأت دولت» تأييد شده است، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**محمدرضا رحيمي**

**معاون اول رئيس‌جمهور**

**شماره 46133/40050**

**تاريخ 1/4/1387**

**معاونت حقوقي و امور مجلس رئيس جمهور**

هيأت وزيران در جلسه مورخ 19/3/1387 موافقت نمود:

لوايح مندرج در فهرست پيوست كه به مهر «دفتر هيأت دولت» تأييد شده است، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**پرويز داودي**

**معاون اول رئيس‌جمهور**

**حجت‌الاسلام والمسلمين جناب آقاي كروبي**

**رئيس محترم مجلس شوراي اسلامي**

لايحه «الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به تشريفات (پروتكلهاي) اول و دوم الحاقي به كنوانسيون‌هاي ژنو مصوب 1977» كه بنا به پيشنهاد وزارت دفاع و پشتيباني نيروهاي مسلح در جلسه مورخ 6/7/1382 هيأت وزيران به تصويب رسيده است، جهت طي تشريفات قانوني به پيوست تقديم مي‌گردد.

**سيدمحمد خاتمي**

**رئيس جمهور**

**مقدمه:**

با عنايت به اصول دوم‌، سوم‌، چهارم و فصل سوم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران درخصوص كرامت و ارزش والاي انساني و رعايت حقوق بنيادين و آزادي‌هاي اساسي انسانها و با توجه به باور نظام جمهوري اسلامي ايران درخصوص وظايف مجاهدان در جنگهاي مسلحانه مبني بر رعايت حقوق بشر اسلامي و موازين اخلاقي و انساني به ويژه درقبال غيرنظاميان‌، محيط زيست‌، زنان‌، كودكان‌، اموال فرهنگي و اماكن مذهبي و با درنظر گرفتن اين كه مقررات
دو تشريفات(پروتكل) الحاقي به كنوانسيون‌هاي ژنو در ارتباط با حمايت از قربانيان مخاصمات مسلحانه بين‌المللي
و مخاصمات مسلحانه داخلي پيشرفت قابل توجهي در حقوق بين‌الملل محسوب مي‌گردد، لذا لايحه زير براي
طي مراحل قانوني تقديم مي‌شود:

**لايحه الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به تشريفات (پروتكلهاي) اول و دوم الحاقي به**

**كنوانسيون‌هاي ژنو مصوب 1977**

 **ماده واحده-** به دولت اجازه داده مي‌شود به تشريفات (پروتكلهاي) الحاقي به كنوانسيون‌هاي ژنو مصوب 1977 درخصوص حمايت از قربانيان مخاصمات مسلحانه بين‌المللي و مخاصمات مسلحانه داخلي با لحاظ اعلاميه توضيحي و شروط ضميمه ملحق شده و اسناد الحاق را به امين اسناد بسپارد.

**رئيس جمهور وزير امور خارجه**

**وزير دفاع و پشتيباني نيروهاي مسلح**

**بسم‌الله الرحمن الرحيم**

**اعلاميه توضيحي و شرايط الحاق‌:**

دولت جمهوري اسلامي ايران باتوجه به اصول دوم‌، سوم و چهارم و فصل سوم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران‌، كرامت و ارزش والاي انسان را صرفنظر از هرگونه تعلق به قوم‌، مذهب‌، جنسيت‌، زبان و امثال آن مدنظر قرار داده است و بر رعايت حقوق بنيادي و آزادي‌هاي اساسي انسانها تأكيد مي‌نمايد.

 و با عنايت به اين كه دولت جمهوري اسلامي ايران وظايف مجاهدين در جنگهاي مسلحانه در رعايت حقوق بشر اسلامي و موازين اخلاقي و انساني خصوصاً درقبال غيرنظاميان محيط زيست‌، زنان‌، كودكان‌، اموال فرهنگي و اماكن عبادي را باور دارد.

 و با توجه به اينكه دولت جمهوري اسلامي ايران اعتقاد دارد كه مقررات دو تشريفات (پروتكل) الحاقي به كنوانسيون‌هاي دوازدهم آگوست 1949 ژنو درارتباط با حمايت از قربانيان مخاصمات مسلحانه‌بين‌المللي (تشريفات (پروتكل) اول‌) ومخاصمات مسلحانه داخلي (تشريفات (پروتكل) دوم‌) كه در هشتم ژوئن 1977 به تصويب رسيده است پيشرفت قابل توجهي در حقوق بين‌الملل محسوب مي‌گردد.

 با توجه به قوانين اسلام‌، دولت جمهوري اسلامي ايران مقررات پيشرفته‌تري نسبت به مقررات تشريفات (پروتكلهاي) چهارگانه ژنو و الحاقيه‌هاي آن را در عمل به اجراء درآورده است و از گسترش اينگونه قوانين در سطح بين‌المللي حمايت مي‌كند و با در نظر گرفتن مقتضيات منطقه‌اي و بين‌المللي نگراني خود را از سوء استفاده از تشريفات (پروتكلها) والحاقيه‌هاي آن عليه بعضي از كشورها ابراز مي‌دارد.

 به‌منظور رفع نگراني و جلوگيري از بهره‌برداري‌هاي سوء از مفاد تشريفات (پروتكلها) و الحاقيه‌هاي آن دولت جمهوري اسلامي ايران به شرح ذيل شروط خود را اعلام مي‌دارد:

 1 - اعمال تشريفات (پروتكل) اول در روابط دولت جمهوري اسلامي ايران با ديگر كشورها تنها درصورت پذيرش تشريفات (پروتكل) توسط آن كشورها امكان‌پذير است‌.

 2- الحاق به تشريفات (پروتكل) اول توسط دولت جمهوري اسلامي ايران به هيچ‌وجه به معناي شناسايي رژيم موسوم به اسرائيل و اجراي مقررات تشريفات (پروتكل) مذكور در رابطه با آن رژيم نمي‌باشد. اتخاذ اين تصميم مبني بر اين رويه كلي است كه دولت جمهوري اسلامي ايران در هنگام الحاق‌، امضاء، تأييد و قبول كنوانسيون‌ها، تشريفات (پروتكلها) و به‌طور كلي معاهدات بين‌المللي كشورها و حكومت‌هايي را كه شناسايي نكرده است به‌عنوان طرف قرارداد تلقي نمي‌نمايد.

 3- مخاصمات مسلحانه مندرج در ماده (1) تشريفات (پروتكل) اول از نظر جمهوري اسلامي ايران به عمليات نظامي اطلاق خواهد شد كه از حداقل سطحي از شدت كه در ماده (1) تشريفات (پروتكل) دوم مقرر گرديده برخوردار باشد.

 4- درك دولت جمهوري اسلامي ايران اين است كه قواعد مذكور در تشريفات (پروتكل) اول درارتباط با استفاده از سلاحها صرفاً بر سلاحهاي متعارف اعمال مي‌شود و سلاحهايي را كه به‌موجب معاهدات بين‌المللي مصوب جمهوري اسلامي ايران به‌كارگيري آنها ممنوع نگرديده را شامل نمي‌شود.

 5- اصطلاح «تاسرحدامكان» مندرج در مواد (41)، (56)، (57)، (58)، (78) و (86) تشريفات (پروتكل)‌، با توجه به شرايط حاكم در زمان‌، مقتضيات دفاعي و ضرورت‌هاي نظامي معني و اعمال خواهد شد.

 6- درك جمهوري اسلامي ايران از پاراگراف «3» ماده (44) اين‌است كه موقعيت‌هاي مخاصمات مسلحانه موضوع اين پاراگراف تنها درموارد اشغال سرزمين يا در منازعات مسلحانه مشمول پاراگراف «4» ماده (1) تشريفات(پروتكل) اول ايجاد خواهد شد و اصطلاح «داخل در يك آرايش نظامي به معناي هرگونه تحرك به سمت موقعيتي است كه حمله از آنجا آغاز شده است».

 7- دولت جمهوري اسلامي ايران در هر مورد از نقض تشريفات (پروتكلها) به‌خصوص نقض مواد (51) و (52) تشريفات (پروتكل) اول توسط كشورها و حمله به اهداف و اموال غيرنظامي‌، حق مقابله به مثل را براي خود محفوظ مي‌دارد، مضافاً اين كه اموال و اماكن غيرنظامي مورد حمايت ماده (53) چنانچه به‌طور غيرقانوني براي مقاصد نظامي مورد استفاده قرار گيرند، حمايت و مصونيت مصرحه در تشريفات (پروتكلهاي) الحاقي را از دست خواهند داد.

 8- تفسير دولت جمهوري اسلامي ايران از مواد (51) و (57) تشريفات (پروتكل) اول اين است كه اصطلاح مزيت نظامي اشاره به مزيت مورد انتظار از يك حمله در كليه آن دارد و نه يك بخش خاص و مجزا از آن‌

 9- درك دولت جمهوري اسلامي ايران از ماده (52) تشريفات (پروتكل) اول اين است كه اگر به علت موقعيت خاص يا به دلايل ديگر، تسخير يا بي‌طرفي يا ويراني تمام يا قسمتي از يك منطقه يك تفوق نظامي معين را به دنبال داشته باشد، مي‌تواند منطقه نظامي تلقي شود، به‌علاوه خسارت جنبي به اموال و اماكن غيرنظامي ناشي از حمله به اهداف نظامي‌، حمله به اهداف غيرنظامي تلقي نمي‌گردد.

 10- درك دولت جمهوري اسلامي ايران از مواد (51) و (58) تشريفات (پروتكل) اول اين است كه فرماندهان و ديگر مسؤولان تصميم‌گيري كه تصميم به حمله مي‌گيرند و يا آن را اجراء مي‌نمايند، ضرورتاً بايد برمبناي ارزيابي‌شان از اطلاعات حاصله از منابعي كه در آن زمان دراختيار آنها است اتخاذ تصميم نمايند.

 11- در رابطه با مقررات پاراگراف «4» ماده (75) تشريفات (پروتكل) اول وماده (6) تشريفات (پروتكل) دوم‌، دولت جمهوري اسلامي ايران اعلام مي‌نمايد كه حقوق داخلي ايران درمورد اين موضوعات داراي مقررات جزئي‌تري است كه حقوق افراد موضوع مواد فوق‌الذكر را بيشتر تضمين خواهد نمود و حسب مورد اعمال خواهند شد.

 12- درك جمهوري اسلامي ايران از ماده (89) تشريفات (پروتكل) اول اين است كه طرفهاي متعاهد درخصوص مقابله با نقض جدي كنوانسيون‌ها يا تشريفات (پروتكلها) بايد منحصراً در چهارچوب مصوبات سازمان ملل متحد كه برطبق قوانين بين‌الملل صادر شده باشد و در چهارچوب سازمان ملل متحد اقدام نمايند و هيچ كشوري حق مداخله فردي و يا جمعي در امور كشورهاي ديگر را با استناد به ماده (89) تشريفات (پروتكل) نخواهد داشت‌.

 13- دولت جمهوري اسلامي ايران اعلام مي‌نمايد چنانچه كميسيون بين‌المللي حقيقت‌ياب موضوع ماده (90) تشريفات (پروتكل) اول از اعضاء بي‌طرف تشكيل نشود و يا به‌طور تبعيض‌آميز اهداف سياسي نامشروع خاصي را دنبال نمايد و يا به صورت ابزاري عليه كشورهاي خاصي به‌كار گرفته شود از به رسميت شناختن آن و همكاري با آن امتناع خواهد كرد. همچنين چنانچه فعاليت چنين كميسيوني به امنيت ملي كشور خدشه وارد نمايد از ورود آن به كشور و يا همكاري با آن خودداري مي‌نمايد.

 14- هيچ‌يك از مقررات اين دو تشريفات (پروتكل) مانع از اختيارات فرماندهان نيروهاي مسلح در انجام عمليات نظامي جهت دفع كامل نيروهاي متخاصم نخواهد بود.

**تشريفات (پروتكل) الحاقي به كنوانسيون ژنو مورخ 12 اوت 1949 ميلادي (21/5/1328 هجري‌شمسي) درخصوص حمايت از قربانيان مخاصمات مسلحانه بين‌المللي (تشريفات (پروتكل)‌يك‌) ژنو - ژوئن 1977 ميلادي(خرداد 1356 هجري شمسي‌)**

**مقدمه**

طرفهاي معظم متعاهد با اميد وافر به برقراري صلح در ميان ملتها، با يادآوري اين كه هر دولتي وظيفه دارد برطبق منشور ملل متحد در روابط بين‌المللي خود از تهديد و توسل به زور عليه حاكميت و تماميت ارضي يا استقلال سياسي هر دولت ديگر كه مغاير با اهداف سازمان ملل متحد باشد، اجتناب نمايد.

 با اعتقاد به اينكه در هرصورت ضرورت دارد كه مقررات مربوط به حمايت از قربانيان مخاصمات مسلحانه مورد تأكيد قرار گرفته و توسعه يابد و اقدامات تكميلي جهت تضمين اجراي اين مقررات به عمل آيد،

 با ابراز اعتقاد خويش مبني بر اينكه هيچ‌يك از مواد تشريفات (پروتكل) حاضر يا كنوانسيون‌هاي ژنو مورخ 12 اوت 1949ميلادي(21/5/1328 هجري شمسي‌) را نمي‌توان به‌گونه‌اي تفسير كرد كه اعمال تجاوزكارانه و يا هر شكل ديگر
توسل به زور برخلاف منشور ملل متحد را مشروع و مجاز بداند.

 با تأكيد مجدد بر اينكه مقررات كنوانسيون‌هاي ژنو مورخ 12 اوت 1949ميلادي(21/5/1328 هجري شمسي‌) و تشريفات (پروتكل) حاضر بايد در هر شرايط و نسبت به كليه اشخاص مورد حمايت اين اسناد بدون هرگونه تبعيض مبتني بر ماهيت و منشأ مخاصمه مسلحانه يا دلايل مورد قبول يا منتسب به طرفهاي مخاصمه به‌صورت كامل اجراءگردد.

به‌شرح زير توافق كرده‌اند كه:

**قسمت اول - مقررات كلي**

**ماده 1 - اصول كلي و دامنه اجراء**

1- طرفهاي معظم متعاهد متعهد مي‌شوند كه تشريفات (پروتكل) حاضر را در همه شرايط محترم شمرده و از اجراي آن اطمينان حاصل نمايند.

 2- غيرنظاميان و رزمندگان در مواردي كه تحت شمول تشريفات (پروتكل) حاضر يا ساير موافقتنامه‌هاي بين‌المللي نباشند، همچنان مشمول حمايت و اقتدار اصول حقوق بين‌الملل خواهند بود كه از عرف مسلم و اصول انسان دوستانه و نداي وجدان عمومي ناشي مي‌شود.

 3- تشريفات (پروتكل) حاضر كه مكمل كنوانسيون‌هاي ژنو مورخ 12 اوت 1949ميلادي (21/5/1328هجري‌شمسي) راجع به حمايت از قربانيان جنگ است‌، به وضعيت‌هاي مورد اشاره در ماده (2) كنوانسيون‌هاي مذكور تسري مي‌يابد.

 4- وضعيت‌هاي اشاره شده در بند قبل شامل مخاصمات مسلحانه‌اي مي‌شود كه درآن ملتها جهت احقاق حق تعيين سرنوشت خود به نحو مندرج در منشور ملل متحد و اعلاميه اصول حقوق بين‌الملل درخصوص مناسبات و همكاري دوستانه بين دولتها برطبق منشور ملل متحد به مبارزه با سلطه استعماري و اشغال بيگانه و برضد نظامهاي نژادپرست مي‌پردازند.

**ماده 2 - تعاريف**

از لحاظ اين تشريفات (پروتكل):

 الف - منظور از «كنوانسيون اول»، «كنوانسيون دوم»، «كنوانسيون سوم» و «كنوانسيون چهارم» به‌ترتيب عبارت است از: - كنوانسيون‌ژنو مورخ 12 اوت1949ميلادي (21/5/1328 هجري‌شمسي‌) در مورد بهبود وضع مجروحان و بيماران نيروهاي مسلح در ميدان جنگ‌

 - كنوانسيون‌ژنو مورخ 12 اوت1949ميلادي (21/5/1328 هجري‌شمسي‌) در مورد بهبود وضع مجروحان‌، بيماران و غريقان نيروهاي مسلح در دريا

 - كنوانسيون‌ژنو مورخ 12 اوت1949ميلادي (21/5/1328 هجري‌شمسي‌) در مورد نحوه رفتار با اسيران جنگي‌

 - كنوانسيون‌ژنو مورخ 12 اوت1949ميلادي (21/5/1328 هجري‌شمسي‌) در مورد حمايت از افراد غيرنظامي در زمان جنگ و

 منظور از «كنوانسيون‌ها» چهار كنوانسيون ژنو مورخ 12 اوت 1949ميلادي (21/5/1328 هجري شمسي‌) در مورد حمايت از قربانيان جنگ مي‌باشد.

 ب - «قواعد حقوق بين‌الملل قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه‌» به معناي قواعد قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه مندرج در موافقتنامه‌هاي بين‌المللي كه طرفهاي مخاصمه عضو آن هستند و نيز اصول و قواعد حقوق بين‌الملل است كه عموماً پذيرفته شده و در مخاصمات مسلحانه قابل اعمال باشند.

 ج - منظور از «دولت حامي» يك دولت بي‌طرف يا دولت ديگري است كه طرف مخاصمه نبوده و از سوي يكي از طرفهاي مخاصمه تعيين گرديده و طرف مخالف نيز آن را پذيرفته است و خود موافقت كرده باشد كه وظايف محول شده به دولتهاي حامي بر طبق كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) را به‌عهده بگيرد.

 د - «جانشين» يعني سازماني كه به موجب ماده (5) به جاي دولت حامي فعاليت كند.

**ماده 3 - شروع و خاتمه اجراء**

بدون آنكه به مقرراتي كه در همه مواقع قابل اجراء است لطمه‌اي وارد شود:

 الف - كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) از ابتداي هر وضعيتي كه در ماده (1) اين تشريفات (پروتكل) به آن اشاره شده است‌، به اجراء گذارده مي‌شوند.

 ب – اجراي كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) در سرزمين طرفهاي مخاصمه به محض خاتمه كلي عمليات نظامي‌ و در سرزمين‌هاي اشغالي به محض پايان اشغال متوقف مي‌گردد، جز در مورد اشخاصي كه آزادي نهائي‌، بازگشت به ميهن و استقرار مجدد آنان در هر يك از اين موارد بعداً تحقق يابد. اين اشخاص تا زمان آزادي نهائي‌، بازگشت به ميهن و استقرار مجدد خود از مزاياي مقررات مربوط كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) بهره‌مند خواهند شد.

**ماده 4 - وضعيت حقوقي طرفهاي مخاصمه**

اجراي كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) و نيز انعقاد موافقتنامه‌هاي پيش‌بيني شده در آنها، تأثيري در وضعيت حقوقي طرفهاي مخاصمه نخواهد داشت‌. نه اشغال يك سرزمين‌، و نه اجراي كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل) حاضر، هيچ‌كدام تأثيري در وضعيت حقوقي سرزمين موردنظر ندارد.

**ماده 5 - تعيين دولتهاي حامي و جانشين آنها**

1 - طرفهاي مخاصمه وظيفه دارند كه از زمان شروع مخاصمه نظارت و اجراي كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) را از طريق اجراي نظام دولتهاي حامي‌، از جمله با تعيين و پذيرش آن قدرتها براساس بندهاي مشروح در زير تضمين نمايند. دولتهاي حامي نيز وظيفه دارند كه از منافع طرفهاي مخاصمه پاسداري نمايند.

 2 - از ابتداي يكي از وضعيت‌هاي اشاره شده در ماده (1)، هر يك از طرفهاي مخاصمه بايد بدون درنگ به تعيين يك دولت حامي به‌منظور اجراي كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) اقدام نمايند و بلافاصله به همان منظور به دولت حامي كه آن را پس از تعيين از سوي طرف مخالف‌، پذيرفته‌اند، اجازه فعاليت دهند.

 3 - چنانچه با شروع يكي از وضعيت‌هاي مذكور در ماده (1) نسبت به تعيين يا پذيرش يك دولت حامي اقدام نشده باشد، بدون اين كه به حق هيچ سازمان بشردوستانه ديگر در اين زمينه لطمه‌اي وارد شود، كميته بين‌المللي صليب سرخ مساعي جميله خود را به‌منظور تعيين فوري يك دولت حامي كه مورد قبول طرفهاي مخاصمه باشد به طرفهاي مزبور مبذول خواهد داشت‌. براي اين منظور كميته بين‌المللي صليب سرخ از جمله ممكن است از هر يك از طرفها بخواهد كه فهرستي از حداقل پنج دولت را كه به‌منظور اقدام به‌عنوان دولت حامي از طرف خود در ارتباط با طرف مخالف قابل‌ قبول مي‌داند و نيز فهرستي از حداقل پنج دولت را كه مي‌تواند به‌عنوان دول طرف مخالف قابل قبول مي‌داند و نيز فهرستي از حداقل پنج دولت را كه مي‌تواند به‌عنوان دولت حامي طرف مخالف بپذيرد تهيه نمايد. اين فهرست‌ها طي دو هفته پس از دريافت اين درخواست در اختيار كميته مزبور گذارده خواهد شد، كميته اين فهرست‌ها را با يكديگر مقايسه نموده و درصدد جلب موافقت دولتهايي برخواهد آمد كه نام آنها در هر دو فهرست منظور شده است‌.

 4 - چنانچه علي‌رغم آنچه كه گفته شد هيچ دولت حامي وجود نداشته باشد طرفهاي مخاصمه بايد بدون درنگ پيشنهادي را كه ممكن است كميته بين‌المللي صليب سرخ يا هر سازمان ديگر واجد كليه تضمين‌هاي مربوط به بي‌طرفي و كارايي‌، پس از مشورت‌هاي لازم با طرفهاي مذكور و با در نظرگرفتن نتايج اين مشورت‌ها، ارائه نمايد، به‌عنوان قدرت جانشين بپذيرد. اعمال اين جانشيني منوط به رضايت طرفهاي مخاصمه است‌. طرفهاي مخاصمه بايد تمامي كوشش خود را جهت تسهيل عمليات جانشين مزبور در اجراي وظايف خود براساس كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل) حاضر به‌عمل آورند.

 5 - به موجب ماده (4)، تعيين و پذيرش دولتهاي حامي به‌منظور اجراي كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل)‌، بروضعيت حقوقي طرفهاي مخاصمه يا وضعيت حقوقي هر سرزميني از جمله سرزمين اشغال شده تأثير نخواهد گذاشت‌.

 6 - حفظ مناسبات ديپلماتيك بين طرفهاي مخاصمه يا سپردن حفاظت از منافع يك طرف و اتباع آن به يك دولت ثالث طبق قواعد حقوق بين‌الملل در زمينه روابط ديپلماتيك مانعي در كار تعيين دولت حامي به‌منظور اجراي كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) نيست‌.

 7 - هرگونه اشاره بعدي در اين تشريفات (پروتكل) به دولت حامي شامل جانشين نيز مي‌شود.

**ماده 6 - اشخاص واجد صلاحيت**

1 - طرفهاي معظم متعاهد، در زمان صلح نيز، بايد با كمك جمعيت‌هاي ملي صليب سرخ (هلال احمر - شير و خورشيد سرخ‌) اقدام به آموزش كاركنان واجد صلاحيت جهت تسهيل اجراي كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) و خصوصاً فعاليت‌هاي مربوط به دولتهاي حامي نمايند.

 2 - استخدام و آموزش اين قبيل كاركنان در حيطه صلاحيت داخلي كشورها است‌.

 3 - كميته بين‌المللي صليب سرخ فهرست اشخاص آموزش ديده‌اي را كه طرفهاي معظم متعاهد به اين منظور تنظيم كرده و به آن ارائه داده‌اند دراختيار طرفهاي معظم متعاهد قرار خواهد داد.

 4 - شرايط حاكم بر استخدام چنين كاركناني در خارج از قلمرو ملي‌، در هر مورد، تابع موافقتنامه‌هاي خاص بين طرفهاي ذي‌ربط است‌.

**ماده 7 - جلسه‌ها**

نگهدارنده اسناد اين تشريفات (پروتكل) نشستي از طرفهاي معظم متعاهد را به درخواست يك يا چند طرف معظم متعاهد و با موافقت اكثريت آنها تشكيل خواهد داد تا مشكلات عمومي مربوط به اجراي كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل) حاضر را بررسي نمايد.

**قسمت دوم - مجروحان‌، بيماران و غريقان**

**بخش اول - حمايت عمومي**

**ماده 8 - اصطلاحات**

از لحاظ اين تشريفات (پروتكل):

 1- «مجروح» و «بيمار» به معني اشخاص نظامي و غيرنظامي است‌، كه به دليل آسيب‌، بيماري و يا ساير اختلالات يا ناتواني‌هاي جسمي و رواني‌، نيازمند كمك و مراقبت باشند و از هرگونه اقدام خصمانه اجتناب ورزند. اين اصطلاحات همچنين موارد مربوط به زايمان‌، نوزادان و ساير اشخاصي را كه ممكن است نيازمند كمك و مراقبت فوري پزشكي باشند، مانند مادران رنجور يا در انتظار زايمان كه از هرگونه اقدام خصمانه اجتناب ورزند شامل مي‌شود.

 2- «غريقان» به معني اشخاص نظامي يا غيرنظامي است كه براثر حوادثي كه براي خودشان‌ يا كشتي يا هواپيماي حامل آنها رخ داده است‌، در دريا يا ساير آبها در معرض خطر قرار گرفته‌اند و از هرگونه اقدام خصمانه اجتناب ورزند اين اشخاص در اثناي عمليات نجات و تا حصول وضعيت ديگري به موجب كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل)‌، غريق به شمار خواهند آمد، مشروط بر آنكه همچنان از انجام عمل خصمانه اجتناب ورزند.

 3- «كاركنان بهداري» به معني اشخاصي است كه يك طرف مخاصمه آنها را منحصراً براي مقاصد درماني به شرح مذكور در بند (5) يا اداره واحدهاي بهداري و يا راه‌اندازي و اداره وسايل ترابري بهداري منصوب كرده باشد. اين انتصاب ممكن است موقت يا دائمي باشد. اين اصطلاح شامل موارد زير است:

 الف - كاركنان بهداري يك طرف مخاصمه اعم از نظامي يا غيرنظامي‌، از جمله اشخاص مذكور در كنوانسيون‌هاي اول و دوم و اشخاصي كه در سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي گمارده شده‌اند.

 ب - كاركنان بهداري جمعيت‌هاي ملي صليب سرخ (هلال احمر، شير و خورشيد سرخ‌) و ساير جمعيت‌هاي ملي داوطلب امداد كه از سوي يك طرف مخاصمه به نحو مقتضي به رسميت شناخته شده و مجاز اعلام شده باشد.

 ج - كاركنان بهداري واحدهاي بهداري يا وسائل ترابري بهداري مذكور در بند (2) ماده (9)

 4- «كاركنان مذهبي» به معني اشخاص نظامي و غيرنظامي از قبيل كشيشاني است كه منحصراً به وظايف مذهبي خود پرداخته و وابسته به يكي از نهادهاي زير باشند:

 الف - نيروهاي مسلح يكي ازطرفهاي مخاصمه‌

 ب - واحدهاي بهداري يا ترابري بهداري يكي از طرفهاي مخاصمه‌

 ج - واحدهاي بهداري يا ترابري بهداري مذكور در بند (2) ماده (9)

 د - سازمان دفاع غيرنظامي يكي از طرفهاي مخاصمه‌

 وابستگي كاركنان مذهبي ممكن است دائمي يا موقتي باشد و مقررات مربوطه مذكور در بند (11) درمورد آنها اعمال مي‌شود.

 5- «واحدهاي بهداري‌» به معني نهادها و ساير واحدهاي نظامي يا غيرنظامي است كه براي مقاصد درماني مانند جستجو، جمع‌‌آوري‌، نقل و انتقال‌، تشخيص يا درمان مجروحين‌، بيماران و غريقان شامل كمكهاي اوليه پزشكي‌، يا پيشگيري از بيماري تشكيل شده‌اند. اين اصطلاح‌، به‌طور مثال شامل بيمارستان و ساير واحدهاي مشابه‌، مراكز انتقال خون‌، مراكز و مؤسسات درماني جهت پيشگيري از بيماري‌ها، انبارهاي پزشكي‌، داروخانه و درمانگاههاي مربوط به چنين واحدهايي مي‌شود. واحد بهداري ممكن است ثابت يا سيار و دائمي يا موقتي باشد.

 6- «ترابري بهداري‌» به معني انتقال مجروحان‌، غريقان‌، كاركنان بهداري‌، كاركنان مذهبي‌، تجهيزات پزشكي يا تداركات پزشكي مورد حمايت كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) از راه زمين‌، دريا و هوا مي‌باشد.

 7- «وسايل ترابري بهداري» به معني كليه وسايل حمل ونقل اعم از نظامي و غيرنظامي دائمي و موقت است كه منحصراً به‌منظور ترابري بهداري در نظر گرفته شده و تحت نظارت مقام صلاحيتدار يك طرف مخاصمه قرار داشته باشد.

 8- «خودروهاي بهداري» يعني كليه وسايل ترابري بهداري زميني‌

 9- «كشتي‌ها و شناورهاي بهداري» يعني كليه وسايل ترابري بهداري آبي‌

 10- «هواپيماهاي بهداري» يعني كليه وسايل ترابري بهداري هوايي‌

 11- «كاركنان دائمي بهداري»، «واحدهاي دائمي بهداري» و «وسايل ترابري دائمي بهداري» به معني آنهايي است كه براي مدت نامعيني براي مقاصد درماني اختصاص يافته‌اند. «كاركنان موقت بهداري»، «واحدهاي موقت بهداري» و «وسايل ترابري موقت بهداري» به معني آنهايي است كه براي مدتي معين منحصراً جهت خدمات بهداري اختصاص يافته‌اند. اصطلاحات «كاركنان بهداري»، «واحدهاي بهداري» و «وسايل ترابري بهداري» شامل هر دوگروه دائمي و موقتي است‌، مگر آنكه به نحو ديگري تصريح شده باشد.

 12- «آرم مشخص‌كننده» يعني آرم مشخص‌كننده صليب سرخ‌، هلال احمر يا شير و خورشيد سرخ كه بر روي زمينه سفيد قرار گرفته و به‌منظور حمايت از واحدها و وسايل ترابري بهداري يا كاركنان بهداري و مذهبي و تجهيزات يا تداركات بهداري يا مذهبي به‌كار گرفته مي‌شود.

 13- «علامت مشخص كننده» يعني هرگونه علامتي يا پيامي كه در فصل سوم از ضميمه (1) اين تشريفات (پروتكل) منحصراً جهت شناساندن واحدها يا وسايل ترابري بهداري تعيين شده است‌.

**ماده 9 - حوزه اجراء**

1- اين قسمت كه مقررات آن براي بهبود وضع مجروحان‌، بيماران‌ و غريقان درنظر گرفته شده است‌، بايد درمورد تمام كساني كه وضعيت‌هاي مذكور در ماده (1) بر آنها تأثير مي‌گذارد، بدون هرگونه تبعيض نامطلوب براساس نژاد، رنگ‌، جنسيت‌، زبان‌، دين يا اعتقاد، عقايد سياسي يا عقايد ديگر، تبار ملي يا خاستگاه اجتماعي‌، ثروت‌، نسب يا ساير وضعيت‌ها، يا هر معيار مشابه ديگري اعمال شود.

 2- مقررات مربوطه مواد (27) و (32) كنوانسيون اول درمورد واحدها و وسايل ترابري دائمي بهداري (به‌استثناي كشتي‌هاي بيمارستاني كه مشمول ماده (25) كنوانسيون دوم مي‌گردد) و كاركنان آنها كه به خاطر مقاصد انسان دوستانه در موارد زير در اختيار يك طرف مخاصمه قرار گرفته باشند، اعمال مي‌شود:

 الف- توسط يك دولت بي‌طرف يا هر دولت ديگري كه طرف مخاصمه نباشد.

 ب- توسط يك جمعيت امدادي‌، كه از سوي چنين دولتي تأييد شده و مجاز شناخته شده باشد.

 ج- توسط يك سازمان انسان دوستانه بين‌المللي و بي‌طرف‌

**ماده 10 - حمايت و مراقبت**

1- كليه مجروحان‌، بيماران و غريقان‌، متعلق به هر يك از طرفهاي مخاصمه‌، از احترام و حمايت برخوردار خواهند بود.

 2- آنها بايد در هر شرايطي از رفتار انساني برخوردار بوده و از مراقبت‌ها و توجهات پزشكي مورد نياز در شرايط آنها تا بيشترين حدي كه عملي باشد و با حداقل تأخير ممكن بهره‌مند شوند. نبايد هيچ تمايزي بين آنها، به جز به دلايل پزشكي اعمال گردد.

**ماده 11- حمايت از اشخاص**

1- سلامت و صحت جسمي و روحي اشخاصي كه دراختيار طرف مخالف بوده يا در نتيجه يك وضعيت اشاره شده در ماده (1) زنداني‌، بازداشت يا به طريق ديگري از آزادي محروم شده‌اند، نبايد در اثر يك فعل يا ترك فعل غيرموجه به مخاطره بيافتد، بنابراين‌، قراردادن اشخاص مذكور در اين ماده تحت روشهاي درماني كه وضع سلامتي شخص ذي‌ربط آن را ايجاب نكرده و با ضوابط پزشكي پذيرفته شده‌اي كه تحت شرايط پزشكي مشابه نسبت به اشخاصي به اجراء گذاشته مي‌شود كه تبعه طرف اعمال‌كننده اين شيوه‌ها بوده و به هيچ وجه از آزادي محروم نشده‌اند، انطباق ندارد ممنوع است‌.

 2- به‌طور خاص انجام اعمال زير درباره اين قبيل اشخاص‌، حتي با رضايت خود آنها ممنوع است‌:

 الف- قطع اعضاي بدن‌

 ب- انجام آزمايش‌هاي علمي و پزشكي‌

 ج- برداشتن بافتها يا اندام‌هاي بدن براي عمل پيوند اعضاء

 جز درمواردي كه اين اعمال براساس شرايط پيش‌بيني شده در بند (1) موجه باشد.

 3- استثنائات وارد بر ممنوعيت مندرج در بند 2 (ج‌) تنها درمورد اهداء خون به‌منظور انتقال خون يا اهداء پوست براي پيوند پوستي اعمال مي‌شود مشروط بر آنكه اين كار داوطلبانه و بدون هرگونه اجبار و تحريك صورت گرفته باشد. در اين صورت نيز فقط بايد براي مقاصد درماني و تحت شرايطي باشد كه با ضوابط و نظارت‌هاي پذيرفته‌شده عمومي پزشكي منطبق باشد كه براي هر دو طرف‌، يعني اهداء‌كننده و دريافت‌كننده سودمند است‌.

 4- هر فعل يا ترك فعل عمدي كه سلامت و صحت جسمي يك شخص را كه دراختيار طرف ديگر است به‌طور جدي به مخاطره اندازد به غير از اعمالي كه شخص به آن وابسته است و ممنوعيت‌هاي مذكور در بندهاي (1) و (2) را نقض كرده يا با مقتضيات بند (3) مطابقت نداشته باشد، در حكم نقض شديد اين تشريفات (پروتكل) خواهد بود.

 5- اشخاص ياد شده در بند (1) حق دارند كه هرگونه عمل جراحي را رد كنند. درصورت امتناع‌، كاركنان بهداري خواهند كوشيد تا يك اظهارنامه كتبي در اين خصوص كه آن را بيمار امضاء يا تصديق كرده باشد، تحصيل كنند.

 6- هر يك از طرفهاي مخاصمه سابقه پزشكي هر مورد از اهداء خون براي انتقال يا اهداء پوست براي پيوند، توسط اشخاص مذكور در بند (1) را درصورتي كه اين كار تحت مسؤوليت آن طرف انجام شده باشد تشكيل خواهد داد. به‌علاوه هر يك از طرفهاي مخاصمه خواهد كوشيد كه سوابق مربوط به درمانهاي پزشكي انجام شده بر روي اشخاصي كه براثر وضعيت اشاره شده در ماده(1)، زنداني‌، بازداشت يا به طريق ديگري از آزادي محروم شده‌اند را نگهداري كند. اين سوابق بايد همواره جهت بازرسي دولتهاي حامي در دسترس باشد.

**ماده 12- حمايت از واحدهاي بهداري**

1- واحدهاي بهداري در همه حال از احترام و حمايت برخوردار خواهد بود و نبايد هدف حمله قرار گيرد.

 2- بند (1) درمورد واحدهاي بهداري غيرنظامي نيز اعمال خواهد شد، مشروط بر اينكه‌:

 الف- به يكي از طرفهاي مخاصمه تعلق داشته باشد.

 ب- از سوي مقامات ذي‌صلاح يكي از طرفهاي مخاصمه به رسميت شناخته شده و مجاز باشد، يا

 ج- برطبق بند (2) ماده (9) اين تشريفات (پروتكل) و يا ماده (27) كنوانسيون اول‌، مجاز شمرده شود.

 3- از طرفهاي مخاصمه خواسته مي‌شود كه محل استقرار واحدهاي بهداري خود را به يكديگر اطلاع دهند. عدم ارائه چنين اطلاعيه‌اي هيچ يك از طرفهاي مخاصمه را از وظيفه خود نسبت به رعايت مقررات بند (1) معاف نمي‌سازد.

 4- در هيچ شرايطي نبايد از واحدهاي بهداري به‌عنوان سپري براي محافظت از هدفهاي نظامي در برابر حمله استفاده شود. درصورت امكان‌، طرفهاي مخاصمه بايد اطمينان حاصل نمايند كه واحدهاي بهداري به نحوي مستقر شده باشند كه حمله به هدفهاي نظامي امنيت اين واحدها را به مخاطره نياندازد.

**ماده 13- قطع حمايت از واحدهاي بهداري غيرنظامي**

1- حمايتي كه واحدهاي بهداري غيرنظامي نسبت به آن ذي‌حق هستند، قطع نخواهد شد، مگر آنكه آن واحدها، خارج از وظايف انسان دوستانه‌شان براي اقداماتي زيان‌آور نسبت به دشمن مورد استفاده قرار گيرند. با اين وجود اين حمايت تنها پس از دادن هشدار و درصورت مقتضي درنظر گرفتن يك مهلت زماني منطقي و پس از آن كه به اين هشدار توجهي نگرديد، مي‌تواند قطع شود.

 2- موارد زير به‌عنوان اعمال زيان‌آور براي دشمن تلقي نخواهد شد:

 الف- هرگاه كاركنان واحد بهداري غيرنظامي به سلاحهاي انفرادي سبك براي دفاع از خود يا مجروحان و بيماران تحت مسؤوليت خود مجهز باشند.

 ب- هرگاه مراقبت از واحدهاي بهداري غيرنظامي بر عهده نگهبانان ثابت يا درحال تردد يا واحدهاي اسكورت گذاشته شده باشد.

 ج- هرگاه سلاحهاي كوچك و مهماتي كه از مجروحان و بيماران گرفته شده و هنوز به سازمان مربوطه تحويل داده نشده است‌، در اين واحدها يافت شود.

 د- هرگاه اعضاء نيروهاي مسلح يا ساير رزمندگان به دلايل پزشكي در واحدهاي مزبور باشند.

**ماده 14- محدوديت‌هاي مربوط به مصادره واحدهاي بهداري غيرنظامي**

1- دولت اشغال‌كننده موظف است اطمينان حاصل نمايد كه نيازهاي پزشكي سكنه غيرنظامي در سرزمين اشغال شده همچنان تأمين شود.

 2- بنابراين مادامي كه واحدهاي بهداري غيرنظامي و تجهيزات‌، اسباب و وسايل يا خدمات‌، كاركنان و واحدهاي بهداري غيرنظامي جهت تأمين خدمات پزشكي لازم براي سكنه غيرنظامي و براي ادامه مراقبت پزشكي از مجروحان و بيماراني كه قبلاً بستري شده‌اند مورد نياز است‌، دولت اشغال كننده حق مصادره آنها را ندارد.

 3- دولت اشغال كننده درصورتي كه قاعده كلي مندرج در بند (2) را رعايت نمايد، مي‌تواند امكانات ياد شده را طبق شرايط زير مصادره نمايد:

 الف- هرگاه اين امكانات براي معالجات پزشكي مناسب و فوري مجروحان و بيماران عضو نيروهاي مسلح دولت اشغال كننده و يا اسيران جنگي مورد نياز باشد.

 ب- مصادره فقط تا هنگامي كه اين ضرورت وجود دارد، ادامه يابد، و

 ج- ترتيبات فوري به عمل آيد تا اطمينان حاصل شود كه نيازهاي پزشكي سكنه غيرنظامي و نيز مجروحان و بيماران تحت درمان كه از اين مصادره لطمه مي‌بينند همچنان تأمين مي‌شود.

**ماده 15 - حمايت از كاركنان بهداري غيرنظامي و كاركنان مذهبي**

1- كاركنان بهداري غيرنظامي بايد مورد احترام و حمايت قرار گيرند.

 2- درصورت لزوم در ناحيه‌اي كه به علت عمليات جنگي خدمات پزشكي غيرنظامي دچار اختلال شده است بايد كليه كمكهاي موجود دراختيار كاركنان بهداري غيرنظامي قرار گيرد.

 3- دولت اشغال كننده كليه مساعدتها را نسبت به كاركنان بهداري غيرنظامي در سرزمين اشغال شده به عمل خواهد آورد تا آنها قادر باشند وظايف انسان دوستانه خود را تا سرحد توانايي انجام دهند. دولت اشغال كننده نبايد از كاركنان بهداري ياد شده بخواهد كه در اجراي اين وظايف براي درمان هيچ شخصي جز بر مبناي دلايل پزشكي اولويت قائل شوند. آنها را نبايد ناگزير به انجام كارهايي كرد كه مغاير با مأموريت انسان‌دوستانه آنها است‌.

 4- كاركنان بهداري غيرنظامي با رعايت اقداماتي كه طرف ذي‌ربط مخاصمه آنها را از لحاظ نظارت و ايمني ضروري مي‌داند. بايد به هر محلي كه خدمات آنها مورد نياز است دسترسي داشته باشد.

 5- كاركنان غيرنظامي مذهبي بايد مورد احترام و حمايت قرار گيرند. مقررات كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) درخصوص حمايت و شناسايي كاركنان بهداري بايد درمورد اين اشخاص نيز به‌طور برابر اعمال گردد.

**ماده 16 - حمايت عمومي از انجام وظايف درماني**

1ـ هيچ شخصي را نمي‌توان تحت هيچ شرايطي به علت ارائه خدمات درماني منطبق با اخلاق پزشكي‌، صرف‌نظر از اينكه چه كسي از اين خدمات بهره‌مند شده است‌، مجازات نمود.

 2ـ اشخاصي را كه به فعاليت‌هاي پزشكي اشتغال دارند نبايد به ارتكاب اعمال يا انجام كارهايي مجبور كرد كه با قواعد اخلاق پزشكي و يا ساير قواعد پزشكي در نظر گرفته شده به نفع مجروحان و بيماران يا با مقررات كنوانسيون‌ها يا اين تشريفات (پروتكل) مغايرت داشته باشد و يا آنها را از اعمال يا انجام كارهايي كه اين قواعد و مقررات ايجاب مي‌نمايد، بازداشت‌.

 3ـ هيچ‌يك از اشخاصي را كه به فعاليت‌هاي پزشكي اشتغال دارند نبايد مجبور كرد اطلاعات مربوط به مجروحان و بيماراني را كه تحت مراقبت خود دارند يا قبلاً تحت مراقبت داشته‌اند، چنانچه اين اطلاعات به عقيده آنها به ضرر بيماران مورد بحث يا خانواده‌هاي آنان باشد، در اختيار فردي از طرف ديگر مخاصمه يا فردي از طرف خودي او- جز به موجب قوانين طرف اخيرالذكر - قرار دهند. با اين حال مقررات مربوط به اعلام اجباري بيماري‌هاي مسري بايد رعايت گردد.

**ماده 17- نقش سكنه غيرنظامي و سازمان‌هاي امدادي**

1- سكنه غيرنظامي بايد به مجروحان و بيماران و غريقان‌، حتي اگر به‌طرف ديگر مخاصمه تعلق داشته باشند، احترام گذارده و مرتكب هيچ عمل خشونت‌آميزي عليه آنها نشوند. سكنه غيرنظامي و سازمان‌هاي امدادي نظير جمعيت‌هاي ملي صليب سرخ (هلال‌احمر، شير و خورشيد سرخ‌) اجازه دارند حتي به ابتكار خود، به جمع‌آوري و مراقبت از مجروحان و بيماران و غريقان حتي در مناطقي كه در معرض حمله بوده يا اشغال شده است بپردازند. هيچ كس نبايد به خاطر انجام چنين اقدامات انسان دوستانه‌اي مورد آزار، تعقيب‌، محكوميت و يا مجازات قرار گيرد.

 2ـ طرفهاي مخاصمه مي‌توانند از سكنه غيرنظامي و سازمان‌هاي امدادي مذكور در بند (1) تقاضا كنند به جمع‌آوري و مراقبت از مجروحان و بيماران و غريقان و جستجو براي يافتن مردگان پرداخته و محل آنها را گزارش كنند، طرفهاي مخاصمه از كساني كه به‌اين درخواست پاسخ مثبت بدهند حمايت كرده و تسهيلات لازم را در اختيار آنها خواهند گذارد. چنانچه طرف ديگر مخاصمه اداره منطقه را به دست گرفته يا آن را مجدداً دراختيار خود بگيرد، آن طرف نيز بايد همان حمايت و تسهيلات را مادامي كه به آنها نياز است‌، فراهم سازد.

**ماده 18- شناسايي**

1- هر يك از طرفهاي مخاصمه اهتمام خواهد كرد تا اطمينان حاصل نمايد كه كاركنان بهداري‌، كاركنان مذهبي و واحدها و وسايل ترابري بهداري قابل شناسايي باشند.

 2- هر يك از طرفهاي مخاصمه همچنين اهتمام خواهد كرد روشها و رويه‌هايي را اتخاذ و اجراء كند كه شناسايي واحدها و وسايل ترابري بهداري را كه داراي آرم و علائم مشخص‌كننده هستند، امكان‌پذير سازد.

 3 ـ كاركنان غيرنظامي بهداري و كاركنان غيرنظامي مذهبي در منطقه تحت اشغال و در نواحي كه صحنه جنگ است و يا در آن احتمال وقوع درگيري مي‌رود، بايد با آرم مشخص‌كننده و برگ شناسايي كه مؤيد وضعيت آنها باشد، قابل شناسايي باشند.

 4 ـ با موافقت مقامات ذي‌صلاح‌، واحدها و وسايل ترابري بهداري با آرم مشخص‌كننده علامت‌گذاري خواهند شد. كشتي‌ها و شناورهاي مذكور در ماده (22) اين تشريفات (پروتكل) برطبق مقررات كنوانسيون دوم علامت‌گذاري خواهند شد.

 5 ـ علاوه بر آرم مشخص‌كننده‌، هر يك از طرفهاي مخاصمه مي‌توانند استفاده از علائم مشخص‌كننده را نيز به نحوي كه در فصل سوم از ضميمه (1) اين تشريفات (پروتكل) پيش‌بيني شده است براي شناسايي واحدها و وسايل ترابري بهداري مجاز نمايند. استثنائاً در موارد خاص مذكور در فصل ياد شده‌، وسايل ترابري بهداري مي‌تواند از علامت مشخص‌كننده بدون داشتن آرم مشخص‌كننده استفاده كند.

 6ـ اجراي مفاد بندهاي (1) تا (5) اين ماده تابع فصلهاي يكم تا سوم ضميمه (1) اين تشريفات (پروتكل) مي‌باشد. علائمي كه در فصل سوم ضميمه (1) براي استفاده انحصاري واحدها و وسايل ترابري در نظرگرفته شده است‌، جز در موارد پيش‌بيني شده در آن‌، براي مقصود ديگري غير از شناسايي واحدها و وسايل ترابري بهداري به‌كار گرفته نخواهد شد.

 7ـ اين ماده هيچ نوع استفاده گسترده‌تر از آرم مشخص‌كننده را در زمان صلح‌، فراتر از آنچه كه در ماده (44) كنوانسيون اول آمده است‌، مجاز نمي‌سازد.

 8 ـ مقررات كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) در مورد نظارت بر استفاده از آرم مشخص‌كننده و جلوگيري و مقابله با هر نوع سوءاستفاده از آن در مورد علائم مشخص‌كننده نيز قابل اعمال مي‌باشد.

**ماده 19 - دولتهاي بي‌طرف و ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند**

دولتهاي بي‌طرف و ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند، بايد مقررات مربوطه اين تشريفات (پروتكل) را نسبت به اشخاص تحت حمايت اين قسمت كه ممكن است‌، در سرزمين خود پذيرفته يا آنها را تحت نظر نگاه داشته‌اند و نيز اجساد مردگان طرفهاي مخاصمه كه ممكن است در آن سرزمين بيابند، اعمال كنند.

**ماده 20 - ممنوعيت اقدامات تلافي‌جويانه**

اقدام تلافي‌جويانه عليه اشخاص و اموال موردحمايت اين قسمت‌، ممنوع است‌.

**بخش دوم - ترابري بهداري**

**ماده 21 - خودروهاي بهداري**

خودروهاي بهداري‌، به‌عنوان واحدهاي بهداري سيار به موجب كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) از احترام و حمايت برخوردار خواهد بود.

**ماده 22 - كشتي‌هاي بيمارستاني و شناورهاي نجات ساحلي**

1 ـ مقررات كنوانسيون‌ها درخصوص:

 الف- شناورهاي مذكور در مواد (22)، (24)، (25) و (27) كنوانسيون دوم‌

 ب - قايقهاي نجات و شناورهاي كشتي‌هاي مذكور

 ج - كاركنان و خدمه آنها و

 د - مجروحان‌، بيماران و غريقان حاضر در عرشه آنها

 در مواردي نيز كه اين كشتي‌ها حامل مجروحان‌، بيماران و غريقان غيرنظامي مي‌باشند، كه متعلق به هيچ‌يك از طبقه‌هاي مذكور در ماده (13) كنوانسيون دوم نيستند، نيز تسري خواهد يافت‌. چنين افراد غيرنظامي را نبايد تسليم طرف غيرخودي آنها نمود يا در دريا دستگير كرد. چنانچه اين افراد خود را در دست طرف غيرخودي مخاصمه بيابند، مشمول كنوانسيون چهارم و اين تشريفات (پروتكل) خواهند بود.

 2- حمايتي كه در كنوانسيون‌ها از كشتي‌هاي مذكور در ماده (25) كنوانسيون دوم‌، به عمل آمده است شامل آن دسته از كشتي‌هاي بيمارستاني كه به خاطر مقاصد انسان دوستانه به وسيله‌:

 الف - يك دولت بي‌طرف يا دولت ديگري كه طرف مخاصمه نيست‌، يا

 ب - يك سازمان بي‌طرف بشردوستانه بين‌المللي‌

 در اختيار يكي از طرفهاي مخاصمه قرار گرفته است نيز مي‌شود، مشروط بر اين كه در هر دو مورد، مراتب مذكور در ماده يادشده مراعات شده باشد.

 3- شناورهاي كوچك مذكور در ماده (27) كنوانسيون دوم‌، حتي اگر مراتب اعلام پيش‌بيني شده در اين ماده در مورد آنها صورت نگرفته باشد، از حمايت برخوردار خواهند شد. مع‌هذا از طرفهاي مخاصمه خواسته مي‌شود كه مشخصات چنين شناورهايي را به يكديگر اطلاع دهند تا احراز هويت و شناسايي آنها تسهيل گردد.

**ماده 23 - ساير كشتي‌ها و شناورهاي بهداري**

1- كشتي‌ها و شناورهاي بهداري غير از آنها كه مشمول ماده (22) اين تشريفات (پروتكل) و ماده (38) كنوانسيون دوم مي‌باشند. نيز چه در دريا يا در آبهاي ديگر، همانند واحدهاي بهداري سيار طبق كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) از احترام و حمايت برخوردار خواهد بود. نظر به اين كه اين حمايت تنها در صورتي مي‌تواند اعمال شود كه آنها به‌عنوان كشتي و شناور بهداري مورد شناسايي و تعيين هويت قرار گيرد، لذا اين وسايل ترابري بايد با آرم مشخص‌كننده علامت‌گذاري شده و تا آنجا كه ممكن است بند دوم ماده (43) كنوانسيون دوم را مراعات نمايد.

 2- كشتي‌ها و شناورهاي اشاره شده در بند (1) تابع قوانين جنگي خواهد بود. هر كشتي جنگي واقع در سطح آب كه قادر باشد بي‌درنگ فرمان خود را به اجراء درآورد مي‌تواند به آنها دستور توقف يا دورشدن داده يا آنها را مجبور به انتخاب مسير معيني كند و اين كشتي‌ها يا شناورها ناگزيرند همه اين دستورها را اطاعت نمايند. مادامي كه به‌وجود چنين كشتي‌ها و شناورهايي براي مجروحان‌، بيماران و غريقان حاضر در عرشه آنها نياز باشد، نمي‌توان آنها را از مأموريت پزشكي‌شان منحرف ساخت‌.

 3- حمايت مقرر شده در بند (1) فقط به موجب شرايط تعيين شده در مواد (34) و (35) كنوانسيون دوم قطع خواهد شد. عدم اطاعت از فرماني كه برطبق بند (2) صادر شده است يك عمل زيان‌آور براي دشمن‌، طبق ماده (34) كنوانسيون دوم تلقي خواهد شد.

 4- هر يك از طرفهاي مخاصمه‌، حتي‌الامكان هرچه زودتر قبل از حركت كشتي‌ها و شناورهاي بهداري‌، مي‌تواند نام، مشخصات‌، زمان پيش‌بيني‌شده‌، مسير و سرعت تخميني آنها را، به‌خصوص در مورد كشتي‌هاي با وزن ناخالص بيش از دوهزارتن، به طرف ديگر مخاصمه اطلاع دهد و نيز مي‌تواند هرگونه اطلاعات ديگري را كه شناسايي و تعيين هويت كشتي‌هاي مذكور را تسهيل نمايد، ارائه كند. طرف ديگر مخاصمه بايد وصول اين اطلاعات را اعلام نمايد.

 5- مقررات ماده (37) كنوانسيون دوم‌، در مورد كاركنان بهداري و كاركنان مذهبي چنين كشتي‌ها و شناورهايي نيز اعمال خواهد شد.

 6- مقررات كنوانسيون دوم در مورد مجروحان‌، بيماران و غريقاني كه به طبقه‌بندي‌هاي مذكور در ماده (13) كنوانسيون دوم و ماده (44) اين تشريفات (پروتكل) تعلق دارد و ممكن است در عرشه چنين كشتي‌ها و شناورهاي بهداري حضور داشته باشند، اعمال خواهد شد. غيرنظاميان مجروح‌، بيمار و غريق كه در شمار طبقه‌بندي‌هاي مذكور در ماده (13) كنوانسيون دوم نيستند، ملزم نخواهند بود كه در دريا تسليم طرف مخاصمه غيرخودي شده و يا از چنين كشتي‌ها يا شناورهايي خارج شوند. چنانچه اين افراد به دست طرف مخاصمه غيرخودي بيفتند، تحت شمول كنوانسيون چهارم و اين تشريفات(پروتكل) خواهند بود.

**ماده 24 - حمايت از هواپيماهاي بهداري**

هواپيماهاي بهداري‌، با رعايت مقررات اين قسمت‌، از احترام و حمايت برخوردار خواهد بود.

**ماده 25 - هواپيماهاي بهداري در مناطقي كه دراختيار طرف مخالف نيست**

احترام به هواپيماهاي بهداري يك طرف مخاصمه و حمايت از آنها كه در مناطق خشكي كه عملاً تحت اختيار نيروهاي دوست بوده يا بر فراز اين مناطق يا در مناطق دريايي كه عملاً تحت نظارت طرف مخالف نيست يا بر فراز آن مناطق‌، مستلزم كسب موافقت قبلي از طرف ديگر مخاصمه نيست‌. باوجود اين‌، به‌منظور ايمني بيشتر، طرف مخاصمه‌اي كه هواپيماهاي بهداري آن در اين مناطق فعاليت مي‌كنند، به‌خصوص هنگامي كه چنين هواپيمايي در تيررس سيستم‌هاي سلاحهاي زمين به هواي طرف ديگر در پرواز باشد، مي‌تواند طبق مفاد ماده (29)، موضوع را به طرف ديگر مخاصمه اطلاع دهد.

**ماده 26 - هواپيماهاي بهداري در مناطق برخورد يا مناطق مشابه**

1 ـ حمايت از هواپيماهاي بهداري در داخل و برفراز منطقه برخورد كه عملاً در اختيار نيروهاي دوست است و در داخل يا برفراز مناطقي كه وضعيت كنترل عملي آن به وضوح مشخص نشده است‌، فقط با موافقت قبلي مقامات نظامي ذي‌صلاح طرفهاي مخاصمه به نحو مذكور در ماده (29) مي‌تواند به‌طور كامل اعمال شود. چنانچه چنين موافقتي صورت نگرفته باشد، با وجود آنكه هواپيماهاي بهداري با پذيرش خطر، اقدام به پرواز كند، با اين حال در صورتي كه مورد شناسايي قرار گيرد بايد از احترام برخوردار باشد.

 2 ـ «منطقه برخورد» عبارت از هر منطقه در خشكي است كه در آنجا عناصر مقدم نيروهاي مخالف با يكديگر برخورد دارند، به‌خصوص در جايي كه در معرض آتش مستقيم زميني قرار داشته باشند.

**ماده 27 - هواپيماهاي بهداري در مناطق تحت كنترل طرف مخالف**

1 ـ هواپيماهاي بهداري متعلق به يكي از طرفهاي مخاصمه در هنگام پرواز برفراز سرزمين يا مناطق خشكي يا دريايي كه عملاً تحت كنترل طرف ديگر است به شرطي از حمايت برخوردار خواهد بود كه قبلاً موافقت مقامات ذي‌صلاح طرف ديگر با چنين پروازهايي بدست آمده باشد.

 2 ـ يك هواپيماي بهداري كه بدون موافقت طرف ديگر مخاصمه يا خارج از شرايط توافق مذكور در بند (1) برفراز منطقه‌اي پرواز مي‌كند كه عملاً تحت كنترل دشمن است‌، خواه اين پرواز ناشي از خطاي هوانوردي يا به دليل يك موقعيت اضطراري مربوط به ايمني پرواز باشد، بايد براي شناساندن خود تمامي كوشش‌هاي لازم را به‌عمل آورده و وضعيت را به طرف مخالف اطلاع دهد. طرف ديگر مخاصمه به محض آن كه چنين هواپيماي بهداري را شناسايي كرد، بايد قبل از توسل به حمله عليه هواپيما هر تلاش معقولانه‌اي را به‌عمل آورد تا به هواپيما دستور فرود در خشكي بر سطح آب را طبق بند (1) ماده (30) داده و يا اقدامات ديگري جهت حفظ منافع خود انجام دهد و در هر دو مورد به آن فرصت اجراي اين دستورها را بدهد.

**ماده 28 - محدوديت‌هاي مربوط به عمليات هواپيماي بهداري**

1 ـ استفاده طرفهاي مخاصمه از هواپيماهاي بهداري خود به‌منظور كسب برتري نظامي بر طرف مخالف ممنوع است‌. حضور هواپيماهاي بهداري نبايد جهت مصون نگهداشتن هدفهاي نظامي از حمله مورد استفاده قرار گيرد.

 2 ـ هواپيماهاي بهداري نبايد به‌منظور جمع‌آوري يا انتقال اطلاعات جاسوسي به‌كار گرفته شود و نبايد مجهز به دستگاههايي براي اين مقصود باشد. حمل هر شخص يا محموله‌اي كه در تعريف بند (6) ماده (8) نيامده است‌، در اين هواپيما ممنوع است‌. حمل وسايل شخصي سرنشينان و يا حمل وسايلي كه تنها به‌منظور تسهيل در امر هوانوردي‌، مخابرات يا شناسايي است‌، در شمار اقلام ممنوعه نيست‌.

 3 ـ هواپيماهاي بهداري حق حمل سلاح را ندارند، مگر سلاحهاي كوچك و مهماتي كه از مجروحان‌، بيماران و غريقان در داخل هواپيما گرفته شده و هنوز به نهاد ذي‌صلاح تحويل داده نشده است و نيز سلاحهاي سبك انفرادي كه ممكن است به‌منظور قادر ساختن كاركنان بهداري در داخل هواپيما براي دفاع از خود و مجروحان‌، بيماران و غريقان تحت مراقبت آنها مورد نياز باشد.

 4 ـ هواپيماهاي بهداري هنگام انجام پروازهاي مذكور در مواد (26) و (27) براي جستجوي مجروحان‌، بيماران و غريقان مورد استفاده قرار نخواهد گرفت‌، مگر اينكه موافقت قبلي طرف مخالف تحصيل شده باشد.

**ماده 29 - اطلاعيه‌ها و توافق‌ها درخصوص هواپيماي بهداري**

1 ـ اطلاعيه‌هاي موضوع ماده (25)، يا درخواست‌هاي ارائه‌شده جهت تحصيل موافقت قبلي موضوع مواد (26)، (27)، (4-28) و (31) بايد متضمن تعداد هواپيماهاي بهداري پيشنهاد شده و برنامه‌هاي پرواز و وسايل شناسايي آنها باشد و صدور چنين اطلاعيه‌ها و اعلام چنين درخواست‌هايي متضمن اين معني خواهد بود كه هر پرواز بر طبق ماده (28) انجام خواهد شد.

 2 ـ طرفي كه اطلاعيه موضوع ماده (25) را دريافت مي‌كند، بايد فوراً وصول چنين اطلاعيه‌اي را اعلام نمايد.

 3 ـ طرفي كه يك تقاضاي موافقت قبلي موضوع مواد (26)، (27)، (4-28) يا (31) را دريافت مي‌كند، بايد تا آنجا كه امكان دارد در اسرع وقت به طرف درخواست‌كننده اعلام كند كه:

 الف - با درخواست موافقت شده است‌.

 ب - درخواست رد شده است‌، يا

 ج - پيشنهادهاي معقولانه ديگري را به جاي درخواست مذكور ارائه دهد. طرف مذكور همچنين مي‌تواند پيشنهاد منع يا محدوديت ساير پروازها در منطقه را در طول زمان موردنظر قرار بدهد. چنانچه طرف درخواست‌كننده پيشنهادهاي مزبور را بپذيرد، بايد مراتب پذيرش خود را به طرف ديگر اعلام نمايد.

 4 ـ طرفهاي مخاصمه بايد اقدامات لازم را به‌عمل آورند تا اطمينان حاصل نمايند كه صدور اطلاعيه‌ها و حصول توافق به سرعت انجام شود.

 5 ـ طرفهاي مخاصمه همچنين اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا محتواي اين اطلاعيه‌ها و توافق‌ها سريعاً در بين واحدهاي نظامي مربوطه منتشر شود و بايد وسايل شناسايي مورداستفاده هواپيماهاي بهداري موردنظر را به اين واحدها اطلاع دهند.

**ماده 30 - فرود و بازرسي هواپيماهاي بهداري**

1 ـ مي‌توان به هواپيماهاي بهداري كه برفراز مناطقي كه عملاً دراختيار طرف ديگر مخاصمه است يا مناطقي كه وضعيت كنترل عملي آن به وضوح مشخص نشده است‌، پرواز مي‌كنند، به نحو مقتضي فرمان داد كه بر زمين يا بر روي آب فرود آيد تا بازرسي برطبق بندهاي زير صورت گيرد. هواپيماهاي بهداري بايد از چنين فرمان‌هايي پيروي كند.

 2 ـ هرگاه چنين هواپيمائي خواه در اجراي دستور يا به دلايل ديگري بر زمين يا بر روي آب فرود آيد، بازرسي از هواپيما صرفاً جهت تعيين موضوع‌هاي مذكور در بندهاي (3) و (4) صورت خواهد گرفت‌. هرگونه بازرسي از اين نوع بايد بدون تأخير آغاز شده و با سرعت انجام شود. طرف بازرسي كننده نبايد درخواست نمايد كه مجروحان و بيماران از هواپيما خارج شوند، مگر آنكه خروج آنها براي بازرسي ضروري باشد. به هر حال طرف بازرسي كننده بايد اطمينان حاصل نمايد كه بازرسي هواپيما يا خارج شدن مجروحان و بيماران لطمه‌اي به حال آنها وارد نخواهد كرد.

 3 ـ چنانچه براثر بازرسي كشف شود كه هواپيما:

 الف - يك هواپيماي بهداري به مفهومي است كه در بند (10) ماده (8) اشاره شده است‌.

 ب - شرايط مندرج در ماده (28) را نقض نكرده است‌، و

 ج - در مواردي كه نياز به موافقت قبلي باشد، بدون أخذ چنين موافقتي يا برخلاف آن پرواز نكرده است‌، به هواپيماي مزبور و سرنشينان آنكه متعلق به طرف ديگر مخاصمه يا يك دولت بي‌طرف يا متعلق به دولتي است كه طرف مخاصمه نيست‌، بايد بدون درنگ اجازه ادامه پرواز داده شود.

 4 ـ چنانچه براثر بازرسي معلوم شود كه هواپيما:

 الف - يك هواپيماي بهداري به مفهومي كه در بند (10) ماده (8) اشاره شده، نيست‌.

 ب - شرايط مندرج در ماده (28) را نقض كرده‌، يا

 ج - در مواردي كه نياز به موافقت قبلي باشد، بدون أخذ چنين موافقتي يا برخلاف آن پرواز كرده است‌، هواپيماي مزبور را مي‌توان توقيف نمود. نحوه رفتار با سرنشينان اين هواپيما برطبق مقررات مربوطه كنوانسيون‌ها و اين تشريفات(پروتكل) خواهد بود. هر هواپيماي توقيف شده‌اي كه به‌عنوان يك هواپيماي بهداري دائمي اختصاص يافته باشد، پس از توقيف‌، فقط به‌عنوان هواپيماي بهداري مورد استفاده قرار خواهد گرفت‌.

**ماده 31 - دولتهاي بي‌طرف و ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند**

1 ـ هواپيماهاي بهداري‌، جز با موافقت قبلي‌، بر فراز قلمرو يك دولت بي‌طرف يا ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند به پرواز درنيامده يا در قلمرو آن فرود نخواهد آمد. با اين حال در صورت وجود چنين توافقي‌، اين هواپيماها بايد در تمام مدت پرواز خود و نيز در مدت هر توقف احتمالي در قلمرو مربوطه مورد احترام قرار گيرد. مع‌هذا هواپيماهاي مزبور بايد هر فرماني براي فرود آمدن بر زمين يا بر روي آب را به نحو مقتضي اطاعت نمايد.

 2 ـ چنانچه يك هواپيماي بهداري بدون موافقت يا با تخلف از شرايط موافقت قبلي به علت خطاي هوانوردي يا وضع اضطراري كه به ايمني هواپيما لطمه مي‌زند ناگزير به پرواز بر فراز قلمرو يك دولت بي‌طرف يا ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند، بشود بايد تمامي كوشش‌هاي خود را براي اعلام پرواز و شناسايي خود به‌عمل آورد. به محض اينكه چنين هواپيماي بهداري شناسايي شد، آن دولت بايد كليه مساعي خود را به كاربندد تا برطبق بند (1) ماده (30) به هواپيما فرمان دهد بر زمين يا بر روي آب فرود آيد، يا اقدام ديگري را براي تضمين منافع خود به كار بندد و در هر دو صورت به هواپيما به اندازه كافي فرصت دهد كه قبل از هدف حمله قرار گرفتن اين فرمان را اجراءنمايد.

 3 ـ چنانچه يك هواپيماي بهداري خواه با موافقت و يا براثر وضعيت مذكور در بند(2)، در قلمرو يك دولت بي‌طرف يا دولت ديگري كه طرف مخاصمه نيستند بر زمين يا بر روي آب فرود آيد اعم از اينكه فرود طبق دستور يا به دلايل ديگري صورت گرفته باشد، هواپيما مشمول بازرسي خواهد بود تا مشخص شود كه به راستي يك هواپيماي بهداري مي‌باشد. بازرسي بايد بي‌درنگ آغاز گرديده و با سرعت انجام شود. طرف بازرسي كننده نبايد درخواست نمايد كه مجروحان و بيماران متعلق به طرف گرداننده هواپيما از آن خارج شوند، مگر آنكه ‌اين كار براي بازرسي ضرورت داشته باشد. به هر حال طرف بازرسي كننده بايد اطمينان حاصل نمايد كه بازرسي هواپيما يا خارج كردن مجروحان و بيماران لطمه‌اي به وضع آنان نخواهد زد. چنانچه براثر بازرسي معلوم شود كه هواپيما واقعاً يك هواپيماي بهداري است‌، بايد به هواپيما و سرنشينان آن‌، به‌استثناي كساني كه براساس قواعد حقوق بين‌الملل قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه بايد بازداشت شوند، اجازه داده شود پرواز خود را از سرگيرند و همچنين بايد تسهيلات لازم براي ادامه پرواز دراختيار آنان گذارده شود. چنانچه براثر بازرسي معلوم شود كه هواپيما يك هواپيماي بهداري نيست‌، هواپيما توقيف گرديده و با سرنشينان آن طبق بند (4) رفتار خواهد شد.

 4 ـ مجروحان‌، بيماران و غريقاني كه با موافقت مقامات محلي در قلمرو يك دولت بي‌طرف يا دولتي كه طرف مخاصمه نيست‌، از يك هواپيماي بهداري پياده شده‌اند، غير از مواردي كه اين امر موقتي بوده است‌، هرگاه قواعد حقوق بين‌الملل قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه ايجاب نمايد، بازداشت خواهند شد به گونه‌اي كه نتوانند مجدداً در مخاصمات شركت كنند. مگر آنكه بين آن دولت و طرفهاي مخاصمه به نحو ديگري توافق شده باشد. هزينه بستري شدن و تحت نظر قراردادن‌، به عهده دولتي خواهد بود كه اشخاص مذكور به آن تعلق دارند.

 5 ـ دولتهاي بي‌طرف يا ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند، بايد كليه شرايط و محدوديت‌هاي مربوط به عبور هواپيماهاي بهداري از فراز خاك خود يا فرود آنها در قلمروشان را در مورد همه طرفهاي مخاصمه به‌طور يكسان
اعمال نمايند.

**بخش سوم - اشخاص مفقودالاثر و متوفي**

**ماده 32- اصول كلي**

در اجراي اين بخش‌، فعاليت‌هاي طرفهاي معظم متعاهد، طرفهاي مخاصمه و سازمان‌هاي بين‌المللي بشردوستانه مذكور در كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل)‌، عمدتاً تابع حق خانواده‌ها در آگاهي يافتن از سرنوشت بستگان‌شان مي‌باشد.

**ماده 33- اشخاص مفقودالاثر**

1 - به محض ايجاب شرايط‌ و حداكثر از هنگام پايان‌يافتن مخاصمات فعال‌، هر يك از طرفهاي مخاصمه بايد به جستجوي اشخاصي بپردازد كه از سوي طرف ديگر مخاصمه مفقودالاثر اعلام شده‌اند. طرف أخيرالذكر بايد هرگونه اطلاعات مربوط به اين قبيل اشخاص را در اختيار طرف ديگر قرار دهد تا كار چنين تجسس‌هايي تسهيل شود.

 2 ـ به‌منظور تسهيل كار جمع‌آوري اطلاعات بر طبق بند قبل‌، هر يك از طرفهاي مخاصمه بايد اقدامات زير را درخصوص اشخاصي كه به‌موجب كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل) حاضر از توجه مساعدتري برخوردار نيستند، معمول دارند:

 الف - اطلاعات تعيين‌شده در ماده (138) كنوانسيون چهارم درخصوص اشخاصي كه براي مدت بيش از دو هفته در اثر مخاصمات يا اشغال بازداشت و زنداني شده و يا به نحو ديگري به اسارت گرفته شده‌اند و يا در طي هر مدت از بازداشت در گذشته‌اند را ثبت نمايد.

 ب - تا حد امكان كار جستجوي اين قبيل اشخاص و ثبت اطلاعات مربوط به آنها را، اگر در نتيجه مخاصمات يا اشغال در شرايط ديگري فوت كرده باشند، تسهيل كرده يا درصورت لزوم‌، به آن مبادرت نمايند.

 3 ـ اطلاعات مربوط به اشخاصي كه برطبق بند (1) مفقودالاثر اعلام شده‌اند و درخواست چنين اطلاعاتي بايد يا به‌طور مستقيم‌ يا از طريق دولت حامي‌ يا دفتر مركزي رديابي كميته بين‌المللي صليب سرخ و جمعيت‌هاي ملي صليب سرخ (هلال‌احمر، شير و خورشيد سرخ‌) ارسال شود. در مواردي كه اين اطلاعات از طريق كميته بين‌المللي صليب سرخ و دفتر مركزي رديابي آن ارسال نشده باشد، هر يك از طرفهاي مخاصمه بايد اطمينان حاصل نمايد كه اين اطلاعات به دفتر مركزي رديابي نيز فرستاده شود.

 4 ـ طرفهاي مخاصمه بايد اهتمام نمايند تا درخصوص ترتيبات مربوط به گروههاي تجسس‌، شناسايي و انتقال مردگان از مناطق جنگي ازجمله درمورد اينكه درصورت اقتضاء افراد طرف ديگر مخاصمه‌، اين گروهها را هنگام انجام مأموريت در مناطق تحت كنترل طرف مذكور همراهي نمايند، به توافق دست يابند. افراد اين گروهها مادامي كه صرفاً به‌انجام اين وظايف مي‌پردازند مورد احترام و حمايت خواهند بود.

**ماده 34 - بقاياي اشخاص متوفي**

1 ـ بقاياي اجساد اشخاصي كه به دلايل مربوط به اشغال يا در مدت بازداشت ناشي از اشغال يا مخاصمات درگذشته‌اند، يا اجساد كساني كه تبعه كشوري كه در آنجا در نتيجه مخاصمات فوت كرده‌اند، نيستند، در صورتي كه اجساد و مدفن آنها از توجه مساعدتري به موجب كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) برخوردار نباشند، بايد آنگونه كه در ماده(130) كنوانسيون چهارم پيش‌بيني شده‌، مورد احترام قرار گرفته‌، نگهداري و علامت‌گذاري شوند.

 2 ـ به محض اينكه اوضاع و روابط بين طرفهاي مخاصمه اجازه دهد، طرفهاي معظم متعاهدي كه در قلمرو آنها مدفن و بر حسب مورد ساير محلهاي دفن اجساد اشخاصي قرار دارد كه براثر مخاصمات يا در مدت زمان اشغال يا در بازداشت فوت كرده‌اند، موافقتنامه‌هايي را منعقد خواهند كرد تا:

 الف - دسترسي بستگان متوفي و نمايندگان ادارات رسمي ثبت متوفيات به ‌اين قبور تسهيل شده و نيز ترتيبات عملي براي اين دسترسي‌ها تنظيم گردد.

 ب - از اين قبور به‌طور دائمي حمايت و نگهداري شود.

 ج - بازگرداندن اجساد درگذشتگان و وسايل شخصي آنها به كشور موطن‌شان بنابر درخواست آن كشور و چنانچه كشور مربوطه مخالف نباشد، بنابر درخواست نزديكترين خويشاوندان آنها، تسهيل گردد.

 3 ـ در صورت عدم حصول توافق‌هاي پيش‌بيني‌شده در بند 2 (ب‌) و (ج‌)، و چنانچه كشور موطن اين درگذشتگان مايل نباشد كه ترتيب نگهداري از اين قبور را با هزينه خود بدهد، طرف معظم متعاهدي كه قبور مزبور در قلمرو آن واقع شده است مي‌تواند پيشنهاد كند كه بازگرداندن اجساد درگذشتگان به‌موطن‌شان را تسهيل نمايد. چنانچه اين پيشنهاد مورد قبول واقع نشده باشد، طرف معظم متعاهد مزبور مي‌تواند پس از انقضاء پنج سال از تاريخ پيشنهاد مذكور و با اطلاع مراتب به كشور موطن‌، ترتيبات موجود در قوانين خود مربوط به گورستان‌ها و قبور را به مرحله اجراء درآورد.

 4 ـ طرف معظم متعاهدي كه قبرهاي مذكور در اين ماده در قلمرو آن قرار دارد، فقط در موارد زير مي‌تواند مبادرت به نبش قبر نمايد:

 الف - برطبق بند 2 (ج‌) و بند (3)، يا

 ب - در موردي كه نبش قبر داراي ضرورت عمومي فوق‌العاده‌اي‌، از جمله ضرورت‌هاي پزشكي و تحقيقاتي باشد كه در اين صورت طرف معظم متعاهد بايد همواره به اجساد احترام گذارده و قصد خود مبني بر نبش قبر و جزئيات محل درنظرگرفته شده براي تدفين مجدد را به كشور موطن اطلاع دهد.

**قسمت سوم - شيوه‌ها و وسايل جنگي رزمندگان و وضعيت اسيران جنگي**

**بخش اول - شيوه‌ها و وسايل جنگي**

**ماده 35 - قواعد اساسي**

1 ـ حق طرفهاي مخاصمه در انتخاب شيوه‌ها و وسايل جنگي در هيچ مخاصمه مسلحانه‌اي نامحدود نيست‌.

 2 ـ به‌كاربردن سلاح‌ها، پرتاب‌شونده‌ها و مواد و شيوه‌هاي جنگي از نوعي كه منجر به واردآوردن صدمات بيش از حد و درد و رنج غيرضروري مي‌شود، ممنوع است‌.

 3 ـ به‌كاربردن شيوه‌ها يا وسايل جنگي كه هدف از آن وارد آوردن خسارات شديد، گسترده و درازمدت بر محيط‌زيست طبيعي باشد يا احتمال مي‌رود چنين اثراتي داشته باشد، ممنوع است‌.

**ماده 36 - سلاحهاي جديد**

طرفهاي معظم متعاهد در هنگام تحقيق توسعه‌، تملك يا در اختيارگرفتن يك اسلحه‌، وسيله يا شيوه جديد جنگي‌، موظفند تعيين نمايند كه آيا كاربرد آن در برخي يا در تمامي وضعيت‌ها، برطبق اين تشريفات (پروتكل) يا ساير قواعد حقوق بين‌المللي قابل اعمال بر آن طرف معظم متعاهد، ممنوع است يا خير؟

**ماده 37 - ممنوعيت نيرنگ**

1 ـ قتل‌، مجروح يا اسيركردن يكي از افراد دشمن‌، با توسل به نيرنگ ممنوع است‌. اعمالي كه باعث برانگيختن حس اعتماد يكي از افراد دشمن گرديده و وي را متقاعد سازد كه طبق قواعد حقوق بين‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه‌، حق دارد از حمايت برخوردار شود يا موظف است حمايت خود را اعطاء نمايد و منظور آن باشد كه به اين حس اعتماد خيانت شود، نيرنگ محسوب مي‌گردد.

 اعمال مشروح در زير از مصاديق نيرنگ مي‌باشد:

 الف - تظاهر به قصد مذاكره تحت پرچم متاركه جنگ يا تسليم‌

 ب - تظاهر به عجز و ناتواني به دليل جراحت يا بيماري‌

 ج - تظاهر به غيرنظامي بودن و برخورداربودن از وضعيت غير رزمنده‌ و

 د - تظاهر به داشتن وضعيتي كه از حمايت برخوردار مي‌باشد با استفاده از علامت‌ها و نشانه‌ها يا لباس‌هاي متحدالشكل مربوط به سازمان ملل متحد و يا مربوط به دولتهاي بي‌طرف و يا ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند.

 2 ـ حيله‌هاي جنگي ممنوع نيست‌. منظور از اين قبيل حيله‌ها اعمالي است كه به‌منظور گمراه كردن دشمن و يا وادار ساختن او به اقدام‌هاي غيرمحتاطانه صورت مي‌گيرد كه با اين حال مغاير قواعد حقوق بين‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه نيست‌، نيرنگ محسوب نمي‌شود زيرا اين حيله‌ها حس اعتماد دشمن را در قبال حمايت به موجب قواعد مذكور برنمي‌انگيزد. نمونه‌هايي از اينگونه حيله‌ها عبارتند از: استتار، استفاده از تله‌، انجام عمليات ساختگي و دادن اطلاعات نادرست‌

**ماده 38 - آرمهاي به‌رسميت شناخته شده**

1 ـ استفاده نادرست از آرم مشخص‌كننده صليب سرخ‌، هلال احمر يا شير و خورشيد سرخ و يا ساير آرمها و علامت‌هاي پيش‌بيني شده در كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) ممنوع است‌. همچنين در مخاصمات مسلحانه‌، سوءاستفاده عمدي از ساير آرم‌ها و علامت‌هاي مورد حمايت و شناخته شده بين‌المللي‌، از جمله پرچم متاركه و آرم حمايت شده مالكيت فرهنگي‌، ممنوع است‌.

 2 ـ استفاده از آرم مشخص سازمان ملل متحد، جز به‌گونه‌اي كه سازمان اجازه داده باشد، ممنوع است‌.

**ماده 39 - آرم‌هاي ملي**

1 ـ در مخاصمات مسلحانه‌، استفاده از پرچم يا نشانه‌هاي نظامي‌، آرمها يا لباسهاي متحدالشكل دولتهاي بي‌طرف يا ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند ممنوع است‌.

 2 ـ استفاده از پرچمها و آرمهاي نظامي يا نشانها و لباسهاي متحدالشكل طرف مخالف به هنگام حمله يا به‌منظور پوشش دادن به عمليات نظامي يا پشتيباني‌، حمايت يا جلوگيري از آن ممنوع است‌.

 3 ـ هيچ‌يك از مقررات اين ماده و يا بند 1 (د) ماده (37) لطمه‌اي به قواعد عموماً شناخته شده موجود بين‌المللي قابل اجراء در مورد جاسوسي يا در مورد استفاده از پر‌چمها به هنگام هدايت مخاصمه مسلحانه در دريا، وارد نخواهد كرد.

**ماده 40 - امان**

صدور فرمان مبني‌بر اينكه هيچ كس زنده باقي نماند و يا تهديد دشمن با چنين فرماني و يا هدايت مخاصمات براين مبنا، ممنوع است‌.

**ماده 41 - حفاظت از دشمني كه از كارزار خارج شده است**

1 ـ شخصي كه به‌عنوان خارج از كارزار شناخته شده‌، يا باتوجه به اوضاع و احوال بايد به اين عنوان شناخته شود، نبايد هدف حمله قرار گيرد.

 2 ـ شخصي «خارج از كارزار» محسوب مي‌شود كه:

 الف - در دست نيروهاي طرف مخالف خود باشد.

 ب - به‌طور روشن قصد خود را مبني بر تسليم شدن بيان نمايد.

 ج - در حال بيهوشي بوده و يا به دليل جراحت و بيماري قادر به دفاع از خود نباشد.

 مشروط بر اينكه در هر يك از اين موارد از دست زدن به هرگونه عمل خصمانه خودداري كرده و قصد فرار نداشته باشد.

 3 ـ هرگاه اشخاصي كه از حق حمايت به‌عنوان اسير جنگي برخوردارند در شرايط غيرعادي رزمي به دست طرف مخالف بيفتند، كه مانع انتقال آنها طبق شرايط مذكور در بخش اول از قسمت سوم كنوانسيون سوم باشد، بايد آزاد شده و تمامي احتياط‌هاي ممكن درخصوص حفظ امنيت آنها رعايت شود.

**ماده 42 - سرنشينان هواپيما**

1 ـ هيچ‌يك از اشخاصي را كه در حال اضطرار با چتر نجات از يك هواپيما به پايين مي‌پرند نبايد در زمان فرود هدف حمله قرار داد.

 2 ـ به شخصي كه در حال اضطرار از هواپيما با چتر نجات فرود آمده است‌، بعد از فرود در قلمرويي كه دراختيار طرف مقابل است‌، فرصت داده خواهد شد تا قبل از اينكه هدف حمله قرار گيرد، تسليم شود، مگر آنكه آشكار شود كه به يك عمل خصمانه مبادرت مي‌نمايد.

 3 ـ سربازان هوابرد تحت حمايت اين ماده قرار ندارند.

**بخش دوم - وضعيت رزمنده و اسير جنگي**

**ماده 43 - نيروهاي مسلح**

1 - نيروهاي مسلح يك طرف مخاصمه مركب از كليه نيروهاي مسلح سازمان يافته‌، گروهها و واحدهايي است كه تحت نظر فرماندهي قرار دارند كه درقبال اعمال زيردستان خود دربرابر آن طرف مسؤول هستند، حتي اگر حكومت يا مقامي نماينده آن طرف باشد كه از سوي طرف ديگر مخاصمه به رسميت شناخته نشده باشد. چنين نيروهاي مسلحي بايد تابع يك نظام انضباطي داخلي باشند كه از جمله بايد قواعد حقوق بين‌المللي قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه را رعايت كنند.

 2 - اعضاي نيروهاي مسلح يك طرف مخاصمه (به جز كاركنان بهداري و كاركنان مذهبي كه مشمول ماده (33) كنوانسيون سوم مي‌گردند) رزمنده به شمار مي‌آيند. بدين‌معني كه حق شركت مستقيم در مخاصمات را دارند.

 3 - هرگاه يكي از طرفهاي مخاصمه نيروهاي شبه نظامي يا نيروهاي مسلح مجري قانون را به نيروهاي مسلح خود منضم نمايد، بايد مراتب را به طرف ديگر مخاصمه اطلاع دهد.

**ماده 44 - رزمندگان و اسيران جنگي**

1 - هر رزمنده به نحوي كه در ماده (43) تعريف شده است‌، هرگاه كه به دست نيروهاي طرف مخالف بيافتد، اسير جنگي محسوب خواهد شد.

 2 - در حالي كه كليه رزمندگان ملزم به رعايت قواعد حقوق بين‌المللي قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه هستند. تخلف از اين قواعد موجب نمي‌شود كه يك رزمنده از حق رزمنده بودن و چنانچه به دست نيروهاي دشمن بيافتد، از حق اسير جنگي بودن محروم گردد مگر به نحو مذكور در بندهاي (3) و (4) اين ماده‌

 3 - به‌منظور حمايت بيشتر سكنه غيرنظامي در برابر اثرات مخاصمات‌، رزمندگان در هنگام حمله يا در عمليات نظامي مقدماتي براي آغاز يك حمله بايد خود را از مردم غيرنظامي متمايز سازند. با تأييد اين مطلب كه در مخاصمات مسلحانه مواقعي وجود دارد كه به‌دليل ماهيت مخاصمات‌، يك رزمنده مسلح قادر نيست خود را به اين نحو متمايز سازد، مع‌الوصف او وضعيت خود را به‌عنوان يك رزمنده حفظ خواهد كرد مشروط بر اينكه در شرايطي ازقبيل:

 الف - طي هر درگيري نظامي‌ و

 ب - مواقعي كه در حال آرايش نيروهاي نظامي پيش از آغاز حمله‌اي كه قرار است وي در آن شركت كند. در معرض ديد دشمن باشد.

اسلحه خود را به‌طور آشكار حمل نمايد. اعمالي كه برطبق شرايط اين بند صورت مي‌گيرد را نمي‌توان حمل بر نيرنگ به مفهوم بند 1 (ج‌) ماده (37) اين تشريفات (پروتكل) كرد.

 4 - رزمنده‌اي كه به دست طرف مخالف گرفتار مي‌شود چنانچه فاقد شرايط مندرج در جمله دوم از بند (3) اين ماده باشد، از حق برخورداري از وضعيت اسير جنگي محروم مي‌گردد. مع‌هذا، از حمايت‌هايي برخوردار خواهد شد كه از هر جهت معادل آن چيزي است كه در كنوانسيون سوم و اين تشريفات (پروتكل) به اسيران جنگي اعطاء شده است‌. اين حمايت شامل حمايت‌هايي معادل آن چيزي مي‌باشد كه به موجب كنوانسيون سوم به اسيران جنگي درمواردي اعطاء مي‌شود كه به دليل ارتكاب هر نوع جرم محاكمه و مجازات مي‌شوند.

 5 - هر رزمنده چنانچه در حالي به دست طرف مخالف گرفتار شود كه مشغول حمله‌، يا عمليات نظامي مقدماتي براي حمله نباشد، به دليل فعاليت‌هاي قبلي از حق خود براي رزمنده يا اسير جنگي بودن محروم نمي‌شود.

 6 - اين ماده به حق هيچ شخصي براي آنكه به موجب ماده (4) كنوانسيون سوم اسير جنگي محسوب شود، لطمه نمي‌زند.

 7 - منظور از اين ماده آن نيست كه رويه عموماً پذيرفته شده دولتها درخصوص پوشيدن لباس متحدالشكل توسط رزمندگان مأمور خدمت در واحدهاي منظم و مسلح طرفهاي مخاصمه كه ملبس به لباسهاي متحدالشكل هستند، تغيير كند.

 8 - علاوه بر طبقه‌بندي‌هاي مربوط به اشخاص مذكور در ماده (13) كنوانسيون‌هاي اول و دوم‌، كليه اعضاي نيروهاي مسلح هر طرف مخاصمه به نحوي كه در ماده (43) اين تشريفات (پروتكل) تعريف شده است‌، درصورت جراحت يا بيماري و درمورد كنوانسيون دوم‌، درصورتي كه در دريا يا ساير آبها غرق شده باشند، حق دارند از حمايت‌هاي كنوانسيون‌هاي مذكور برخوردار شوند.

**ماده 45 - حمايت از اشخاصي كه در مخاصمات شركت كرده‌اند**

1 - شخصي كه در مخاصمات شركت مي‌كند و به دست طرف مخالف گرفتار مي‌شود يك اسير جنگي قلمداد خواهد شد و درصورتي كه وي مدعي وضعيت اسير جنگي شود و يا آن كه به نظر برسد سزاوار اين وضعيت مي‌باشد و يا طرف مخاصمه‌اي كه وي بدان وابسته است چنانچه با ارسال اطلاعيه‌اي از طرف او به‌عنوان طرف مخاصمه بازداشت كننده و يا دولت حامي‌، مدعي چنين وضعيتي شود، تحت حمايت كنوانسيون سوم خواهد بود. درصورت بروز ترديد نسبت به شمول وضعيت اسير جنگي بر چنين شخصي‌، وي همچنان تا زمان تعيين وضعيت او توسط دادگاه ذي‌صلاح‌، از اين وضعيت برخوردار بوده و لذا مشمول حمايت كنوانسيون سوم و اين تشريفات (پروتكل) باقي خواهد ماند.

 2 - چنانچه شخصي كه به دست طرف مخالف افتاده است اسير جنگي قلمداد نشده و مي‌بايد براي يك جرم ناشي از مخاصمات توسط آن طرف محاكمه شود، وي از اين حق برخوردار خواهد بود كه نزديك دادگاه قضائي مدعي استحقاق وضعيت اسير جنگي‌، شده و خواستار رسيدگي به موضوع شود. هرگاه آيين‌دادرسي قابل اجراء اجازه دهد. اين رسيدگي قبل از محاكمه وي صورت خواهد گرفت‌. نمايندگان دولت حامي حق شركت در جريان دادرسي مربوط به محاكمه وي را دارند، مگر آن كه استثنائاً دادرسي به دليل امنيت كشور به‌طور مخفي صورت گيرد. در چنين مواردي طرف بازداشت كننده بايد موضوع را به دولت حامي اطلاع دهد.

 3 - هر شخصي كه در مخاصمات شركت كرده است و استحقاق وضعيت اسير جنگي را نداشته و مشمول رفتار مساعدتري به موجب كنوانسيون چهارم نمي‌گردد، همواره از حمايت موضوع ماده (75) اين تشريفات (پروتكل) بهره‌مند خواهد شد. اين قبيل اشخاص در سرزمين اشغالي‌، علي‌رغم ماده (5) كنوانسيون چهارم‌، از حق مكاتبه به موجب كنوانسيون چهارم برخوردارند، مگر آن كه به‌عنوان جاسوسي بازداشت شده باشند.

**ماده 46 - جاسوسان**

1 - علي‌رغم ساير مقررات كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل)‌، هر عضوي از نيروهاي مسلح يك طرف مخاصمه كه حين ارتكاب جاسوسي به دست نيروهاي طرف مخالف بيافتد، حق برخورداري از وضعيت اسير جنگي را نداشته و مي‌توان با وي به‌عنوان جاسوس رفتار كرد.

 2 - هر عضوي از نيروهاي مسلح يك طرف مخاصمه كه از سوي آن طرف در سرزمين تحت كنترل طرف مخالف به جمع‌آوري اطلاعات پرداخته يا براي اين كار تلاش نمايد، چنانچه در حين اين عمل به لباس متحدالشكل نيروهاي مسلح طرف خود ملبس باشد، جاسوس به شمار نخواهد آمد.

 3 - هر عضوي از نيروهاي مسلح يك طرف مخاصمه كه در سرزميني اقامت داشته باشد كه در اشغال طرف مخالف قرار دارد و از سوي طرفي كه وي به آن وابسته است به جمع‌آوري اطلاعات داراي ارزش نظامي در داخل آن سرزمين مبادرت كند يا براي اين كار تلاش نمايد، اقدام وي جاسوسي تلقي نخواهد شد، مگر اينكه اين اقدام را از طريق فريبكاري يا آگاهانه به‌صورت مخفي انجام دهد. به علاوه فرد مقيم مزبور از حق خود مبني بر برخوردار شدن از وضعيت اسير جنگي محروم نخواهد شد و نمي‌توان با او به‌عنوان جاسوس رفتار كرد، مگر اينكه حين ارتكاب جاسوسي دستگير شده باشد.

 4 - هر عضوي از نيروهاي مسلح يك طرف مخاصمه كه در سرزمين تحت اشغال طرف مخالف مقيم نبوده و به فعاليت جاسوسي در آن سرزمين دست بزند، از حق مشمول شدن بر وضعيت اسير جنگي محروم نخواهد شد و نمي‌توان با او به‌عنوان جاسوس رفتار كرد، مگر آنكه دستگيري وي پيش از پيوستن دوباره‌اش به نيروهاي مسلح خودي صورت گرفته باشد.

**ماده 47 - مزدوران**

1 - مزدور حق ندارد كه رزمنده يا اسير جنگي قلمداد شود.

 2 - مزدور كسي است كه:

 الف- به‌ويژه در محل يا از خارج براي جنگيدن در مخاصمه مسلحانه استخدام شده باشد.

 ب - عملاً به‌طور مستقيم در مخاصمات شركت داشته باشد.

 ج - انگيزه اصلي وي از شركت در مخاصمات‌، اساساً منافع شخصي باشد و در واقع از جانب يك طرف مخاصمه و يا نماينده آن‌، به او وعده پاداش مادي‌اي داده شده باشد كه بسيار بيشتر از مبلغي است كه به رزمندگان هم درجه و داراي وظايف مشابه در نيروهاي مسلح آن طرف پرداخت مي‌شود و يا وعده آن داده مي‌شود.

 د - تبعه يا ساكن سرزمين تحت كنترل طرف مخاصمه نباشد.

 ه‍ - عضو نيروهاي مسلح يك طرف مخاصمه نباشد؛ و

 و - از جانب دولتي كه طرف مخاصمه نيست‌، به‌عنوان عضوي از نيروهاي مسلح آن دولت به‌منظور انجام وظيفه رسمي اعزام نشده باشد.

**قسمت چهارم - سكنه غيرنظامي**

**بخش اول - حمايت كلي دربرابر اثرات مخاصمات**

**فصل اول - قاعده اصلي و دامنه اجراء**

**ماده 48 - قاعده اصلي**

به‌منظور تضمين احترام و حمايت نسبت به سكنه غيرنظامي و اموال غيرنظامي‌، طرفهاي مخاصمه بايد همواره بين سكنه غيرنظامي و رزمندگان و نيز بين اموال و اهداف نظامي تمايز قائل شده و از همين قرار بايد عمليات خود را فقط متوجه اهداف نظامي نمايند.

**ماده 49 - تعريف حمله و دامنه اجراء**

1 - «حمله» به معني اعمال خشونت‌آميز عليه دشمن‌، براي هجوم يا دفاع مي‌باشد.

 2 - مقررات اين تشريفات (پروتكل) درخصوص حمله‌، درمورد كليه حملات در هر سرزميني كه روي دهد و از جمله در قلمرو ملي متعلق به يكي از طرفهاي مخاصمه كه در دست طرف مخالف است‌، اعمال مي‌شود.

 3 - مقررات اين بخش شامل هر جنگ زميني‌، هوايي و يا دريايي مي‌گردد كه مي‌تواند بر سكنه و افراد و اموال غيرنظامي لطمه بزند. اين مقررات همچنين شامل كليه حمله‌هايي مي‌شود كه ازطريق دريا و يا هوا عليه اهداف زميني صورت مي‌گيرد، اما به طريق ديگر تأثيري در قواعد حقوق بين‌الملل قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه در دريا يا هوا ندارد.

 4 - مقررات اين بخش مكمل قواعد مربوط به حمايت انسان دوستانه مندرج در كنوانسيون چهارم خصوصاً در قسمت دوم آن و نيز ساير موافقتنامه‌هاي بين‌المللي لازم‌الاجراء براي طرفهاي معظم متعاهد و همچنين ساير قواعد حقوق بين‌الملل درخصوص حمايت از افراد و اموال غيرنظامي در زمين‌، دريا و يا در هوا دربرابر آثار مخاصمات مي‌باشد.

**فصل دوم - افراد و سكنه غيرنظامي**

**ماده 50 - تعريف افراد و سكنه غيرنظامي**

1 - يك غير نظامي‌، شخصي است كه در زمره هيچ‌يك از طبقه‌بندي‌هاي مربوط به اشخاص اشاره شده در بندهاي الف (1)، (2)، (3) و (6) از ماده (4) كنوانسيون سوم و ماده (43) تشريفات (پروتكل) حاضر نباشد درصورت ترديد درمورد غيرنظامي بودن يك شخص‌، آن شخص غيرنظامي محسوب خواهد شد.

 2 - سكنه غيرنظامي متشكل از كليه اشخاص غيرنظامي است‌.

 3 - حضور افرادي در ميان سكنه غيرنظامي كه مشمول تعريف غيرنظامي نمي‌شوند، سكنه مزبور را از دارا بودن خصيصه غيرنظامي محروم نمي‌سازد.

**ماده 51 - حمايت از سكنه غيرنظامي**

1 - سكنه غيرنظامي و افراد غيرنظامي از حمايت كلي در برابر خطرات ناشي از عمليات نظامي برخوردار خواهند شد. براي تحقق اين حمايت‌، قواعد زير كه مكمل ساير قواعد لازم‌الاجراء حقوق بين‌الملل مي‌باشند، در كليه شرايط رعايت خواهد شد.

 2 - سكنه غيرنظامي في‌نفسه و نيز افراد غيرنظامي نبايد آماج حمله قرار گيرند. اعمال تهديدهاي خشونت‌آميز كه منظور اصلي از آن ايجاد وحشت در بين سكنه غيرنظامي باشد، ممنوع است‌.

 3 - غيرنظاميان از حمايت پيش‌بيني شده در اين بخش برخوردار خواهند شد، مگر و تا مدتي كه مستقيماً در مخاصمات شركت جويند.

 4 - حملات كوركورانه ممنوع است‌. حملات كوركورانه عبارتند از:

 الف - حمله‌هايي كه عليه يك هدف نظامي به خصوص صورت نگيرد.

 ب - حمله‌هايي كه با استفاده از روشها يا وسايل جنگي صورت گيرد كه نتوان آن را عليه يك هدف نظامي به خصوص به كار گرفت‌.

 ج - حمله‌هايي كه در آن از روشها يا وسايل جنگي استفاده مي‌شود كه اثرهاي كاربرد آن را درصورت لزوم نمي‌توان طبق مقررات تشريفات (پروتكل) حاضر محدود ساخت‌.

 و ـ در نتيجه‌، در هر يك از اين قبيل موارد، اين حملات از نوعي است كه اهداف نظامي و افراد يا اموال غيرنظامي را بدون تفكيك از يكديگر مورد اصابت قرار مي‌دهند.

 5 - علاوه بر ساير موارد، انواع حمله‌هاي مذكور در زير، در زمره حمله‌هاي كوركورانه به شمار مي‌آيند:

 الف- حمله ازطريق بمباران با هر روش و وسيله‌اي كه تعدادي هدف نظامي مشخص و مجزا درون يك شهر، قصبه‌، روستا يا ناحيه ديگري را كه تجمع مشابهي از افراد و اموال غيرنظامي در خود جاي داده است‌، به‌عنوان يك هدف نظامي واحد قلمداد مي‌كند.

 ب- حمله‌اي كه انتظار مي‌رود به‌طور اتفاقي موجب صدمه جاني به افراد غيرنظامي‌، مجروح شدن آنها و وارد آوردن خسارت به اموال غيرنظامي يا مجموعه‌اي از آنها گردد كه نسبت به مزيت‌هاي نظامي مشخص و مستقيمي كه پيش‌بيني شده است‌، زياده از حد باشد.

 6 - حمله به سكنه غيرنظامي يا غيرنظاميان به‌عنوان اقدام تلافي جويانه ممنوع است‌.

 7 - حضور يا نقل و انتقال سكنه يا افراد غيرنظامي نبايد براي مصون ساختن نقاط يا مناطقي در برابر عمليات نظامي و خصوصاً در تلاش براي محافظت از اهداف نظامي در برابر حمله يا محافظت‌، پشتيباني يا ممانعت از عمليات نظامي مورد استفاده قرار گيرد. طرفهاي مخاصمه نبايد به‌منظور استتار هدفهاي نظامي در برابر حمله يا پوشش دادن به عمليات نظامي دستور جابه‌جايي سكنه يا افراد غيرنظامي را بدهند.

 8 – هيچ‌يك از موارد نقض اين ممنوعيت‌ها موجب نفي تعهدات حقوقي طرفهاي مخاصمه نسبت به سكنه و افراد غيرنظامي و از جمله تعهد نسبت به انجام اقدامات احتياطي پيش‌بيني شده در ماده (57) اين تشريفات (پروتكل) نمي‌شود.

**فصل سوم - اموال غيرنظامي**

**ماده 52 - حمايت از اموال غيرنظامي**

1 - اموال غيرنظامي نبايد هدف حمله يا اقدام تلافي‌جويانه قرار گيرند. منظور از اموال غيرنظامي كليه اموالي است كه مشمول تعريف هدفهاي نظامي مندرج در بند (2) نمي‌شوند.

 2 - حمله‌ها منحصراً بايد به هدفهاي نظامي محدود گردد تا آنجا كه به اموال مربوط مي‌شود هدفهاي نظامي به اموالي محدود مي‌شود كه به لحاظ ماهيت محل‌، هدف يا كاربرد آنها سهم مؤثري در عمليات نظامي داشته و تخريب كلي يا جزئي‌، تصرف يا از كارانداختن آنها در شرايط زماني موجود، يك مزيت نظامي معين محسوب گردد.

 3 - درصورت ترديد نسبت به اينكه اموالي مانند مكانهاي عبادت‌، خانه يا ساير محلهاي مسكوني يا يك مدرسه‌، كه به‌طور معمول به مقاصد غيرنظامي اختصاص دارند، به نحوي مورد استفاده قرار مي‌گيرند كه نقش مؤثري در عمليات نظامي داشته باشند، فرض بر آن خواهد بود كه چنين نقشي ندارند.

**ماده 53 - حمايت از اموال فرهنگي و مكانهاي عبادت**

بدون آنكه به مقررات كنوانسيون لاهه درخصوص حمايت از اموال فرهنگي در هنگام مخاصمه مسلحانه مورخ 14 مه 1954 ميلادي (برابر با 24/2/133 هجري شمسي‌) و نيز ساير اسناد بين‌المللي مربوط لطمه‌اي وارد شود. ارتكاب اعمال زير ممنوع است‌:

 الف - اعمال خصمانه عليه بناهاي يادبود تاريخي‌، آثار هنري يا مكانهاي عبادت كه ميراث فرهنگي و معنوي ملتها را تشكيل مي‌دهند.

 ب - استفاده از اين اموال براي پشتيباني از تلاشهاي نظامي‌

 ج - قرار دادن اين اموال به‌عنوان هدف اعمال تلافي‌جويانه‌

**ماده 54 - حمايت از اموالي كه براي بقاي سكنه غيرنظامي ضروري است**

1 - گرسنه نگهداشتن غيرنظاميان به‌عنوان يك روش جنگي ممنوع است‌.

 2 - حمله‌، تخريب‌، انتقال يا غيرقابل استفاده كردن اموالي كه براي بقاي سكنه غيرنظامي ضروري است‌، نظير مواد غذايي‌، مناطق كشاورزي براي توليد مواد غذايي‌، محصولات كشاورزي و دامي‌، تأسيسات و ذخاير آب آشاميدني و كارگاههاي آبرساني به‌خصوص به اين منظور كه ارزش آنها براي تغذيه سكنه غيرنظامي يا طرف مخالف‌، سلب شود، با هر انگيزه‌اي كه باشد خواه به جهت اين كه براي تغذيه سكنه غيرنظامي يا طرف مخالف‌، سلب شود، با هر انگيزه‌اي كه باشد خواه به جهت اين كه غيرنظاميان ازگرسنگي از پا درآيند، مجبور به نقل مكان شوند، يا هر انگيزه ديگر، ممنوع است‌.

 3 - ممنوعيت‌هاي مذكور در بند (2) اين ماده به اموال تحت شمول آنكه در موارد زير مورد استفاده طرف مقابل قرار مي‌گيرد، تسري نمي‌يابد:

 الف - به‌عنوان وسيله ارتزاق تنها براي اعضاي نيروهاي مسلح طرف مخالف‌؛ يا

 ب - چنانچه جنبه ارتزاقي نداشته باشد، درصورتي كه به‌منظور پشتيباني مستقيم از عمليات نظامي باشد، مشروط بر اينكه به هيچ وجه اقدام‌هايي عليه اين اموال صورت نپذيرد كه ممكن باشد سكنه غيرنظامي را دچار كمبود غذا يا آب كند كه گرسنگي كشيده يا مجبور به نقل مكان شوند.

 4 - اين اموال نبايد هدف اقدام‌هاي تلافي جويانه واقع شوند.

 5 - ضمن تأييد ضرورت‌هاي حياتي هر يك از طرفهاي مخاصمه در دفاع از سرزمين ملي خود در برابر تهاجم‌، يك طرف مخاصمه مي‌تواند در سرزميني تحت كنترل خود آن طرف باشد. هرگاه ضرورت مبرم نظامي ايجاب نمايد، از ممنوعيت‌هاي مندرج در بند (2) اين ماده تخطي نمايد.

**ماده 55 - حفاظت از محيط زيست طبيعي**

1 - در هنگام جنگ بايد مراقبت شود كه از محيط زيست طبيعي در برابر آسيبهاي گسترده‌، درازمدت و شديد، حفاظت به عمل آيد. اين حفاظت شامل ممنوعيت استفاده از روشها يا وسايل جنگي مي‌شود كه منظور از آن وارد آوردن چنين آسيبي به محيط زيست طبيعي بوده‌، يا احتمال وارد آمدن چنين آسيبي مي‌رود و در نتيجه به سلامتي يا بقاي سكنه لطمه بزند.

 2 - حمله به محيط زيست طبيعي به‌عنوان اقدام تلافي‌جويانه ممنوع است‌.

**ماده 56 - حمايت از كارگاهها و تأسيسات داراي نيروهاي خطرناك**

1 - كارگاهها يا تأسيسات داراي نيروهاي خطرناك‌، يعني سدها، آب‌بندها، نيروگاههاي هسته‌اي توليد برق‌، حتي اگر اينها اهداف نظامي باشند، درصورتي كه امكان داشته باشد كه حمله به آنها موجب رها شدن نيروهاي خطرناك و متعاقباً صدمات شديد بر سكنه غيرنظامي شود، نبايد هدف حمله قرار گيرند. ساير هدفهاي نظامي كه در اين كارگاهها يا تأسيسات يا در مجاورت آنها واقع شده است‌، درصورتي كه حمله به آنها موجب رها شدن نيروهاي خطرناك از اين كارگاهها يا تأسيسات و متعاقباً صدمات شديد براي سكنه غيرنظامي شود، نبايد هدف حمله قرار گيرند.

 2 - حمايت مخصوص در برابر حمله پيش‌بيني شده در بند (1) فوق در موارد زير خاتمه خواهد يافت‌:

 الف - درمورد سد يا آب‌بندي كه براي مصارفي غير از كاركرد عادي آن و در پشتيباني منظم‌، مهم و مستقيم از عمليات نظامي مورد استفاده قرار مي‌گيرد و درصورتي كه چنين حمله‌اي تنها راه عملي پايان دادن به اين پشتيباني باشد.

 ب - درمورد يك نيروگاه هسته‌اي توليد برق‌، تنها درصورتي كه نيروگاه مزبور نيروي برق را در پشتيباني منظم‌، مهم و مستقيم از عمليات نظامي توليد نمايد و چنين حمله‌اي تنها راه عملي پايان دادن به اين پشتيباني باشد.

 ج - درمورد ساير هدفهاي نظامي واقع در اين كارگاهها و تأسيسات يا در مجاورت آنها، فقط درصورتي كه از آنها براي پشتيباني منظم‌، مهم و مستقيم از عمليات نظامي استفاده شود و چنين حمله‌اي تنها راه عملي پايان دادن به اين پشتيباني باشد.

 3 - سكنه و افراد غيرنظامي در كليه موارد حق دارند از حمايت‌هايي كه حقوق بين‌الملل به آنها اعطاء كرده است‌، ازجمله برخورداري از حمايت در زمينه اقدام‌هاي احتياطي كه در ماده (57) اين تشريفات (پروتكل) پيش‌بيني شده است‌، برخوردار شوند. چنانچه اين حمايت قطع شود و هر يك از كارگاهها و تأسيسات يا هدفهاي نظامي مذكور در بند (1) اين ماده مورد حمله قرار گيرد، كليه اقدام‌هاي احتياطي ممكن به عمل خواهد آمد تا از آزاد شدن نيروهاي خطرناك جلوگيري شود.

 4 - حمله به هر يك از اين كارگاهها، تأسيسات يا هدفهاي نظامي مذكور در بند (1) اين ماده به‌عنوان اقدام تلافي‌جويانه ممنوع است‌.

 5 - طرفهاي مخاصمه تلاش خواهند كرد كه از قرار دادن هر هدف نظامي در مجاورت كارگاهها يا تأسيسات مذكور در بند (1) اين ماده اجتناب نمايند. مع‌هذا احداث تأسيساتي كه هدف آن صرفاً دفاع از كارگاهها يا تأسيسات مورد حمايت در برابر حمله مي‌باشد مجاز است و خود آنها هدف حمله قرار نخواهند گرفت‌. مشروط بر آنكه از آنها در مخاصمات جز به‌عنوان اقدامات دفاعي لازم براي پاسخگوئي به حملات عليه كارگاهها و تأسيسات مورد حمايت استفاده نشده و تسليحات آنها محدود به سلاحهايي باشد كه صرفاً توانايي دفع اقدام خصمانه عليه كارگاهها و تأسيسات مورد حمايت را داشته باشند.

 6 - از طرفهاي معظم متعاهد و طرفهاي مخاصمه مؤكداً خواسته مي‌شود كه بين خود موافقتنامه‌هاي ديگري را جهت تأمين حمايت بيشتر از تأسيسات داراي نيروهاي خطرناك منعقد نمايند.

 7 - به‌منظور تسهيل در كار شناسايي تأسيسات مورد حمايت اين ماده‌، طرفهاي مخاصمه مي‌توانند آنها را با علامت مخصوصي متشكل از سه دايره به رنگ نارنجي روشن كه در يك محور قرار گرفته‌اند، به همان ترتيبي كه در ماده (16) ضميمه (1) اين تشريفات (پروتكل) مشخص شده است‌، علامت‌گذاري نمايند. نبودن چنين علامتي به هيچ وجه طرفهاي مخاصمه را از تعهداتي كه به موجب اين ماده بر عهده دارند، معاف نمي‌كند.

**فصل چهارم - اقدامات احتياطي**

**ماده 57 - اقدامات احتياطي در هنگام حمله**

1 - در هدايت عمليات نظامي‌، بايد همواره مراقبت به عمل آيد كه از سكنه غيرنظامي و اموال غيرنظامي چشم‌پوشي شود.

 2 ـ اقدامات احتياطي زير بايد در ارتباط با حملات به‌عمل آيد:

 الف - هر اقدامي را كه امكان‌پذير باشد به عمل آورند تا مشخص شود كه غيرنظاميان و اموال غيرنظامي و نيز اهدافي كه نظامي هستند اما در چهارچوب مفهوم بند«2» ماده (52) اين تشريفات (پروتكل) تحت حمايت خاص قرار دارند، هدف حمله قرار نمي‌گيرند و حمله به آنها نيز طبق مقررات اين تشريفات (پروتكل) ممنوع نباشد.

 ب - كليه احتياط‌هاي ممكن را در انتخاب وسايل و شيوه‌هاي حمله به عمل آورند تا در هنگام حمله از خسارت جاني اتفاقي به غيرنظاميان‌، مجروح شدن غيرنظاميان و نيز آسيب رساندن به اموال غيرنظامي اجتناب نموده و يا آن را به حداقل برسانند.

 ج - از تصميم‌گيري براي دست زدن به حمله‌اي كه احتمال مي‌رود به‌طور اتفاقي منجر به واردآوردن خسارات جاني به غيرنظاميان‌، مجروح‌شدن آنها و آسيب‌رساندن به اموال غيرنظامي و يا مجموعه‌اي از آنها مي‌شود كه در مقايسه با مزيتهاي نظامي عيني و مستقيمي كه انتظار مي‌رود بر اثر اين حمله به دست آيد، زياده از حد باشد، خودداري نمايند.

 د - اگر مشخص شود كه يك هدف نظامي نبوده يا تحت حمايت قرار دارد و يا اين كه امكان دارد ميزان خسارات جاني به غيرنظاميان‌، يا مجروح‌شدن آنها و يا آسيب رساندن به اموال غيرنظامي و يا مجموعه‌اي از آنها، نسبت به مزيت‌هاي نظامي عيني و مستقيمي كه انتظار آن مي‌رود، بيش از حد باشد، حمله لغو يا به حال تعليق درخواهد آمد.

 ه‍ - در مورد حملاتي كه ممكن است به سكنه غيرنظامي لطمه بزند اخطار مؤثر قبلي داده خواهدشد مگر آنكه اوضاع و احوال آن را ايجاب ننمايد.

 3 - هنگامي كه امكان انتخاب بين چند هدف نظامي براي دستيابي به مزيت نظامي يكساني وجود داشته باشد، هدفي انتخاب خواهدشد كه انتظار مي‌رود حمله به آن موجب كمترين خطر براي جان غيرنظاميان و اموال خواهدشد.

 4 - در هدايت عمليات نظامي در دريا يا در هوا، هر طرف مخاصمه بايد با رعايت حقوق و تعهدات خود به موجب قواعد حقوق بين‌الملل حاكم بر مخاصمات مسلحانه‌، كليه اقدامات احتياطي معقولانه را براي اجتناب از واردكردن خسارت جاني به غيرنظاميان و آسيب‌رساندن به اموال غيرنظامي‌، به عمل آورد.

 5 - هيچ يك از مقررات اين ماده را نمي‌توان به نحوي تفسير كرد كه حمله عليه سكنه‌، افراد يا اموال غيرنظامي را مجاز شمارد.

**ماده 58 - اقدام‌هاي احتياطي در برابر اثرات حمله‌ها**

طرفهاي مخاصمه بايد تا سرحد امكان سعي نمايند كه‌:

 الف- سكنه‌، افراد و اموال غيرنظامي تحت كنترل خود را از نزديكي هدفهاي (تأسيسات‌) نظامي دور سازند، بدون آن كه لطمه‌اي به ماده (49) كنوانسيون چهارم وارد شود.

 ب - از قرار دادن هدفهاي (تأسيسات‌) نظامي در مناطق پرجمعيت يا در نزديكي آنها خودداري نمايند.

 ج - ساير اقدامهاي احتياطي لازم را به‌منظور حمايت از سكنه‌، افراد و اموال غيرنظامي تحت كنترل خود در برابر خطرهاي ناشي از عمليات نظامي اتخاذ نمايند.

**فصل پنجم- مكانها و مناطق تحت حمايت خاص**

**ماده 59 - مكانهاي بي‌دفاع**

1 - حمله هر يك از طرفهاي مخاصمه به مكانهاي بي‌دفاع با هر وسيله كه باشد، ممنوع است‌.

 2 - مقامهاي ذي‌ربط يك طرف مخاصمه مي‌توانند هر ناحيه مسكوني را كه در نزديكي يا در قلب منطقه‌اي قرار گرفته است كه محل برخورد نيروهاي مسلح است كه در معرض اشغال توسط طرف مخالف مي‌باشد، به‌عنوان مكان بي‌دفاع اعلام نمايند. چنين مكاني بايد داراي شرايط زير باشد:

 الف - كليه رزمندگان و همچنين سلاحها و تجهيزات نظامي قابل حمل از آن ناحيه تخليه شده‌باشند.

 ب - هيچ‌گونه استفاده خصمانه‌اي از تأسيسات و مقرهاي نظامي ثابت آن به عمل نيايد.

 ج - هيچ‌گونه اعمال خصمانه‌اي توسط مقامات و يا سكنه آن ناحيه نبايد انجام گيرد و

 د - هيچ‌گونه فعاليتي در پشتيباني از عمليات نظامي صورت نگيرد.

 3 - در اين مكان حضور اشخاصي كه به موجب كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) تحت حمايت خاص هستند و نيز حضور نيروهاي انتظامي كه فقط به‌منظور حفظ نظم و قانون باقي مانده باشند، مغاير شرايط مذكور در بند (2) اين ماده نيست‌.

 4 - اعلاميه موضوع بند (2) اين ماده بايد خطاب به طرف مخالف بوده و بايد محدوده مكان بي‌دفاع را تا آنجا كه امكان دارد دقيقاً تعريف و توصيف نمايد. طرف مخاصمه كه اين اعلاميه خطاب به آن است‌، وصول آن‌را اعلام داشته و نسبت به آن به‌عنوان يك مكان بي‌دفاع عمل خواهد نمود، مگر اينكه شرايط مقرر شده در بند (2) اين ماده رعايت نشده باشد كه در آن صورت فوراً مراتب را از همان قرار به طرفي كه اعلام كننده بوده‌است‌، اطلاع مي‌دهد. حتي اگر شرايط مذكور در بند (2) اين ماده رعايت نشده‌باشد، اين مكان از حمايت پيش‌بيني شده به موجب ساير مقررات اين تشريفات (پروتكل) و ساير قواعد حقوق بين‌الملل حاكم بر مخاصمات مسلحانه همچنان برخوردار خواهد بود.

 5 - طرفهاي مخاصمه مي‌توانند در مورد ايجاد مكانهاي بي‌دفاع‌، حتي اگر شرايط مذكور در بند(2) اين ماده در آنجا كاملاً رعايت نشده‌است‌، موافقت نمايند. در اين توافق محدوده مكان بي‌دفاع‌، بايد تا حد امكان دقيقاً تعيين و توصيف شود، چنانچه لازم باشد روشهاي نظارت نيز مقرر خواهد شد.

 6 - طرفي كه مكان تابع چنين موافقتي را در كنترل خود دارد، بايد حتي‌الامكان اقدام به علامت‌گذاري آن با علامت‌هايي نمايد كه درباره آن با طرف ديگر مخاصمه به توافق رسيده‌باشد. اين علامت‌ها بايد در نقاطي كه به وضوح ديده مي‌شود و به خصوص در پيرامون و محدوده آن مكان و در بزرگراهها، قرار داده شود.

 7 ـ مكان ديگري كه فاقد شرايط مذكور در بند (2) يا در توافق اشاره شده در بند (5) اين ماده باشد، وضعيت خود را به‌عنوان يك مكان بي‌دفاع از دست خواهدداد. در اين صورت‌، اين مكان همچنان از حمايت پيش‌بيني شده در ساير مقررات اين تشريفات (پروتكل) و ديگر قواعد حقوق بين‌الملل حاكم بر مخاصمات مسلحانه‌، برخوردار خواهد بود.

**ماده 60 - مناطق غيرنظامي**

1 - گسترش عمليات نظامي طرفهاي مخاصمه به مناطقي كه به موجب توافق به‌عنوان منطقه غيرنظامي اعلام نموده‌اند، چنانچه مغاير با شرايط اين توافق باشد، ممنوع است‌.

 2 - اين توافق بايد يك توافق صريح باشد كه ممكن است به صورت شفاهي يا كتبي‌، مستقيماً يا از طريق يك دولت حامي يا هر سازمان بشردوستانه بي‌طرف‌، منعقد شده و مشتمل بر اعلاميه‌هاي متقابل و همسان باشد. اين توافق را مي‌توان در زمان صلح‌، علاوه بر هنگامي كه مخاصمات آغاز شده‌است منعقد كرد و بايد تا حد امكان به‌طور دقيق حدود منطقه غيرنظامي شده را معين و توصيف نموده و در صورت لزوم‌، روشهاي نظارت را مقرر نمايد.

 3 - موضوع يك چنين توافقي به‌طور معمول منطقه‌اي خواهد بود كه واجد شرايط زير باشد:

 الف - كليه رزمندگان و همچنين سلاحها و تجهيزات نظامي قابل حمل از آن تخليه شده باشند.

 ب - هيچ استفاده خصمانه‌اي از تأسيسات و مقرهاي نظامي ثابت آن به عمل نيايد.

 ج - مقامات و يا سكنه آن منطقه مرتكب هيچ عمل خصمانه‌اي نشوند و

 د - هر فعاليت مرتبط با تلاشهاي نظامي بايد متوقف شده‌باشد.

طرفهاي مخاصمه در مورد تفسيرهايي كه از شرايط پيش‌بيني شده در بند فرعي (د) فوق‌الذكر به عمل مي‌آيد و در مورد پذيرش‌، اشخاص در منطقه غيرنظامي - غير از آنها كه در بند (4) اين ماده به آنها اشاره شده است‌، توافق خواهند كرد.

 4 - در اين منطقه حضور اشخاصي كه به موجب كنوانسيون‌ها و اين تشريفات (پروتكل) تحت حمايت خاص هستند و نيز حضور نيروهاي انتظامي كه فقط به‌منظور حفظ نظم و قانون باقي مانده باشند، مغاير شرايط مذكور در بند (3) اين ماده نيست‌.

 5 - طرفي كه چنين منطقه‌اي را در كنترل خود دارد، بايد حتي‌الامكان اقدام به علامت‌گذاري آن با علامت‌هايي نمايد كه درباره آن با طرف ديگر مخاصمه به توافق رسيده‌باشد. اين علامت‌ها بايد در نقاطي كه به وضوح ديده مي‌شود و به خصوص در پيرامون و محدوده آن مكان و در بزرگراهها، قرار داده شود.

 6 - اگر درگيري‌ها به نزديكي منطقه‌اي كه غيرنظامي اعلام شده‌است كشانده شود و چنانچه طرفهاي مخاصمه چنين موافقت نموده‌باشند. هيچ‌يك از آنها نمي‌تواند از منطقه براي هدفهايي كه در رابطه با هدايت عمليات نظامي است استفاده نمايد و يا به‌طور يك‌جانبه اقدام به لغو وضعيت آن منطقه نمايد.

 7 - چنانچه يكي از طرفهاي مخاصمه مرتكب نقض اساسي مقررات بندهاي (3) يا (6) اين ماده گردد، طرف ديگر از تعهدات خود نسبت به توافقي كه منطقه را به‌عنوان غيرنظامي تعيين نموده‌، معاف خواهدبود. در چنين حالتي‌، منطقه موقعيت خود را از دست مي‌دهد. ليكن همچنان از حمايت‌هاي پيش‌بيني شده در ساير مقررات اين تشريفات (پروتكل) و ديگر قواعد حقوق بين‌الملل قابل اجراء در مخاصمات مسلحانه‌، برخوردار خواهد بود.

**فصل ششم‌: دفاع غيرنظامي**

**ماده 61 - تعاريف و دامنه اجراء**

از لحاظ اين تشريفات (پروتكل)‌:

 1 - «دفاع غيرنظامي» عبارت از اجراءتمام يا قسمتي از وظايف انسان دوستانه‌اي است كه منظور از آنها حمايت از سكنه غيرنظامي در برابر مخاطرات‌، و نيز مساعدت براي رفع آثار آني ناشي از مخاصمات يا مصائب و همچنين تدارك شرايط لازم جهت حفظ و بقاي آنها مي‌باشد. اين وظايف عبارتند از:

 الف - هشدار

 ب - تخليه

 ج - اداره پناهگاهها

 د - نظارت بر رعايت اقدامات خاموشي

 ه‍‍ - نجات

 و - خدمات بهداري‌، شامل كمكهاي اوليه و كمكهاي مذهبي

 ز - اطفاي حريق

 ح - شناسايي وعلامت‌گذاري مناطق خطر

 ط - پاكسازي و اقدامات حمايتي مشابه‌

 ي - تدارك جا و مكان و ملزومات براي مواقع اضطراري

 ك - كمك اضطراري به‌منظور استقرار مجدد و حفظ نظم در مناطق آشفته

 ل - مرمت اضطراري تسهيلات ضروري عمومي

 م – جمع‌آوري فوري مردگان

 ن - كمك به حفاظت از اموال ضروري براي بقاي مردم

 س - فعاليت‌هاي مكمل و ضروري جهت اجراء هر يك از وظايف ياد شده فوق‌، كه شامل برنامه‌ريزي و سازماندهي شده‌، اما محدود به آن نخواهد بود.

 2 - «سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي» به معناي مقرها و ساير واحدهايي است كه توسط مقامات صلاحيتدار يك طرف مخاصمه جهت انجام هر يك از وظايف مذكور در بند فرعي‌(1) سازمان يافته و مجاز شناخته شده‌اند و منحصراً براي انجام چنين وظايفي تعيين و اختصاص يافته‌اند.

 3 - «كاركنان» سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي به معناي اشخاصي است كه توسط مقامات صلاحيتدار يك طرف مخاصمه منحصراً به‌منظور انجام وظايف ياد شده در بند (1) اين ماده مأمور شده‌اند، كه شامل كاركناني كه توسط مقامات صلاحيتدار آن طرف صرفاً براي اداره اين سازمان‌ها منصوب شده‌اند، مي‌باشد.

 4 - «ادوات» سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي به معناي تجهيزات‌، تداركات و وسايل حمل و نقل مورد استفاده اين سازمان‌ها است كه در انجام وظايف ياد شده در بند (1) اين ماده به‌كار گرفته مي‌شود.

**ماده 62 - حمايت كلي**

1 – سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي و كاركنان آنان‌، برطبق مقررات اين تشريفات (پروتكل) و خصوصاً مقررات اين بخش‌، مورد احترام و حمايت قرار دارند، آنان حق دارند وظايف دفاع غيرنظامي خود را به انجام برسانند، مگر در مواردي كه ضرورت مبرم نظامي وجود داشته باشد.

 2 - مقررات بند (1) اين ماده درمورد غيرنظامياني هم كه عضو سازمان دفاع غيرنظامي نيستند، اما به درخواست مقامات صلاحيتدار پاسخ داده و وظايف دفاع غيرنظامي را تحت كنترل آنها به انجام مي‌رسانند، اعمال مي‌شود.

 3 – ساختمان‌ها و ادواتي كه براي مقاصد دفاع غيرنظامي مورد استفاده قرار مي‌گيرند و پناهگاههاي مهيا شده براي سكنه غيرنظامي تحت شمول ماده (52) اين تشريفات (پروتكل) قرار مي‌گيرند. اموال مورد استفاده براي مقاصد دفاع غيرنظامي را نمي‌توان تخريب كرد يا كاربرد مناسب آنها را تغيير داد، مگر توسط طرفي كه مالك آنها است‌.

**ماده 63 - دفاع غيرنظامي در سرزمين‌هاي اشغالي**

1 ـ در سرزمين‌هاي اشغالي‌، سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي تسهيلات لازم مربوط به اجراي وظايف‌شان را از مقامات مربوطه دريافت خواهند كرد. كاركنان اين سازمان‌ها تحت هيچ شرايطي به انجام فعاليت‌هايي كه ممكن است به اجراي صحيح اين وظايف خدشه وارد سازد، مجبور نخواهند شد. قدرت اشغالگر نبايد به گونه‌اي دست به تغيير ساختار يا كاركنان چنين سازمان‌هايي بزند كه اجراي مؤثر مأموريت آنها را به مخاطره اندازد. نبايد از اين سازمان‌ها خواست كه براي اتباع يا منافع آن قدرت اولويت قائل شوند.

 2 ـ قدرت اشغالگر سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي را به اجبار، اكراه يا تحريك وادار نخواهد كرد كه وظايف‌شان را به نحوي انجام دهند كه به منافع سكنه غيرنظامي لطمه بزند.

 3 ـ قدرت اشغالگر مي‌تواند به دلايل امنيتي كاركنان دفاع غيرنظامي را خلع سلاح نمايد.

 4 ـ قدرت اشغالگر در صورتي كه تغيير در كاربرد صحيح ساختمان‌ها يا ادوات متعلق به سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي يا مصادره آنها، براي سكنه غيرنظامي مضر باشند، مبادرت به اين كار نخواهد كرد.

 5 - قدرت اشغالگر درصورتي كه قاعده كلي مندرج در بند (4) اين ماده همچنان رعايت شود، مي‌تواند اقدام به مصادره يا تغيير كاربرد اين منابع نمايد، مشروط بر آنكه شرايط خاص زير رعايت شود:

 الف - ساختمان‌ها يا ادوات براي ساير نيازمندي‌هاي سكنه غيرنظامي ضرورت داشته باشد؛ و

 ب - اين مصادره يا تغيير كاربرد صرفاً تا زماني كه اين ضرورت وجود دارد ادامه يابد.

 6 - قدرت اشغالگر كاربرد پناهگاههايي كه جهت استفاده سكنه غيرنظامي مهيا شده و يا مورد نياز چنين سكنه‌اي است‌، تغيير نداده يا آن را مصادره نخواهدكرد.

**ماده 64 - سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي دولتهاي بي‌طرف يا ساير دولتهايي كه طرفهاي مخاصمه نيستند و سازمان‌هاي هماهنگ‌كننده بين‌المللي**

1 - مواد (62)، (63)، (65) و (66) اين تشريفات (پروتكل) درمورد كاركنان و ادوات سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي دولتهاي بي‌طرف يا ساير دولتهايي كه طرف مخاصمه نيستند و نيز وظايف دفاع غيرنظامي مذكور در ماده (61) اين تشريفات(پروتكل) را در سرزمين يكي از طرفهاي مخاصمه با رضايت و تحت كنترل آن طرف انجام مي‌دهند، اعمال مي‌شود. اين مساعدت بايد در اولين فرصت ممكن به طرف مخالف اعلام گردد. اين فعاليت تحت هيچ شرايطي به‌عنوان مداخله در مخاصمه قلمداد نخواهد شد. در هر صورت اين فعاليت بايد با رعايت منافع امنيتي طرف ذي‌ربط مخاصمه صورت گيرد.

 2 - طرفهاي مخاصمه كه از مساعدت مذكور در بند (1) اين ماده برخوردار مي‌شوند و طرفهاي معظم متعاهدي كه اين كمكها را اعطاء مي‌نمايند بايد درصورت اقتضاء هماهنگي بين‌المللي در اينگونه اقدامات دفاع غيرنظامي را تسهيل نمايند. در اين قبيل موارد، سازمان‌هاي بين‌المللي ذي‌ربط مشمول مقررات اين فصل مي‌باشند.

 3 - قدرت اشغالگر تنها درصورتي مي‌تواند فعاليت‌هاي سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي دولتهاي بي‌طرف يا ساير دولتهايي كه طرفهاي مخاصمه نيستند و يا سازمان‌هاي هماهنگ كننده بين‌المللي را در سرزمين‌هاي اشغالي منع يا محدود نمايد كه از كافي‌بودن انجام فعاليت‌هاي دفاع غيرنظامي از منابع خود يا منافع سرزمين اشغالي اطمينان حاصل نمايد.

**ماده 65- قطع حمايت**

1 - حمايتي كه سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي‌، كاركنان‌، ساختمان‌ها، پناهگاهها و ادوات آنها از آن برخوردارند قطع نخواهد شد، مگر در مواردي كه مرتكب اعمالي خارج از چهارچوب وظايف صحيح‌شان به ضرر دشمن شده يا از آنها براي ارتكاب چنين اعمالي استفاده شود. با اين حال اين حمايت را تنها پس از دادن اخطار او در مواقع لزوم‌، تعيين مهلت زماني معقول و پس از اين كه نسبت به چنين اخطار بي‌اعتنايي شد، مي‌توان قطع كرد.

 2 ـ اعمال زير به‌عنوان اعمال مضر نسبت به دشمن محسوب نخواهد شد:

 الف - چنانچه وظايف دفاع غيرنظامي تحت اداره يا كنترل مقامات نظامي به اجراء گذاشته شود.

 ب - چنانچه كاركنان كشوري دفاع غيرنظامي با كاركنان نظامي در اجراي وظايف غيرنظامي همكاري نمايند، يا اينكه تعدادي از كاركنان نظامي به سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي ملحق شده باشند.

 ج - چنانچه اجراي وظايف دفاع غيرنظامي‌، بر حسب اتفاق‌، به سود قربانيان نظامي‌، به ويژه رزمندگان خارج از كارزار، باشد.

 3 ـ همچنين حمل سلاحهاي سبك انفرادي به‌وسيله كاركنان كشوري دفاع غيرنظامي به‌منظور حفظ نظم يا دفاع از خود، به‌عنوان عمل زيان‌آور نسبت به دشمن تلقي نخواهد شد. مع‌هذا در مناطقي كه برخوردهاي زميني رخ مي‌دهد يا احتمال آن مي‌رود، طرفهاي مخاصمه ملتزم خواهند بود كه به‌منظور كمك به تشخيص كاركنان كشوري دفاع غيرنظامي و رزمندگان‌، اقدامات مناسبي را جهت محدودنمودن سلاحهاي يادشده به اسلحه دستي مانند تپانچه و هفت‌تير، معمول دارند. مع‌الوصف چنانچه كاركنان كشوري دفاع غيرنظامي سلاحهاي سبك انفرادي ديگري را در اين مناطق با خود حمل نمايند، به محض اين كه به اين عنوان مورد شناسايي قرار گرفتند، از احترام و حمايت برخوردار خواهند بود.

 4 ـ شكل‌گيري سازمان‌هاي كشوري دفاع غيرنظامي به موازات خطوط نظامي‌ و انجام خدمت اجباري در آنها، موجب محروميت اين سازمان‌ها از حمايت اعطاء‌شده در اين فصل نخواهد گرديد.

**ماده 66 - شناسايي**

1 ـ هر يك از طرفهاي مخاصمه اهتمام خواهد كرد كه اطمينان حاصل نمايد سازمان دفاع غيرنظامي آن طرف و كاركنان‌، ساختمان‌ها و ادوات آن در حالي كه منحصراً به‌انجام وظايف دفاع غيرنظامي مي‌پردازند، قابل شناسايي باشند. پناهگاههاي مهيا شده براي سكنه غيرنظامي نيز بايد به همين نحو قابل شناسايي باشند.

 2 ـ هر يك از طرفهاي مخاصمه همچنين اهتمام خواهد كرد كه روشها و رويه‌هايي را اتخاذ و اجراء نمايد كه شناسايي پناهگاههاي غيرنظاميان و نيز كاركنان دفاع غيرنظامي‌، ساختمان‌ها و ادواتي را كه نشان مشخص بين‌المللي دفاع غيرنظامي‌، بر آنها نقش بسته است‌، امكان‌پذير سازد.

 3 ـ در سرزمين‌هاي اشغال‌شده و در مناطقي كه نبرد ادامه دارد و يا احتمال وقوع آن مي‌رود، كاركنان كشوري دفاع غيرنظامي بايد با آرم مشخص كننده بين‌المللي دفاع غيرنظامي و كارت شناسايي مؤيد وضعيت آنها، قابل شناسايي باشند.

 4 ـ آرم مشخص بين‌المللي دفاع غيرنظامي‌، كه براي حمايت از سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي‌، كاركنان‌، ساختمان‌ها و ادوات آنها و همچنين پناهگاههاي غيرنظامي به‌كار برده مي‌شود، متشكل از يك مثلث متساوي‌الاضلاع آبي رنگ بر زمينه نارنجي است‌.

 5 ـ‌ طرفهاي مخاصمه مي‌توانند علاوه بر نشان مشخص‌كننده‌، در مورد استفاده از علامت‌هاي مشخص‌كننده نيز به‌منظور شناسايي دفاع غيرنظامي‌، توافق نمايند.

 6 ـ اجراي مقررات بندهاي (1) تا (4) اين ماده تابع فصل پنجم ضميمه اين تشريفات (پروتكل) مي‌باشد.

 7 ـ در زمان صلح‌، نشان ذكر شده در بند (4) اين ماده را مي‌توان با رضايت مقامات صلاحيتدار ملي براي مقاصد شناسايي دفاع غيرنظامي به‌كار برد.

 8 ـ طرفهاي معظم متعاهد و طرفهاي مخاصمه اقدامات لازم را جهت نظارت بر استفاده از نشان مشخص كننده بين‌المللي دفاع غيرنظامي‌ و جلوگيري از هرگونه سوءاستفاده از آن‌، به عمل خواهند آورد.

 9 ـ شناسايي كاركنان بهداري و مذهبي دفاع غيرنظامي‌ و واحدها و وسايل حمل‌ونقل بهداري آن‌، نيز مشمول ماده(18) خواهد بود.

**ماده 67 – اعضاي نيروهاي مسلح و واحدهاي نظامي مأمور خدمت در سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي**

1 ـ اعضاي نيروي مسلح و واحدهاي نظامي مأمور خدمت در سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي مورد احترام و حمايت خواهند بود، مشروط بر اينكه:

 الف- چنين كاركناني و چنين واحدهايي به‌طور دائم در مأموريت بوده و كار آنها منحصر به انجام وظايف مذكور در ماده (61) باشد.

 ب - اگر چنين مأموريتي داده شده باشد، اين كاركنان در طول مخاصمه‌، هيچ وظيفه نظامي ديگري را عهده‌دار نخواهد بود.

 ج - اين قبيل كاركنان به وسيله نشان مشخص كننده بين‌المللي دفاع غيرنظامي كه به اندازه مناسب بزرگ بوده و به صورت شاخص نصب شده است از ساير اعضاي نيروهاي مسلح قابل تشخيص باشند و داراي كارت شناسايي اشاره شده در فصل پنجم ضميمه (1) اين تشريفات (پروتكل) كه مؤيد وضعيت آنهاست‌، باشند.

 د - چنين كاركنان يا واحدهايي فقط مجهز به سلاحهاي سبك انفرادي‌، به‌منظور حفظ نظم يا دفاع از خود باشند مقررات بند (3) ماده (65) اين تشريفات (پروتكل) در اين مورد نيز اعمال خواهد شد.

 ه‍ - اين قبيل كاركنان مستقيماً در مخاصمات شركت نمي‌كنند و خارج از وظايف دفاع غيرنظامي خود مرتكب اعمالي كه براي طرف مخالف زيان‌آور باشد، نشده يا براي ارتكاب اين اعمال مورد استفاده قرار نمي‌گيرند.

 و - چنين كاركنان و واحدهايي وظايف دفاع غيرنظامي خود را فقط در محدوده قلمرو ملي طرف خود انجام دهند.

 عدم رعايت شرايط مذكور در بند (هـ) فوق توسط هر يك از اعضاي نيروهاي مسلح كه به شرايط ذكر شده در بندهاي (الف‌) و (ب‌) ملتزم باشند، ممنوع است‌.

 2 - كاركنان نظامي كه در سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي خدمت مي‌كنند چنانچه به دست طرف مخالف گرفتار شوند، اسير جنگي محسوب خواهند شد. مي‌توان آنها را در سرزمين‌هاي اشغالي تنها به نحوي كه در جهت منافع سكنه غيرنظامي باشد براي انجام وظايف دفاع غيرنظامي درصورت ضرورت به‌كار گرفت‌، مشروط بر اينكه چنانچه انجام چنين كاري خطرناك باشد، آنها براي چنين وظايفي داوطلب شده باشند.

 3 - ساختمان‌ها و اقلام عمده تجهيزات و وسايل حمل و نقل واحدهاي نظامي كه به سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي اختصاص يافته است‌، بايد به وضوح با نشان مشخص‌كننده بين‌المللي دفاع غيرنظامي‌، علامت‌گذاري شده باشند، آرم مشخص‌كننده بايد به اندازه مناسب بزرگ باشد.

 4 - ادوات و ساختمان‌هاي واحدهاي نظامي كه به‌طور دائمي براي خدمت به سازمان‌هاي دفاع غيرنظامي تعيين شده و انحصاراً به انجام وظايف دفاع غيرنظامي اختصاص دارند، چنانچه به دست طرف مخالف بيافتند، تابع حقوق جنگ خواهند بود. كاربرد آنها تا زماني كه براي اجراي وظايف دفاع غيرنظامي مورد نياز باشند، تغيير نخواهند يافت‌. جز درصورت ضرورت‌هاي مبرم نظامي و درصورتي كه ترتيبات قبلي براي تأمين نيازهاي كافي سكنه غيرنظامي به‌عمل آمده باشد.

بخش‌ دوم‌- كمك‌رساني‌ به‌نفع‌ سكنه‌ غيرنظامي‌

 ماده‌ 68- قلمرو شمول‌

 **مقررات‌ اين‌ بخش‌ درمورد سكنه‌ غيرنظامي‌، همان‌گونه‌ كه‌ در اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ تعريف‌ شده‌ است‌ اعمال‌ شده‌ و مكمل‌ مواد (23)، (55)، (59)، (60)، (61) و (62) و ساير مقررات‌ مربوطه‌ كنوانسيون‌ چهارم‌ مي‌باشند.**

 ماده‌ 69- نيازهاي‌ اوليه‌ در سرزمين‌هاي‌ اشغال‌ شده‌

 **1 - قدرت‌ اشغالگر، علاوه‌ بر وظايف‌ مشخص‌ شده‌ در ماده‌ (55) كنوانسيون‌ چهارم‌ درباره‌ مواد غذايي‌ و وسايل‌ پزشكي‌، بايد تا حداكثر امكانات‌ موجود خود و بدون‌ اعمال‌ هرگونه‌ تبعيض‌، تأمين‌ پوشاك‌، وسايل‌ خواب‌، پناهگاه‌ و ساير لوازم‌ ضروري‌ براي‌ ادامه‌ حيات‌ سكنه‌ غيرنظامي‌ سرزمين‌ اشغال‌ شده‌ و نيز وسايل‌ لازم‌ براي‌ انجام‌ آداب‌ مذهبي‌ آنها را تضمين‌ نمايد.**

 2 - اقدامات‌ امدادرساني‌ به‌ نفع‌ سكنه‌ غيرنظامي‌ سرزمين‌هاي‌ اشغال‌ شده‌ تابع‌ مواد (59)، (60)، (61)، (62) (108)، (109)، (110) و (111) كنوانسيون‌ چهارم‌ و ماده‌ (71) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ است‌ و بايد بدون‌ درنگ‌ به‌ اجراء گذارده‌ شود.

 ماده‌ 70 - اقدامات‌ امدادرساني‌

 **1 - چنانچه‌ سكنه‌ غيرنظامي‌ هر سرزميني‌ غير از سرزمين‌هاي‌ اشغال‌ شده‌ كه‌ در كنترل‌ يكي‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ است‌، از لحاظ‌ تداركات‌ مذكور در ماده‌ (69) به‌ اندازه‌ كافي‌ تأمين‌ نباشند، اقدامات‌ امدادرساني‌ كه‌ داراي‌ جنبه‌ انسان‌دوستانه‌ و بي‌طرفانه‌ و عاري‌ از هرگونه‌ تبعيض‌ باشد، با موافقت‌ طرفهاي‌ ذي‌ربط‌ در چنين‌ اقدامات‌ امدادرساني‌، اعمال‌ خواهد شد. پيشنهاد درباره‌ چنين‌ امدادرساني‌ به‌عنوان‌ دخالت‌ در مخاصمه‌ مسلحانه‌ يا عمل‌ غيردوستانه‌ تلقي‌ نخواهد گرديد. در توزيع‌ محموله‌هاي‌ امدادي‌، اشخاصي‌ مانند خردسالان‌، مادران‌ باردار، زنان‌ در حال‌ زايمان‌ و مادران‌ شيرده‌، كه‌ به‌ موجب‌ كنوانسيون‌ چهارم‌ و يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ از رفتار ترجيحي‌ و حمايت‌ خاص‌ برخوردار هستند، در اولويت‌ قرار خواهند گرفت‌.**

 2 - طرفهاي‌ مخاصمه‌ و هر يك‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد بايد عبور سريع‌ و بي‌وقفه‌ كليه‌ محموله‌ها، تجهيزات‌ و كاركنان‌ تدارك‌ ديده‌ به‌ موجب‌ اين‌ بخش‌ را اجازه‌ داده‌ و تسهيل‌ نمايند، حتي‌ اگر چنين‌ كمكهايي‌ براي‌ سكنه‌ غيرنظامي‌ طرف‌ مخالف‌ درنظر گرفته‌ شده‌ باشد.

 3 - طرفهاي‌ مخاصمه‌ و هر يك‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد كه‌ عبور محموله‌هاي‌ امدادي‌، تجهيزات‌ و كاركنان‌ را طبق‌ بند (2) اجازه‌ مي‌دهند:

 الف‌ - حق‌ خواهند داشت‌ ترتيبات‌ فني‌ را كه‌ به‌ موجب‌ آن‌ اجازه‌ عبور داده‌ مي‌شود، از جمله‌ درمورد جستجو مقرر نمايند.

 ب‌ - ممكن‌ است‌ صدور چنين‌ اجازه‌اي‌ را مشروط‌ به‌ توزيع‌ اين‌ كمكها تحت‌ نظارت‌ محلي‌ يك‌ دولت‌ حامي‌ بنمايد.

 ج‌ - نبايد به‌ هيچ‌ وجه‌ محموله‌هاي‌ امدادي‌ را از مقصودي‌ كه‌ براي‌ آنها درنظر گرفته‌ شده‌ است‌ منحرف‌ و يا حمل‌ آن‌ را به‌ تأخير اندازند، مگر درمواردي‌ كه‌ ضرورت‌ عاجل‌ به‌ نفع‌ سكنه‌ غيرنظامي‌ مربوطه‌ ايجاب‌ نمايد.

 4 - طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد محموله‌هاي‌ امدادي‌ را مورد حمايت‌ قرار داده‌ و توزيع‌ سريع‌ آنها را تسهيل‌ نمايند.

 5 - طرفهاي‌ مخاصمه‌ و هر يك‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد مربوطه‌ هماهنگي‌ مؤثر بين‌المللي‌ در اقدامات‌ امدادرساني‌ اشاره‌ شده‌ در بند (1) را تشويق‌ و تسهيل‌ خواهند كرد.

 ماده‌ 71 - كاركناني‌ كه‌ در اقدامات‌ امدادرساني‌ شركت‌ مي‌كنند

 **1 - كاركنان‌ امدادگر، درصورت‌ لزوم‌ بخشي‌ از اقدامات‌ امدادرساني‌ را به‌‌ويژه‌ در حمل‌ و نقل‌ و توزيع‌ محموله‌هاي‌ امدادي‌ تشكيل‌ مي‌دهند، شركت‌ اينگونه‌ كاركنان‌ منوط‌ به‌ موافقت‌ طرفي‌ است‌ كه‌ آنها در حوزه‌ قلمرو آن‌، به‌ وظايف‌ خود عمل‌ خواهند كرد.**

 2 - اين‌ گونه‌ كاركنان‌ مورد احترام‌ و حمايت‌ خواهند بود.

 3 - هر طرف‌ با دريافت‌ محموله‌هاي‌ امدادي‌ تا حداكثر امكان‌، به‌ كاركنان‌ امدادگر مذكور در بند (1) در انجام‌ وظيفه‌ امدادرساني‌شان‌، مساعدت‌ خواهد كرد. تنها در موارد ضرورت‌ مبرم‌ نظامي‌ مي‌توان‌ فعاليت‌هاي‌ كاركنان‌ امدادي‌ را محدود و يا تردد آنها را به‌طور موقت‌ محدود كرد.

 4 - كاركنان‌ امدادي‌ تحت‌ هيچ‌ شرايطي‌ نمي‌توانند از شرايط‌ مأموريتي‌ كه‌ به‌ موجب‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌ آنها محول‌ گرديده‌ است‌، تجاوز نمايند. آنها به‌ويژه‌ بايد مقتضيات‌ امنيتي‌ طرفي‌ را كه‌ درحوزه‌ قلمرو آن‌ به‌ وظايف‌ خود عمل‌ مي‌كنند، مدنظر قرار دهند. مي‌توان‌ به‌ مأموريت‌ هر يك‌ از كاركناني‌ كه‌ اين‌ شرايط‌ را رعايت‌ نمي‌كنند، خاتمه‌ داد.

 بخش‌ سوم‌ - رفتار با اشخاصي‌ كه‌ در دست‌ يكي‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ باشند

 فصل‌ اول‌ - قلمرو شمول‌ و حمايت‌ از اشخاص‌ و اموال‌

 ماده‌ 72 - قلمرو شمول‌

 **مقررات‌ اين‌ بخش‌ مكمل‌ قواعد مربوط‌ به‌ حمايت‌ بشردوستانه‌ از غيرنظاميان‌ و اموال‌ غيرنظامي‌ است‌ كه‌ در دست‌ يكي‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ قرار گرفته‌ و مشمول‌ كنوانسيون‌ چهارم‌، به‌ خصوص‌ قسمتهاي‌ (1) و (3) آن‌ همچنين‌ ساير قواعد حقوق‌ بين‌الملل‌ قابل‌ اعمال‌ درمورد حمايت‌ از حقوق‌ بنيادين‌ بشر در هنگام‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ بين‌المللي‌ مي‌باشند.**

 ماده‌ 73 - پناهندگان‌ و اشخاص‌ بدون‌ تابعيت‌

 **اشخاصي‌ كه‌ پيش‌ از شروع‌ مخاصمات‌، به‌ موجب‌ اسناد مربوطه‌ بين‌المللي‌ مورد قبول‌ طرفهاي‌ ذي‌ربط‌ يا برطبق‌ قوانين‌ ملي‌ كشوري‌ كه‌ به‌ آنها پناهندگي‌ داده‌ است‌، يا كشور محل‌ اقامت‌ به‌عنوان‌ اشخاص‌ بدون‌ تابعيت‌ و يا پناهنده‌ محسوب‌ مي‌گردند، تحت‌ هر شرايط‌ و بدون‌ هرگونه‌ تبعيض‌، اشخاص‌ مورد حمايت‌ به‌ مفهوم‌ مندرج‌ در قسمتهاي‌ (1) و (3) كنوانسيون‌ چهارم‌ محسوب‌ خواهند شد.**

ماده‌ 74 - به‌ هم‌ پيوستن‌ مجدد خانواده‌هايي‌ كه‌ از هم‌ دور افتاده‌اند

 **طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ به‌ هرطريق‌ ممكن‌ به‌ هم‌ پيوستن‌ مجدد خانواده‌هايي‌ را كه‌ براثر مخاصمات‌ مسلحانه‌ از يكديگر جدا شده‌اند تسهيل‌ كرده‌ و به‌ويژه‌ كار سازمان‌هاي‌ بشردوستانه‌اي‌ راكه‌ به‌ موجب‌ مقررات‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ و برطبق‌ مقررات‌ امنيتي‌ مربوطه‌ خود به‌ اين‌ وظيفه‌ اشتغال‌ دارند، تشويق‌ خواهند كرد.**

ماده‌ 75 - ضمانت‌هاي‌ اساسي‌

 **1- اشخاصي‌ كه‌ در دست‌ يكي‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ هستند و از رفتار مساعدتري‌ به‌موجب‌ كنوانسيون‌ها يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ برخوردار نيستند، تا آن‌ جايي‌ كه‌ وضعيت‌هاي‌ مذكور در ماده‌ (1) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بر آنها تأثير مي‌گذارد، در هر شرايط‌ از رفتار انساني‌ برخوردار شده‌ و به‌عنوان‌ يك‌ حداقل‌ از حمايت‌هاي‌ پيش‌بيني‌ شده‌ در اين‌ ماده‌، بدون‌ هرگونه‌ تبعيض‌ مبتني‌ بر نژاد، رنگ‌، جنسيت‌، زبان‌، مذهب‌ و عقيده‌، باورهاي‌ سياسي‌ يا باورهاي‌ ديگر، تبار ملي‌ يا خاستگاه‌ اجتماعي‌، ثروت‌، نسب‌ يا ساير وضعيت‌ها يا هر معيار مشابه‌ ديگري‌ بهره‌مند خواهند شد. هر يك‌ از طرفها بايد به‌ شخص‌، حيثيت‌، اعتقادات‌ و آداب‌ مذهبي‌ چنين‌ اشخاصي‌ احترام‌ بگذارد.**

 2- اعمال‌ زير در هر زمان‌ و در هر مكان‌ اعم‌ از آن‌ كه‌ توسط‌ غيرنظاميان‌ و يا مأمورين‌ نظامي‌ ارتكاب‌ يابد، ممنوع‌ بوده‌ و خواهد بود:

 الف‌ - خشونت‌ نسبت‌ به‌ حيات‌، سلامت‌، صحت‌ جسمي‌ و رواني‌ اشخاص‌، به‌خصوص‌:

 1 - قتل‌

 2 - انواع‌ شكنجه‌ روحي‌ يا جسمي‌

 3 - مجازات‌ بدني‌ و

 4 - قطع‌ عضو

 ب‌ - اهانت‌ به‌ حيثيت‌ فردي‌، به‌ خصوص‌ رفتار تحقيرآميز و خفت‌بار، فحشاء اجباري‌ و هرگونه‌ حمله‌ غيرمحترمانه‌

 ج‌ - گروگان‌گيري‌

 د - مجازاتهاي‌ دسته‌جمعي‌؛ و

 ه‍ - تهديد به‌ ارتكاب‌ هركدام‌ از اعمال‌ فوق‌الذكر

 3 - هر شخصي‌ كه‌ به‌ خاطر اعمال‌ مرتبط‌ با مخاصمه‌ مسلحانه‌ دستگير يا بازداشت‌ شده‌ يا تحت‌ نظر قرار گرفته‌ است‌، بايد بي‌درنگ‌ به‌ زباني‌ كه‌ آن‌ را مي‌فهمد از دليل‌ اين‌ اقدامات‌ مطلع‌ شود. به‌‌استثناي‌ موارد دستگيري‌ يا بازداشت‌ به‌ دليل‌ ارتكاب‌ جرائم‌ كيفري‌، چنين‌ اشخاصي‌ بايد با كمترين‌ تأخير ممكن‌، و در هر حال‌ به‌ محض‌ اين‌ كه‌ موجبات‌ دستگيري‌، بازداشت‌ و تحت‌ نظر قرارگرفتن‌ آنها برطرف‌ شود، آزاد گردند.

 4 - در مورد شخصي‌ كه‌ به‌ خاطر يك‌ جرم‌ كيفري‌ مرتبط‌ با مخاصمه‌ مسلحانه‌ مجرم‌ شناخته‌ شده‌است‌، نمي‌توان‌ هيچ‌ حكمي‌ صادر و هيچ‌ مجازاتي‌ اجراء نمود، مگر به‌ موجب‌ رأي‌ صادره‌ از سوي‌ دادگاهي‌ كه‌ به‌ صورت‌ بي‌طرفانه‌ و قانوني‌ تشكيل‌ شده‌ و اصول‌ عموماً شناخته‌ شده‌ آيين‌دادرسي‌ قضائي‌ را، كه‌ شامل‌ موارد زير مي‌باشد رعايت‌ مي‌كند:

 الف‌ - آيين‌‌دادرسي‌ كه‌ مقرر مي‌دارد كه‌ متهم‌ بدون‌ درنگ‌، از جزئيات‌ جرمي‌ كه‌ به‌ وي‌ منتسب‌ شده‌است‌، مطلع‌ شود و براي‌ متهم‌ حقوق‌ و وسايل‌ دفاع‌ را قبل‌ و در خلال‌ محاكمه‌ تأمين‌ نمايد.

 ب‌ - هيچ‌ كس‌ را نمي‌توان‌ به‌ جرمي‌ محكوم‌ كرد، مگر براساس‌ مسؤوليت‌ كيفري‌ فردي‌ وي‌

 ج‌ - هيچ‌ كس‌ را نمي‌توان‌ به‌ خاطر يك‌ جرم‌ كيفري‌ بر مبناي‌ فعل‌ يا ترك‌ فعلي‌ متهم‌ يا مجرم‌ شناخت‌، كه‌ به‌ موجب‌ قوانين‌ ملي‌ يا بين‌المللي‌ كه‌ وي‌ در زمان‌ ارتكاب‌‌عمل‌، تابع‌ آن‌ بوده‌، جرم‌ كيفري‌ محسوب‌ نمي‌شده‌ است‌، همچنين‌ نمي‌توان‌ مجازاتي‌ سنگين‌تر از آن‌ چه‌ در زمان‌ ارتكاب‌ جرم‌ كيفري‌ قابل‌ اعمال‌ بوده است‌، براي‌ او در نظر گرفت‌، چنانچه‌ پس‌ از ارتكاب‌ جرم‌، مجازات‌ خفيف‌تري‌ براي آن‌ جرم‌ در قانون‌ در نظر گرفته‌ شود، مجرم‌ از آن‌ بهره‌مند خواهد شد.

 د - هر كس‌ كه‌ متهم‌ به‌ جرمي‌ شده‌ باشد، مادامي‌ كه‌ به‌ موجب‌ قانون‌ مجرم‌ شناخته‌ نشده‌ باشد، بي‌گناه‌ فرض‌ مي‌شود.

 ه‍ - هركس‌ كه‌ متهم‌ به‌ جرمي‌ شده‌ باشد، از حق‌ محاكمه‌ شدن‌ درحضور خود برخوردار خواهد بود.

 و- هيچ‌ كس‌ را نبايد مجبور كرد كه‌ عليه‌ خود شهادت‌ داده‌ يا به‌ مجرم‌ بودن‌ خود اعتراف‌ نمايد.

 ز- هر كس‌ كه‌ متهم‌ به‌ جرمي‌ شده‌ باشد، حق‌ خواهد داشت‌ كه‌ از شهودي‌ كه‌ عليه‌ او شهادت‌ مي‌دهند سؤال‌ كرده‌ يا بخواهد كه‌ از آنها سؤال‌ بشود و شهودي‌ كه‌ به‌ نفع‌ او شهادت‌ مي‌دهند با همان‌ شرايط‌ شهود عليه‌ او در دادگاه‌ حاضر شده‌ و از آنها سؤال‌ شود.

 ح‌ - هيچ‌ كس‌ نبايد براي‌ جرمي‌ كه‌ قبلاً توسط‌ همان‌ طرف‌ درباره‌ آن‌ حكم‌ نهايي‌ مبني‌ بر برائت‌ و يا محكوميت‌، به‌ موجب‌ همان‌ قانون‌ و آيين‌ دادرسي‌ صادر شده‌ است‌، مورد پيگرد و مجازات‌ قرار گيرد.

 ط‌ - هركس‌ كه‌ به‌ علت‌ جرمي‌ محاكمه‌ شود، حق‌ دارد كه‌ رأي‌ دادگاه‌ براي‌ وي‌ به‌طور علني‌ صادر شود، و

 ي‌ - شخصي‌ كه‌ محكوم‌ شده‌ است‌ به‌ هنگام‌ محكوميت‌ بايد از راههاي‌ جبراني‌ قضائي‌ و ساير راههاي‌ جبراني‌ و نيز از مهلتهاي‌ زماني‌ كه‌ طي‌ آن‌ مي‌تواند به‌ اين‌ راهها متصل‌ شود، مطلع‌ گردد.

 5 - زناني‌ كه‌ آزادي‌ آنها به‌ دلايل‌ مربوط‌ به‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ محدود شده‌ است‌ بايد در محلهايي‌ جدا از محل‌ استقرار مردان‌ نگاهداري‌ شوند. آنها تحت‌ نظارت‌ مستقيم‌ زنان‌ خواهند بود. با وجود اين‌، در مواردي‌ كه‌ خانواده‌اي‌ بازداشت‌ شده‌ يا تحت‌ نظر قرار گرفته‌ است‌، بايد درصورت‌ امكان‌ در محل‌ واحدي‌ نگاهداري‌ شده‌ و به‌عنوان‌ واحد خانوادگي‌ اسكان‌ داده‌ شود.

 6 - اشخاصي‌ كه‌ در رابطه‌ با دلايل‌ مربوط‌ به‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ زنداني‌ يا بازداشت‌ شده‌ يا تحت‌ نظر قرار گرفته‌اند، حتي‌ پس‌ از پايان‌ گرفتن‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌، از حمايت‌ پيش‌بيني‌ شده‌ در اين‌ ماده‌ تا زمان‌ آزادي‌ نهايي‌، بازگشت‌ به‌ ميهن‌ و يا اسكان‌ مجدد برخوردار خواهند شد.

 7 - به‌منظور جلوگيري‌ از ايجاد هرگونه‌ شبهه‌ نسبت‌ به‌ پيگرد و محاكمه‌ اشخاص‌ متهم‌ به‌ ارتكاب‌ جنايات‌ جنگي‌ يا جنايات‌ عليه‌ بشريت‌، اصول‌ زير اعمال‌ خواهد شد:

 الف‌ - اشخاصي‌ كه‌ متهم‌ به‌ ارتكاب‌ چنين‌ جناياتي‌ شده‌اند، بايد به‌منظور پيگرد و محاكمه‌ برطبق‌ قواعد قابل‌ اعمال‌ حقوق‌ بين‌الملل‌، تحويل‌ داده‌ شوند، و

 ب‌ - چنين‌ اشخاصي‌ كه‌ از رفتار مساعدتري‌ به‌ موجب‌ كنوانسيون‌ يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بهره‌مند نيستند، اعم‌ از آن‌ كه‌ جنايتي‌ كه‌ آنها متهم‌ به‌ آن‌ شده‌اند نقض‌ شديد كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ باشد يا نه‌، از رفتاري‌ كه‌ در اين‌ ماده‌ پيش‌بيني‌ شده‌ است‌، برخوردار خواهند شد.

 8 - هيچ‌‌يك‌ از مقررات‌ اين‌ ماده‌ به‌ گونه‌اي‌ تفسير نخواهد شد كه‌ موجب‌ محدود شدن‌ يا نقض‌ هرگونه‌ مقررات‌ مساعدتري‌ شود كه‌ حمايت‌ بيشتري‌ به‌ موجب‌ هر يك‌ از قواعد قابل‌ اعمال‌ حقوق‌ بين‌المللي‌ به‌ اشخاص‌ مذكور در بند (1) اعطاء مي‌كند.

 فصل‌ دوم‌ - اقدامات‌ به‌ نفع‌ زنان‌ و كودكان‌

 ماده‌ 76 - حمايت‌ از زنان‌

 **1 - زنان‌ بايد مورد احترام‌ خاص‌ قرار گيرند و به‌ويژه‌ در برابر هتك‌ ناموس‌، فحشاي‌ اجباري‌ و اشكال‌ ديگر حمله‌ غيرمحترمانه‌ حمايت‌ خواهند شد.**

 2 - به‌ وضعيت‌ زنان‌ باردار و مادران‌ داراي‌ فرزندان‌ وابسته‌ به‌ خود، كه‌ به‌ دلايل‌ مربوط‌ به‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ دستگير يا بازداشت‌ شده‌ يا تحت‌ نظر قرار گرفته‌اند، با حداكثر اولويت‌ رسيدگي‌ خواهد شد.

 3 - طرفهاي‌ مخاصمه‌ تا بالاترين‌ حد ممكن‌، اهتمام‌ خواهند نمود كه‌ از صدور حكم‌ اعدام‌ در مورد زنان‌ باردار يا مادران‌ داراي‌ فرزندان‌ وابسته‌ به‌ آنان‌، به‌ دليل‌ جرائم‌ مربوط‌ به‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌، خودداري‌ شود، حكم‌ اعدام‌ براي‌ چنين‌ جرمهايي‌ درمورد اين‌ قبيل‌ زنان‌ اجرا نخواهد شد.

ماده‌ 77 - حمايت‌ از كودكان‌

 **1 - كودكان‌ بايد مورد احترام‌ خاص‌ قرار گيرند و در برابر هرشكل‌ ازحمله‌ غيرمحترمانه‌ حمايت‌ شوند. طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد مراقبت‌ و كمكي‌ را كه‌ كودكان‌ خواه‌ به‌ علت‌ سن‌ و يا به‌ هر علت‌ ديگري‌، به‌ آن‌ نياز دارند براي‌ آنها فراهم‌ نمايند.**

 2 - طرفهاي‌ مخاصمه‌ همه‌گونه‌ اقدامات‌ ممكن‌ را به‌‌عمل‌ خواهند آورد تا كودكاني‌ كه‌ به‌ سن‌ پانزده‌ سالگي‌ نرسيده‌اند، به‌طور مستقيم‌ در مخاصمات‌ شركت‌ ننمايند و به‌ويژه‌ از فراخواندن‌ آنها به‌ نيروهاي‌ مسلح‌ خود اجتناب‌ خواهند كرد. طرفهاي‌ مخاصمه‌ در فراخواندن‌ افرادي‌ كه‌ سن‌ آنها از پانزده‌ سال‌ بيشتر است‌ اما هنوز به‌ هجده‌ سالگي‌ نرسيده‌اند كوشش‌ خواهند كرد براي‌ كساني‌ كه‌ سن‌ بيشتري‌ دارند اولويت‌ قائل‌ شوند.

 3 - چنانچه‌ در موارد استثنائي‌ برخلاف‌ مقررات‌ بند (2)، كودكاني‌ كه‌ به‌ پانزده‌ سالگي‌ نرسيده‌اند به‌طور مستقيم‌ در مخاصمات‌ شركت‌ كنند و به‌ دست‌ طرف‌ مخالف‌ گرفتار شوند، خواه‌ اسير جنگي‌ باشند يا خير، همچنان‌ از حمايت‌ خاص‌ موضوع‌ اين‌ ماده‌ برخوردار خواهند بود.

 4 - هرگاه‌ كودكان‌ به‌دلايل‌ مربوط‌ به‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌، دستگير يا بازداشت‌ شده‌ يا تحت‌ نظر قرار گيرند، بايد در محلي‌ جدا از بزرگسالان‌ نگهداري‌ شوند، جز در هنگامي‌ كه‌ خانواده‌هايي‌ به‌ موجب‌ بند (5) ماده‌ (75) به‌عنوان‌ واحد خانوادگي‌ اسكان‌ داده‌ شده‌اند.

 5 - درمورد اشخاصي‌ كه‌ در هنگام‌ ارتكاب‌ جرم‌ مرتبط‌ با مخاصمه‌ مسلحانه‌ كمتر از هجده‌ سال‌ داشته‌اند به‌ خاطر اين‌ جرائم‌، مجازات‌ اعدام‌ اجراء نخواهد شد.

ماده‌ 78 - انتقال‌ كودكان‌

 **1 - هيچ‌‌يك‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ انتقال‌ كودكان‌ به‌ جز اتباع‌ خود را به‌ يك‌ كشور خارجي‌ ترتيب‌ نخواهد داد، مگر درصورت‌ انتقال‌ موقتي‌ به‌ دلايل‌ اضطراري‌ مربوط‌ به‌ سلامت‌ يا درمان‌ پزشكي‌ كودكان‌ يا به‌استثناي‌ سرزمين‌هاي‌ اشغالي‌، درصورتي‌ كه‌ ايمني‌ آنها ايجاب‌ نمايد. درصورتي‌ كه‌ والدين‌ يا سرپرست‌ قانوني‌ اين‌ كودكان‌ يافت‌ شوند، رضايت‌ كتبي‌ آنها براي‌ اين‌ انتقال‌ لازم‌ است‌. درصورتي‌ كه‌ نتوان‌ اين‌ اشخاص‌ را يافت‌. رضايت‌ كتبي‌ براي‌ انتقال‌ اين‌ اشخاص‌ كه‌ طبق‌ قانون‌ يا عرف‌ در درجه‌ اول‌ مسؤوليت‌ نگهداري‌ از كودكان‌ را به‌ عهده‌ دارند، لازم‌ است‌. هر انتقالي‌ از اين‌ نوع‌ بايد تحت‌ نظارت‌ دولت‌ حامي‌ و با توافق‌ طرفهاي‌ ذي‌ربط‌، يعني‌ طرفي‌ كه‌ انتقال‌ را ترتيب‌ مي‌دهد، طرفي‌ كه‌ كودكان‌ را مي‌پذيرد و هر طرفي‌ كه‌ اتباع‌ آن‌ انتقال‌ داده‌ مي‌شوند، انجام‌ شود. درهر مورد كليه‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ همه‌گونه‌ احتياطهاي‌ عملي‌ را براي‌ جلوگيري‌ از به‌ مخاطره‌ افتادن‌ انتقال‌ به‌‌عمل‌ خواهند آورد.**

 2 - هرگاه‌ انتقال‌ برطبق‌ بند (1) صورت‌ گيرد، تداركات‌ لازم‌ براي‌ تحصيل‌ هر كودك‌ از جمله‌ آموزش‌ مذهبي‌ و اخلاقي‌ وي‌، طبق‌ خواسته‌ والدينش‌ در مدتي‌ كه‌ از وطن‌ خود دور است‌، با حداكثر استمرار ممكن‌ فراهم‌ خواهد شد.

 3 - به‌منظور تسهيل‌ بازگشت‌ كودكاني‌ كه‌ به‌ موجب‌ اين‌ ماده‌ انتقال‌ داده‌ شده‌اند نزد خانواده‌ها و كشور خود، مقامات‌ طرف‌ ترتيب‌ دهنده‌ انتقال‌ و درصورت‌ اقتضاء مقامات‌ كشور پذيرنده‌ براي‌ هر كودك‌ كارت‌ عكس‌داري‌ تهيه‌ خواهند نمود و براي‌ دفتر مركزي‌ رديابي‌ كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ ارسال‌ خواهند داشت‌. هر كارت‌ درصورت‌ امكان‌ و درصورتي‌ كه‌ خطر يا صدمه‌اي‌ متوجه‌ كودك‌ نگردد، داراي‌ اطلاعات‌ زير خواهد بود:

 الف‌ - نام‌ (نامهاي‌) خانوادگي‌ كودك‌

 ب‌ - نام‌ (نامهاي‌) اول‌ كودك‌

 ج‌ - جنسيت‌ كودك‌

 د - محل‌ و تاريخ‌ تولد (اگر اين‌ تاريخ‌ معلوم‌ نباشد، سن‌ تقريبي‌)

 ه‍ - نام‌ كامل‌ پدر

 و - نام‌ كامل‌ مادر و نام‌ خانوادگي‌ پيش‌ از ازدواج‌ وي‌

 ز - نزديكترين‌ خويشاوند كودك‌

 ح‌ - تابعيت‌ كودك‌

 ط‌ - زبان‌ مادري‌ كودك‌ و زبانهاي‌ ديگري‌ كه‌ به‌ آنها تكلم‌ مي‌كند.

 ي‌ - نشاني‌ خانواده‌ كودك‌

 ك‌ - هرگونه‌ شماره‌ شناسايي‌ كودك‌

 ل‌ - وضع‌ سلامتي‌ كودك‌

 م‌ - گروه‌ خوني‌ كودك‌

 ن‌ - هرگونه‌ ويژگي‌ مشخصه‌

 س‌- تاريخ‌ و محل‌ يافتن‌ كودك‌

 ع‌ - تاريخ‌ و محلي‌ كه‌ كودك‌ كشورش‌ را ترك‌ كرده‌ است‌.

 ف‌ - دين‌ كودك‌، چنانچه‌ داشته‌ باشد.

 ص‌- نشاني‌ فعلي‌ كودك‌ در كشور پذيرنده‌

 ق‌ - چنانچه‌ كودك‌ پيش‌ از بازگشت‌ فوت‌ شده‌ باشد، تاريخ‌، محل‌، شرايط‌ وقوع‌ مرگ‌ و محل‌ دفن‌

فصل‌ سوم‌ - روزنامه‌نگاران‌

 ماده‌ 79 - اقدامات‌ حمايتي‌ براي‌ روزنامه‌نگاران‌

 **1- روزنامه‌‌نگاراني‌ كه‌ در مناطق‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ به‌ مأموريت‌هاي‌ حرفه‌اي‌ خطرناك‌ اشتغال‌ دارند، به‌عنوان‌ غيرنظامي‌ به‌مفهوم‌ مندرج‌ در بند (1) ماده‌ (50) قلمداد مي‌شوند.**

 2- آنها بايد تحت‌ اين‌ عنوان‌ به‌موجب‌ كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل)‌ حاضر از حمايت‌ برخوردار شوند، مشروط‌ بر اينكه‌ مبادرت‌ به‌ اقدامي‌ كه‌ مغاير با وضعيت‌ آنها به‌عنوان‌ غيرنظامي‌ باشد ننمايند، و نيز بدون‌ آنكه‌ به‌حق‌ گزارشگران‌ جنگي‌ وابسته‌ به‌ نيروهاي‌ مسلح‌ براي‌ برخورداري‌ از وضعيت‌ پيش‌بيني‌ شده‌ در بند( الف‌) جزء(4) ماده‌ (4) كنوانسيون‌ سوم‌ اعطاء شده‌ است‌، خدشه‌اي‌ وارد شود.

 3- آنها مي‌توانند كارت‌ شناسايي‌، شبيه‌ نمونه‌ ارائه‌‌شده‌ در ضميمه‌ (2) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ تحصيل‌ نمايند. اين‌ كارت‌، كه‌ از سوي‌ حكومت‌ دولتي‌ كه‌ روزنامه‌نگار تبعه‌ آن‌ است‌، يا دولتي‌ كه‌ روزنامه‌نگار در قلمرو آن‌ اقامت‌ دارد و يا رسانه‌ خبري‌ كه‌ روزنامه‌نگار را استخدام‌ كرده‌ در آن‌ واقع‌ است‌، صادر خواهد شد، همچنين‌ بايد وضعيت‌ وي‌ را به‌عنوان‌ روزنامه‌نگار گواهي‌ نمايد.

قسمت‌ پنجم‌ - اجراي‌ كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل)‌ حاضر

بخش‌ اول‌ - مقررات‌ كلي‌

ماده‌ 80 - اقدامات‌ اجرائي‌

 **1- طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد بدون‌ تأخير كليه‌ اقدامات‌ لازم‌ را جهت‌ اجراي‌ تعهدات‌ خود به‌ موجب‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌ عمل‌ آورند.**

 2- طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد فرامين‌ و دستورالعمل‌هايي‌ را جهت‌ تضمين‌ رعايت‌ كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل)‌ حاضر صادر كرده‌ و براجراي‌ آنها نظارت‌ نمايند.

ماده‌ 81 - فعاليت‌هاي‌ صليب‌ سرخ‌ و ساير سازمان‌هاي‌ بشردوستانه‌

 **1- طرفهاي‌ مخاصمه‌ همه‌ تسهيلات‌ تحت‌ اختيار خود را به‌ كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ اعطاء خواهند كرد تا كميته‌ مزبور قادر باشد به‌ وظايف‌ بشردوستانه‌اي‌ كه‌ به‌موجب‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ جهت‌ تضمين‌ حمايت‌ و كمك‌ به‌ قربانيان‌ مخاصمات‌ برعهده‌ دارد، عمل‌ نمايد، كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ همچنين‌ مي‌تواند با رضايت‌ طرفهاي‌ ذي‌ربط‌ مخاصمه‌، هر فعاليت‌ بشردوستانه‌ ديگري‌ را به‌ نفع‌ اين‌ قربانيان‌ انجام‌ دهد.**

 2- طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد تسهيلات‌ لازم‌ را دراختيار سازمان‌هاي‌ صليب‌ سرخ‌ (هلال‌احمر، شير و خورشيد سرخ‌) مربوط‌ به‌ خود قرار دهند تا برطبق‌ موازين‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ و اصول‌ بنيادين‌ صليب‌ سرخ‌ به‌ همان‌ ترتيب‌ كه‌ در كنفرانس‌هاي‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ تنظيم‌ شده‌ است‌، به‌ فعاليت‌هاي‌ بشردوستانه‌ خود به‌ نفع‌ قربانيان‌ مخاصمه‌، بپردازند.

 3- طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ به‌هر طريق‌ ممكن‌، عمليات‌ امدادرساني‌ سازمان‌هاي‌ صليب‌ سرخ‌ (هلال‌احمر، شير و خورشيد سرخ‌) و اتحاديه‌ جمعيت‌هاي‌ صليب‌ سرخ‌ به‌ قربانيان‌ مخاصمات‌ طبق‌ موازين‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ و براساس‌ اصول‌ بنيادين‌ صليب‌ سرخ‌ به‌ همان‌ ترتيب‌ كه‌ در كنفرانس‌هاي‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ تنظيم‌ شده‌ است‌، را تسهيل‌ خواهند كرد.

 4- طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد تا آنجا كه‌ ممكن‌ است‌ تسهيلاتي‌ شبيه‌ آنچه‌ در بندهاي‌ (2) و (3) مذكور است‌ دراختيار سازمان‌هاي‌ بشردوستانه‌ ديگر نيز قرار دهند كه‌ در كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌ آنها اشاره‌ شده‌ و به‌ نحو مقتضي‌ از سوي‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ مربوط‌ مجاز شناخته‌ شده‌اند فعاليت‌هاي‌ بشردوستانه‌ خود را طبق‌ موازين‌ كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل)‌ حاضر انجام‌ مي‌دهند.

ماده‌ 82 - مشاوران‌ حقوقي‌ در نيروهاي‌ مسلح‌

 **طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد، در همه‌ حال‌، و طرفهاي‌ مخاصمه‌ در هنگام‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌، بايد تضمين‌ نمايند كه‌ در موقع‌ لزوم‌، مشاوران‌ حقوقي‌ جهت‌ راهنمايي‌ فرماندهان‌ نظامي‌ در سطوح‌ ويژه‌ در مورد اجراي‌ كنوانسيون‌ها و اين‌
تشريفات (پروتكل)‌ و نيز جهت‌ ارائه‌ دستورالعمل‌هاي‌ مناسب‌ به‌ نيروهاي‌ مسلح‌ در اين‌ خصوص‌، در دسترس‌ داشته‌ باشند.**

ماده‌ 83 - انتشار

 **1- طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد متعهد مي‌شوند كه‌ در هنگام‌ صلح‌ همانند زمان‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌، كنوانسيون‌ها و تشريفات(پروتكل)‌ حاضر را در گسترده‌ترين‌ سطح‌ ممكن‌ در كشورهاي‌ مربوط‌ به‌ خود منتشر نموده‌ و علي‌الخصوص‌ تدريس‌ آنها را در برنامه‌هاي‌ دستورالعمل‌هاي‌ نظامي‌ گنجانده‌ و مطالعه‌ آنها را توسط‌ سكنه‌ غيرنظامي‌ تشويق‌ نمايند، تا نيروهاي‌ مسلح‌ و سكنه‌ غيرنظامي‌ از اين‌ اسناد آگاهي‌ يابند.**

 2- هر يك‌ از مقامات‌ لشكري‌ و كشوري‌ كه‌ در زمان‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ مسؤوليت‌هايي‌ را در ارتباط‌ با اجراي‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ برعهده‌ مي‌گيرند، بايد كاملاً با متون‌ يادشده‌ آشنايي‌ داشته‌ باشند.

 ماده‌ 84 - قواعد اجراء

 **طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد، در اولين‌ فرصت‌ ممكن‌، از طريق‌ نگهدارنده‌ اسناد و در صورت‌ اقتضاء، از طريق‌ دولت‌ حامي‌ ترجمه‌هاي‌ رسمي‌ خود را از تشريفات (پروتكل)‌ حاضر و نيز قوانين‌ و مقرراتي‌ را كه‌ جهت‌ تضمين‌ اجراي‌ آن‌ اتخاذ كرده‌اند براي‌ يكديگر ارسال‌ خواهند داشت‌.**

بخش‌ دوم‌ - مقابله‌ با نقض‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌

ماده‌ 85 - مقابله‌ با نقض‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌

 **1- مقررات‌ كنوانسيون‌ها در مورد مقابله‌ با نقض‌ و تخلف‌ عمده‌، كه‌ اين‌ بخش‌ آن‌ را تكميل‌ مي‌كند، براي‌ مقابله‌ با نقض‌ و نقض‌ شديد اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ اعمال‌ خواهد شد.**

 2- اعمالي‌ كه‌ در كنوانسيون‌ها به‌عنوان‌ نقض‌ شديد توصيف‌ شده‌ است‌، چنانچه‌ نسبت‌ به‌ اشخاصي‌ كه‌ در دست‌ طرف‌ مخالف‌ هستند و از حمايت‌ مواد (44)، (45) و (73) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ برخوردارند، يا نسبت‌ به‌ مجروحان‌، بيماران‌ و غريقاني‌ كه‌ تحت‌ حمايت‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ هستند، يا نسبت‌ به‌ كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌، واحدهاي‌ بهداري‌ و يا وسايل‌ ترابري‌ بهداري‌ كه‌ در اختيار طرف‌ مخالف‌ هستند و از حمايت‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ برخوردارند، ارتكاب‌ يابند نقض‌ شديد اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ نيز خواهد بود.

 3- علاوه‌ بر موارد نقض‌ شديد كه‌ در ماده‌ (11) تعريف‌ شده‌ است‌، اعمال‌ مشروح‌ زير، هنگامي‌ كه‌ عمداً، با تخطي‌ از مقررات‌ مربوطه‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ انجام‌ شود، و منجر به‌ مرگ‌ يا آسيب‌ جدي‌ به‌ بدن‌ يا سلامت‌ گردد، نقض‌ شديد اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ قلمداد خواهد‌شد:

 الف‌ - هدف‌ حمله‌ قراردادن‌ سكنه‌ يا افراد غيرنظامي‌

 ب‌ - حمله‌ كوركورانه‌اي‌ كه‌ به‌ سكنه‌ يا اموال‌ غيرنظامي‌، لطمه‌ مي‌زند، با آگاهي‌ از اين‌ كه‌ چنين‌ حمله‌اي‌ موجب‌ خسارت‌هاي‌ بيش‌ از حد جاني‌، جراحت‌ غيرنظاميان‌ يا آسيب‌ به‌ اموال‌ غيرنظامي‌، آن‌ گونه‌ كه‌ در بند (2) (الف‌) (سه‌) ماده‌ (57) تعريف‌ شده‌ است‌، خواهد شد.

 ج‌ - حمله‌ عليه‌ ابنيه‌ و تأسيسات‌ داراي‌ نيروهاي‌ خطرناك‌، با آگاهي‌ از اين‌ كه‌ چنين‌ حمله‌اي‌ موجب‌ خسارت‌هاي‌ بيش‌ از حد جاني‌، جراحت‌ غيرنظاميان‌ يا آسيب‌ به‌ اموال‌ غيرنظامي‌، آن‌ گونه‌ كه‌ در بند (2) (الف‌) (سه‌) ماده‌ (57) تعريف‌ شده‌ است‌ خواهد شد.

 د - هدف‌ حمله‌ قراردادن‌ مكانهاي‌ بي‌دفاع‌ و مناطق‌ غيرنظامي‌

 ه‍- هدف‌ حمله‌ قراردادن‌ يك‌ شخص‌ با آگاهي‌ از اين‌ كه‌ خارج‌ از كارزار مي‌باشد.

 و- استفاده‌ همراه‌ با نيرنگ‌ از آرم‌ مشخص‌كننده‌ صليب‌ سرخ‌، هلال‌ احمر يا شير و خورشيد سرخ‌ يا ساير علامت‌هاي‌ حمايتي‌ كه‌ به‌ موجب‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌ رسميت‌ شناخته‌ شده‌اند، با تخطي‌ از ماده‌ (37)

 4- علاوه‌ بر موارد تعريف‌ شده‌ در بندهاي‌ قبلي‌ و در كنوانسيون‌ها به‌عنوان‌ نقض‌ شديد، اقدامات‌ زير هنگامي‌ كه‌ عمداً و با تخطي‌ از كنوانسيون‌ها يا تشريفات (پروتكل)‌ ارتكاب‌ شود، نقض‌ شديد اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ تلقي‌ مي‌گردد:

 الف‌ - انتقال‌ بخشي‌ از سكنه‌ غيرنظامي‌ دولت‌ اشغال‌كننده‌ به‌ سرزمين‌ اشغال‌ شده‌، يا اخراج‌ و يا انتقال‌ تمام‌ يا بخشي‌ از سكنه‌ غيرنظامي‌ سرزمين‌ اشغال‌ شده‌ در داخل‌ آن‌ يا به‌ خارج‌ از آن‌، برخلاف‌ ماده‌ (49) كنوانسيون‌ چهارم‌

 ب‌ - تأخير غيرموجه‌ در بازگرداندن‌ اسيران‌ جنگي‌ يا غيرنظاميان‌ به‌ ميهنشان‌

 ج‌ - اعمال‌ تبعيض‌ نژاد(آپارتايد) وساير رفتارهاي‌ غيرانساني‌ و تحقيرآميز كه‌ مستلزم‌ اهانت‌ به‌ شأن‌ شخصي‌، برمبناي‌ تبعيض‌ نژادي‌ باشد.

 د - هدف‌ حمله‌ قرار دادن‌ بناهاي‌ تاريخي‌ كاملاً شناخته‌ شده‌، آثار هنري‌ و مكانهاي‌ عبادت‌ كه‌ در حكم‌ ميراث‌ فرهنگي‌ و معنوي‌ ملتها بوده‌ و براي‌ آنها با ترتيبات‌ ويژه‌اي‌، به‌طور مثال‌ در چهارچوب‌ سازمان‌هاي‌ ذي‌صلاح‌ بين‌المللي‌ حمايت‌ خاص‌ درنظر گرفته‌ شده‌ است‌ و در نتيجه‌ چنين‌ حمله‌اي‌ ويراني‌ گسترده‌ در بناها و آثار ياد شده‌ به‌ وقوع‌ بپيوندد، در حالي‌ كه‌ دليلي‌ مبني‌ بر نقض‌ بند (2) ماده‌ (53) از سوي‌ طرف‌ مخالف‌ وجود نداشته‌ و چنين‌ آثار تاريخي‌ و هنري‌ و مكانهاي‌ عبادت‌ در مجاورت‌ مستقيم‌ هدفهاي‌ نظامي‌ واقع‌ نشده‌اند.

 ه‍- محروم‌كردن‌ يك‌ شخص‌ تحت‌ حمايت‌ كنوانسيون‌ها يا شخصي‌ كه‌ در بند(2) اين‌ ماده‌ به‌آن‌ اشاره‌ شده‌ است‌، از حق‌ داشتن‌ محاكمه‌ عادلانه‌ و قانوني‌

 5 - بدون‌ آن‌ كه‌ به‌ اعمال‌ كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل)‌ حاضر لطمه‌اي‌ وارد شود، نقض‌ شديد اين‌ اسناد در حكم‌ جنايات‌ جنگي‌ تلقي‌ خواهد شد.

ماده‌ 86 - ترك‌ فعل‌

 **1 - طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد با نقض‌ شديد كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ كه‌ ناشي‌ از ترك‌ فعل‌ در زماني‌ است‌ كه‌ مكلف‌ به‌ انجام‌ كاري‌ مي‌باشند، مقابله‌ كرده‌ و اقدامات‌ لازم‌ را براي‌ مبارزه‌ با موارد ديگر نقض‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ ناشي‌ از چنين‌ ترك‌ فعلي‌، به‌ عمل‌ آورند.**

 2 - اين‌ واقعيت‌ كه‌ نقض‌ كنوانسيون‌ها يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ توسط‌ مأمور زيردست‌ صورت‌ گرفته‌ است‌، مقامات‌ مافوق‌ را درصورتي‌ كه‌ از موضوع‌ مطلع‌ بوده‌ يا اطلاعاتي‌ در دست‌ داشته‌اند كه‌ مي‌توانستند در آن‌ شرايط‌ اين‌ طور نتيجه‌گيري‌ كنند كه‌ آن‌ شخص‌ در حال‌ ارتكاب‌ چنين‌ نقضي‌ بوده‌ يا در شرف‌ ارتكاب‌ آن‌ بوده‌ است‌ و چنانچه‌ كليه‌ اقدامات‌ ممكن‌ را در چهارچوب‌ اختيارات‌ خود براي‌ جلوگيري‌ يا مقابله‌ با آن‌ به‌‌عمل‌ نياورده‌ باشند، برحسب‌ مورد از مسؤوليت‌ كيفري‌ يا انضباطي‌ مبري‌ نمي‌كند.

 ماده‌ 87 - وظيفه‌ فرماندهان‌

 **1 - طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ از فرماندهان‌ نظامي‌ خواهند خواست‌ كه‌ در مورد اعضاي‌ نيروهاي‌ مسلح‌ تحت‌ فرماندهي‌ خود و ساير اشخاص‌ تحت‌ كنترل‌ خود، از موارد نقض‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ جلوگيري‌ كرده‌ و درصورت‌ لزوم‌ با آن‌ مقابله‌ كرده‌ و موارد نقض‌ را به‌ مقامات‌ ذي‌صلاح‌ گزارش‌ نمايند.**

 2 - براي‌ جلوگيري‌ و مبارزه‌ با موارد نقض‌، طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ بايد از فرماندهان‌ متناسب‌ با سطح‌ مسؤوليت‌ آنها بخواهند كه‌ از آگاهي‌ اعضاي‌ نيروهاي‌ مسلح‌ تحت‌ فرماندهي‌ خود نسبت‌ به‌ تعهداتشان‌ به‌ موجب‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌، اطمينان‌ حاصل‌ نمايند.

 3 - طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و طرفهاي‌ مخاصمه‌ از هر فرماندهي‌ كه‌ مي‌داند مأموران‌ زيردست‌ يا ساير افراد تحت‌ كنترل‌ او در شرف‌ نقض‌ كنوانسيون‌ها يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ هستند، يا آن‌ را مرتكب‌ شده‌اند، خواهند خواست‌ كه‌ گامهاي‌ ضروري‌ را براي‌ جلوگيري‌ از چنين‌ موارد نقض‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌‌عمل‌ آورده‌ و هرگاه‌ اقتضاء نمايد، اقدامات‌ انضباطي‌ يا كيفري‌ عليه‌ مرتكبين‌ آن‌ اعمال‌ نمايد.

ماده‌ 88 - معاضدت‌ متقابل‌ در مسائل‌ كيفري‌

 **1- طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد در زمينه‌ رسيدگي‌هاي‌ كيفري‌ مربوط‌ به‌ نقض‌ شديد كنوانسيون‌ها و اين‌تشريفات (پروتكل)‌ بيشترين‌ مساعدت‌ را به‌ يكديگر به‌ عمل‌ خواهند آورد.**

 2- با رعايت‌ حقوق‌ و تعهدات‌ وضع‌ شده‌ در كنوانسيون‌ها و بند (1) ماده‌‌(85) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌، هرگاه‌ شرايط‌ ايجاب‌ نمايد، طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد در زمينه‌ استرداد مجرمين‌ همكاري‌ خواهند نمود. آنها به‌ درخواست‌ دولتي‌ كه‌ جرم‌ مورد اتهام‌ در سرزمين‌ آن‌ واقع‌ شده‌ است‌، به‌ نحو مقتضي‌ توجه‌ خواهند كرد.

 3 - قوانين‌ طرف‌ معظم‌ متعاهدي‌ كه‌ از وي‌ درخواست‌ استرداد به‌ عمل‌ آمده‌، در همه‌ موارد اعمال‌ خواهد شد، لكن‌ مقررات‌ بندهاي‌ پيشين‌ به‌ تعهدات‌ ناشي‌ از مفاد هر معاهده‌ دوجانبه‌ يا چندجانبه‌ ديگري‌ كه‌ بر كل‌ يا بخشي‌ از موضوع‌ معاضدت‌ متقابل‌ در مسائل‌ كيفري‌ حاكم‌ است‌ يا حاكم‌ خواهد شد، لطمه‌ وارد نخواهد كرد.

ماده‌ 89 - همكاري‌

 **در مواقع‌ نقض‌ جدي‌ كنوانسيون‌ها يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌، طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد مكلف‌ مي‌شوند كه‌ به‌ صورت‌ جمعي‌ يا انفرادي‌ با همكاري‌ سازمان‌ ملل‌ متحد و برطبق‌ منشور ملل‌ متحد دست‌ به‌ اقدام‌ بزنند.**

ماده‌ 90 - كميسيون‌ بين‌المللي‌ حقيقت‌ياب‌

 **1 -**

 الف‌ - يك‌ كميسيون‌ بين‌المللي‌ حقيقت‌يابي‌ (كه‌ از اين‌ پس‌ «كميسيون‌» ناميده‌ خواهد شد) مركب‌ از پانزده‌ عضو كه‌ از مراتب‌ عالي‌ اخلاقي‌ برخوردار بوده‌ و به‌ بي‌طرفي‌ شناخته‌ شده‌اند، تشكيل‌ خواهد شد.

 ب‌ - هرگاه‌ حداقل‌ بيست‌ طرف‌ معظم‌ متعاهد طبق‌ بند (2) صلاحيت‌ كميسيون‌ را بپذيرند، نگاهدارنده‌ اسناد در آن‌ زمان‌ و پس‌ از آن‌ در فواصل‌ پنج‌ سال‌، اقدام‌ به‌ برگزاري‌ نشستي‌ از نمايندگان‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد مذكور به‌منظور انتخاب‌ اعضاي‌ كميسيون‌ خواهد كرد. در اين‌ نشست‌، نمايندگان‌ اعضاي‌ كميسيون‌ را با رأي‌ مخفي‌ و از روي‌ فهرست‌ اشخاصي‌ كه‌ هر يك‌ از آن‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد مي‌توانند يك‌ نفر را معرفي‌ نمايند، انتخاب‌ خواهند كرد.

 ج‌ - اعضاي‌ كميسيون‌ در سمت‌ شخصي‌ خود خدمت‌ نموده‌ و تا انتخاب‌ اعضاي‌ جديد در نشست‌ بعدي‌، سمت‌ خود را حفظ‌ خواهند كرد.

 د - در هنگام‌ انتخاب‌، طرفهاي‌ متعاهد اطمينان‌ حاصل‌ خواهند كرد اشخاصي‌ كه‌ براي‌ كميسيون‌ انتخاب‌ مي‌شوند هر يك‌ انفراداً داراي‌ شرايط‌ مورد لزوم‌ بوده‌ و در كميسيون‌ نيز در مجموع‌، توزيع‌ منصفانه‌ جغرافيايي‌ تضمين‌ گردد.

 هـ - در صورت‌ خالي‌ شدن‌ يكي‌ از كرسي‌ها، كميسيون‌ خود با توجه‌ خاص‌ به‌ مقررات‌ بندهاي‌ فرعي‌ پيشين‌، جاي‌ خالي‌ مذكور را پر خواهد كرد.

 و - نگهدارنده‌ اسناد، تسهيلات‌ اداري‌ لازم‌ را براي‌ انجام‌ وظايف‌ كميسيون‌ فراهم‌ خواهد كرد.

 2 -

 الف‌ - طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد مي‌توانند در هنگام‌ امضاء، تصويب‌ يا الحاق‌ به‌ تشريفات (پروتكل)‌ يا هر زمان‌ ديگر بعد از آن‌ اعلام‌ كنند كه‌ صلاحيت‌ كميسيون‌ را براي‌ تحقيق‌ در مورد اتهامات‌ وارده‌ از سوي‌ طرفهاي‌ ديگر معاهده‌ كه‌ تعهد مشابهي‌ را پذيرفته‌ باشند، في‌نفسه‌ و بدون‌ توافق‌ خاص‌، آن‌‌گونه‌ كه‌ در اين‌ ماده‌ مجاز شمرده‌ شده‌ است‌، به‌ رسميت‌ مي‌شناسند.

 ب‌ - اعلاميه‌هاي‌ اشاره‌ شده‌ در فوق‌ نزد نگاهدارنده‌ اسناد سپرده‌ خواهد شد كه‌ نسخه‌هايي‌ از آن‌ را براي‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد ارسال‌ خواهد كرد.

 ج‌ - كميسيون‌ صلاحيت‌ دارد كه‌:

 يك‌- به‌ تحقيق‌ و رسيدگي‌ درباره‌ تمامي‌ واقعيت‌هايي‌ بپردازد كه‌ ادعا مي‌شود نقض‌ شديد، به‌ نحوي‌ كه‌ در كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ تعريف‌ شده‌ است‌، يا تخلف‌ جدي‌ ديگري‌ از كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ صورت‌ گرفته‌ است‌.

 دو- با اعمال‌ مساعي‌ جميله‌ خود اعاده‌ نگرش‌ مبتني‌ بر احترام‌ به‌ كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را تسهيل‌ نمايد.

 د- در ساير مواقع‌ كميسيون‌ بنابه‌ درخواست‌ يك‌ طرف‌ مخاصمه‌، تنها درصورت‌ رضايت‌ طرف‌ ديگر يا ساير طرفهاي‌ مربوطه‌، به‌ تحقيق‌ و تفحص‌ خواهد پرداخت‌.

 هـ - با رعايت‌ مقررات‌ پيشين‌ اين‌ بند، مقررات‌ ماده‌ (52) كنوانسيون‌ اول‌، ماده‌ (53) كنوانسيون‌ دوم‌، ماده‌ (132) كنوانسيون‌ سوم‌ و ماده‌ (149) كنوانسيون‌ چهارم‌ همچنان‌ درمورد هر ادعائي‌ نسبت‌ به‌ تخلف‌ از كنوانسيون‌ها اعمال‌ شده‌ و به‌ هرگونه‌ ادعايي‌ مبني‌ بر تخلف‌ از اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ تسري‌ مي‌يابد.

 3 -

 الف‌- چنانچه‌ طرفهاي‌ مربوطه‌ به‌ نحو ديگري‌ توافق‌ نكرده‌ باشند، كليه‌ تحقيقات‌ توسط‌ شعبه‌اي‌ مركب‌ از هفت‌ عضو كه‌ به‌ شرح‌ زير انتخاب‌ مي‌شوند، صورت‌ مي‌گيرد:

 يك‌- پنج‌ عضو كميسيون‌ كه‌ تبعه‌ هيچ‌ يك‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ نباشند توسط‌ رئيس‌ كميسيون‌ برمبناي‌ توزيع‌ منصفانه‌ مناطق‌ جغرافيايي‌ پس‌ از مشورت‌ با طرفهاي‌ مخاصمه‌، منصوب‌ خواهند شد.

 دو- دو عضو خاص‌ كه‌ از اتباع‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ نباشند، هر يك‌ توسط‌ يكي‌ از طرفهاي‌ مربوطه‌ تعيين‌ خواهد شد.

 ب‌- رئيس‌ كميسيون‌ به‌ محض‌ دريافت‌ درخواست‌ جهت‌ انجام‌ تحقيق‌، مهلت‌ زماني‌ مناسب‌ را براي‌ تشكيل‌ يك‌ شعبه‌ مشخص‌ خواهد كرد. چنانچه‌ هر يك‌ از اعضاي‌ خاص‌ در مهلت‌ زماني‌ مشخص‌ شده‌، منصوب‌ نشوند رئيس‌ كميسيون‌ بي‌درنگ‌ عضو يا درصورت‌ لزوم‌ اعضاي‌ اضافي‌ ديگري‌ را از كميسيون‌ منصوب‌ خواهد كرد تا تعداد اعضاي‌ شعبه‌ تكميل‌ گردد.

 4 -

 الف‌- شعبه‌اي‌ كه‌ به‌ موجب‌ بند (3) تشكيل‌ مي‌شود تا به‌ كار تحقيق‌ بپردازد، از طرفهاي‌ مخاصمه‌ دعوت‌ خواهد نمود تا شعبه‌ را در اين‌ كار ياري‌ نموده‌ و ادله‌ خود را ارائه‌ دهند. شعبه‌ همچنين‌ مي‌تواند به‌ جستجوي‌ ادله‌ ديگري‌ كه‌ مناسب‌ تشخيص‌ مي‌دهد پرداخته‌ و درباره‌ وضعيت‌ مورد نظر به‌ تحقيقاتي‌ در محل‌ بپردازد.

 ب‌- ادله‌ به‌طور كامل‌ براي‌ طرفهاي‌ مربوطه‌ آشكار خواهد شد و آنها حق‌ دارند درباره‌ اين‌ ادله‌ دربرابر كميسيون‌ اظهارنظر كنند.

 ج‌- هر طرف‌ حق‌ دارد اين‌ ادله‌ را مورد اعتراض‌ يا ايراد قرار دهد.

 5 -

 الف‌- كميسيون‌ گزارشي‌ را درباره‌ واقعياتي‌ كه‌ شعبه‌ به‌ آن‌ دست‌ يافته‌ است‌، همراه‌ با توصيه‌هايي‌ كه‌ مناسب‌ تشخيص‌ مي‌دهد به‌ طرفها تسليم‌ خواهد كرد.

 ب‌ - چنانچه‌ شعبه‌ قادر به‌ تأمين‌ شواهد كافي‌ براي‌ رسيدن‌ به‌ يافته‌هاي‌ واقعي‌ و بي‌طرفانه‌ نباشد، كميسيون‌ دلايل‌ اين‌ ناتواني‌ را اظهار خواهد كرد.

 ج‌- كميسيون‌ يافته‌هاي‌ خود را به‌طور علني‌ گزارش‌ نخواهد كرد، مگر آنكه‌ كليه‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ چنين‌ درخواستي‌ را از كميسيون‌ كرده‌ باشند.

 6- كميسيون‌ آيين‌ كار خود را كه‌ شامل‌ قواعد مربوط‌ به‌ رياست‌ كميسيون‌ و رياست‌ شعبه‌ است‌، تعيين‌ خواهد كرد. اين‌ قواعد تضمين‌ خواهد كرد كه‌ وظايف‌ رئيس‌ كميسيون‌ در همه‌ حال‌ اعمال‌ خواهد شد و درصورت‌ انجام‌ تحقيقات‌، اين‌ وظايف‌ توسط‌ شخصي‌ انجام‌ شود كه‌ از اتباع‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ نيست‌.

 7- هزينه‌هاي‌ اداري‌ كميسيون‌ ازطريق‌ سهميه‌هاي‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهدي‌ كه‌ اعلاميه‌هايي‌ به‌ موجب‌ بند (2) صادر كرده‌اند و نيز از طريق‌ كمكهاي‌ مالي‌ داوطلبانه‌ تأمين‌ خواهد شد. طرف‌ يا طرفهاي‌ مخاصمه‌اي‌ كه‌ درخواست‌ انجام‌ تحقيق‌ و تفحص‌ را مي‌نمايند، بايد وجوه‌ لازم‌ را براي‌ هزينه‌هاي‌ شعبه‌ پيشاپيش‌ بپردازند و تا پنجاه‌‌درصد(50%) هزينه‌هاي‌ شعبه‌ توسط‌ طرف‌ يا طرفهايي‌ كه‌ ادعاهايي‌ عليه‌ آنان‌ اقامه‌ شده‌ است‌، مسترد خواهد شد. در مواردي‌ كه‌ ادعاهاي‌ متقابل‌ نزد شعبه‌ مطرح‌ مي‌شود، هر طرف‌ بايد پيشاپيش‌ پنجاه‌‌درصد(50%) وجوه‌ لازم‌ را بپردازد.

ماده‌ 91 - مسؤوليت‌

 **طرف‌ مخاصمه‌اي‌ كه‌ مقررات‌ كنوانسيون‌ها و يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را نقض‌ نمايد، عندالاقتضاء ملزم‌ به‌ پرداخت‌ غرامت‌ خواهد بود. طرف‌ مذكور در قبال‌ كليه‌ اعمالي‌ كه‌ توسط‌ اشخاصي‌ ارتكاب‌ مي‌يابد كه‌ بخشي‌ از نيروهاي‌ مسلح‌ آن‌ را تشكيل‌ مي‌دهند، مسؤول‌ مي‌باشد.**

 قسمت‌ ششم‌- مقررات‌ نهائي‌

 ماده‌ 92 - امضاء

 **اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌ مدت‌ شش‌ ماه‌ پس‌ از امضاي‌ سند نهائي‌ آن‌ براي‌ امضاء توسط‌ دولتهاي‌ عضو كنوانسيون‌ها مفتوح‌ خواهد بود و براي‌ يك‌ دوره‌ دوازده‌ ماهه‌ همچنان‌ مفتوح‌ خواهد ماند.**

 ماده‌ 93 - تصويب‌

 **اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ تا حدامكان‌ در اسرع‌ وقت‌ به‌ تصويب‌ خواهد رسيد. اسناد تصويب‌ نزد شوراي‌ فدرال‌ سوئيس‌ به‌عنوان‌ نگهدارنده‌ اسناد كنوانسيون‌ها سپرده‌ خواهد شد.**

 ماده‌ 94 - الحاق‌

 **اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ براي‌ الحاق‌ هر يك‌ از دولتهاي‌ عضو كنوانسيون‌ها كه‌ آن‌ را امضاء نكرده‌اند، مفتوح‌ خواهد بود. اسناد الحاق‌ نزد نگهدارنده‌ اسناد، سپرده‌ خواهد شد.**

ماده‌ 95 - لازم‌الاجراء شدن‌

 **1 - اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ شش‌ ماه‌ پس‌ از توديع‌ دو سند تصويب‌ يا الحاق‌ لازم‌الاجراء خواهد شد.**

 2 - اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ درمورد هر يك‌ از دولتهاي‌ عضو كنوانسيون‌ها كه‌ پس‌ از آن‌ تشريفات (پروتكل)‌ حاضر را تصويب‌ كرده‌ يا به‌ آن‌ ملحق‌ شده‌ باشند، شش‌ ماه‌ پس‌ از توديع‌ سند تصويب‌ يا سند الحاق‌ توسط‌ چنين‌ دولتي‌، لازم‌الاجراء خواهد شد.

 ماده‌ 96 - روابط‌ معاهداتي‌ پس‌ از لازم‌الاجراء شدن‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌

 **1 - هرگاه‌ كه‌ طرفهاي‌ كنوانسيون‌ها عضو اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ نيز باشند، كنوانسيون‌ها به‌ نحوي‌ كه‌ با اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ تكميل‌ شده‌ است‌ به‌ اجراء گذاشته‌ خواهد شد.**

 2 - هرگاه‌ يكي‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ ملتزم‌ به‌ رعايت‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ نباشد، طرفهاي‌ تشريفات (پروتكل)‌ در روابط‌ متقابل‌ خود نسبت‌ به‌ آن‌ متعهد باقي‌ مي‌مانند. به‌علاوه‌ آنها در رابطه‌ با هر يك‌ از طرفهايي‌ كه‌ عضو اين‌
 تشريفات (پروتكل)‌ نيستند، ليكن‌ مقررات‌ آن‌ را پذيرفته‌ و به‌كار مي‌بندند، ملتزم‌ خواهند بود.

 3- نهادي‌ كه‌ نمايندگي‌ ملتي‌ را بر عهده‌ دارد كه‌ درگير يك‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ عليه‌ يك‌ طرف‌ معظم‌ متعاهد از نوعي‌ مي‌باشد كه‌ در بند (4) ماده‌ (1) به‌ آن‌ اشاره‌ شده‌ است‌، مي‌تواند طي‌ اعلاميه‌اي‌ يك‌ جانبه‌ خطاب‌ به‌ نگهدارنده‌ اسناد، متعهد شود كه‌ در رابطه‌ با آن‌ مخاصمه‌، كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را اعمال‌ نمايد. چنين‌ اعلاميه‌اي‌ به‌ محض‌ وصول‌ توسط‌ نگهدارنده‌ اسناد، آثار زير را در رابطه‌ با آن‌ مخاصمه‌ به‌ دنبال‌ خواهد داشت‌:

 الف‌ - كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ در مورد نهاد مذكور به‌عنوان‌ يك‌ طرف‌ مخاصمه‌، بلافاصله‌ به‌ مرحله‌ اجراء در مي‌آيد.

 ب‌ - نهاد يادشده‌ همان‌ حقوق‌ و تعهداتي‌ را برعهده‌ دارد كه‌ يك‌ طرف‌ معظم‌ متعاهد كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات(پروتكل)‌ واجد آن‌ مي‌باشد و

 ج‌ - كنوانسيون‌ها و اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌طور يكسان‌ براي‌ تمامي‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ الزام‌آور خواهد بود.

ماده‌ 97- اصلاحيه‌

 **1- هر يك‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد مي‌تواند پيشنهاد نمايد كه‌ اصلاحاتي‌ در اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ صورت‌ گيرد. متن‌ هرگونه‌ اصلاحيه‌ پيشنهادي‌ براي‌ نگهدارنده‌ اسناد ارسال‌ خواهد شد، كه‌ پس‌ از مشورت‌ با كليه‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌، تصميم‌ خواهد گرفت‌ كه‌ آيا براي‌ بررسي‌ اصلاحيه‌ پيشنهادي‌ كنفرانسي‌ ترتيب‌ داده‌ شود يا خير**

 2- نگهدارنده‌ اسناد از كليه‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و همچنين‌ دولتهاي‌ عضو كنوانسيون‌ها، اعم‌ از اينكه‌ امضاءكنندگان‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ باشند يا خير، براي‌ شركت‌ در آن‌ كنفرانس‌ دعوت‌ به‌‌عمل‌ خواهد آورد.

 ماده‌ 98- تجديدنظر در ضميمه‌ (1)

 **1 - كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ حداكثر چهار سال‌ پس‌ از لازم‌الاجراء شدن‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ و بعد از آن‌ در فواصلي‌ كه‌ كمتر از چهار سال‌ نباشد، بايد با طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد در مورد ضميمه‌ (1) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ مشورت‌ نمايد و در صورتي‌ كه‌ لازم‌ بداند مي‌تواند پيشنهاد كند كه‌ جلسه‌اي‌ متشكل‌ از كارشناسان‌ فني‌ جهت‌ بازبيني‌ در ضميمه‌ (1) تشكيل‌ شده‌ و اصلاحاتي‌ را كه‌ مناسب‌ به‌نظر مي‌رسد پيشنهاد نمايد. چنانچه‌ شش‌ ماه‌ پس‌ از اعلام‌ پيشنهاد تشكيل‌ چنين‌ جلسه‌اي‌ به‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد يك‌‌سوم‌ آنها به اين‌ امر اعتراض‌ ننمايند، كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌، جلسه‌ را تشكيل‌ داده‌ و ناظراني‌ را نيز از سازمان‌هاي‌ بين‌المللي‌ ذي‌ربط‌ دعوت‌ خواهد كرد. كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ همچنين‌ جلسه‌اي‌ از اين‌ قبيل‌ را در هر زمان‌ درصورت‌ درخواست‌ يك‌‌سوم‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد نيز، برگزار خواهد كرد.**

 2- پس‌ از چنين‌ جلسه‌اي‌، در صورت‌ درخواست‌ كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ يا يك‌‌سوم‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد، نگهدارنده‌ اسناد كنفرانسي‌، با شركت‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و دولتهاي‌ عضو كنوانسيون‌ها جهت‌ رسيدگي‌ به‌ اصلاحات‌ پيشنهاد شده‌ از طرف‌ جلسه‌ كارشناسان‌ فني‌، تشكيل‌ جلسه‌ خواهد داد.

 3- در چنين‌ كنفرانسي‌، اصلاحات‌ صورت‌ گرفته‌ در ضميمه‌ (1) با رأي‌ دوسوم‌ اكثريت‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد حاضر و رأي‌ دهنده‌، تصويب‌ خواهد شد.

 4- نگهدارنده‌ اسناد هرگونه‌ اصلاحيه‌ مصوب‌ را براي‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و نيز اعضاي‌ كنوانسيون‌ها ارسال‌ خواهد كرد. يك‌‌سال‌ پس‌ از اعلام‌ اين‌ اصلاحات‌، چنانچه‌ حداقل‌ يك‌سوم‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد عدم‌ موافقت‌ خود را نسبت‌ به‌ اصلاحات‌ مذكور به‌ اطلاع‌ نگهدارنده‌ اسناد نرسانند، اصلاحات‌ موردبحث‌ پذيرفته‌ تلقي‌ خواهد شد.

 5- اصلاحيه‌اي‌ كه‌ طبق‌ بند (4) پذيرفته‌ شده‌ تلقي‌ گرديده‌ است‌، سه‌ ماه‌ پس‌ از پذيرفته‌شدنش‌ در مورد كليه‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد، به‌ جز آنهايي‌ كه‌ طبق‌ بند مذكور عدم‌ موافقت‌ خود را اعلام‌ نموده‌اند، لازم‌الاجراء خواهد شد. هر طرف‌ كه‌ عدم‌ موافقت‌ خود را اعلام‌ نموده‌ است‌، مي‌تواند هر زمان‌ آن‌ را پس‌ بگيرد و اين‌ اصلاحيه‌ سه‌ ماه‌ بعد در مورد طرف‌ مذكور به‌ اجراء درخواهد آمد.

 6- نگهدارنده‌ اسناد، طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و اعضاي‌ كنوانسيون‌ها را در مورد لازم‌الاجراء‌ شدن‌ هر اصلاحيه‌، طرفهايي‌ كه‌ نسبت‌ به‌ آن‌ ملتزم‌ هستند، تاريخ‌ به‌ اجراء‌ درآمدن‌ آن‌ در رابطه‌ با هر طرف‌، اعلاميه‌هاي‌ مبني بر عدم‌ موافقت‌ براساس‌ بند (4) و پس‌ گرفتن‌ اين‌ قبيل‌ اعلاميه‌ها، مطلع‌ خواهد ساخت‌.

ماده‌ 99 - فسخ‌

 **1- در صورتي‌ كه‌ يكي‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را فسخ‌ نمايد، اين‌ فسخ‌ فقط‌ يك‌ سال‌ پس‌ از دريافت‌ سند فسخ‌ مؤثر واقع‌ خواهد شد. ليكن‌ چنانچه‌ طي‌ سپري‌شدن‌ آن‌ سال‌، طرف‌ فسخ‌ كننده‌ در يكي‌ از وضعيت‌هاي‌ مذكور در ماده‌ (1) درگير شود، آن‌ فسخ‌ پيش‌ از پايان‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ يا اشغال‌ و يا به‌ هر صورت‌ پيش‌ از خاتمه‌ عمليات‌ مربوط‌ به‌ آزادي‌ نهايي‌، بازگرداندن‌ يا اسكان‌ مجدد اشخاصي‌ كه‌ مورد حمايت‌ كنوانسيون‌ها يا اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ هستند، مؤثر واقع‌ نخواهد شد.**

 2- فسخ‌ بايد به‌طور كتبي‌ به‌ نگهدارنده‌ اسناد اعلام‌ شود كه‌ آن‌ را براي‌ كليه‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد ارسال‌ خواهد نمود.

 3- فسخ‌ فقط‌ نسبت‌ به‌ طرف‌ فسخ‌ كننده‌ مؤثر واقع‌ خواهد شد.

 4- هرگونه‌ فسخ‌ به‌ موجب‌ بند (1) به‌ تعهداتي‌ كه‌ طرف‌ فسخ‌ كننده‌ به‌ علت‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌، در مورد هر عملي‌ كه‌ پيش‌ از مؤثر واقع‌ شدن‌ فسخ‌، به‌موجب‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ برعهده‌ دارد، لطمه‌اي‌ وارد نخواهد كرد.

 ماده‌ 100 - اعلاميه‌ها

 **نگهدارنده‌ اسناد، طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و دولتهاي‌ عضو كنوانسيون‌ها را، خواه‌ امضاءكننده‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ باشند يا خير، از موارد مشروح‌ زير مطلع‌ خواهد نمود:**

 الف‌ - موارد جديد امضاي‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ و توديع‌ اسناد تصويب‌ و الحاق‌ براساس‌ مواد (93) و (94)

 ب‌ - تاريخ‌ لازم‌الاجراء ‌شدن‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ طبق‌ ماده‌ (95)

 ج‌ - مكاتبات‌ و اعلاميه‌هاي‌ دريافت‌ شده‌ براساس‌ مواد (84)، (90) و (97)

 د - اعلاميه‌هاي‌ دريافت‌ شده‌ براساس‌ بند (3) ماده‌ (96) كه‌ بايد با سريع‌ترين‌ شيوه‌ ارسال‌ شود. و

 هـ- اعلاميه‌هاي‌ فسخ‌ براساس‌ ماده‌ (99)

ماده‌ 101 - ثبت‌

 **1- پس‌ از لازم‌الاجراء ‌شدن‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌، نگهدارنده‌ اسناد، طبق‌ ماده‌ (102) منشور سازمان‌ ملل‌ متحد، آن‌ را براي‌ ثبت‌ و انتشار به‌ دبيرخانه‌ سازمان‌ ملل‌ متحد ارسال‌ خواهد كرد.**

 2- نگهدارنده‌ اسناد همچنين‌ دبيرخانه‌ سازمان‌ ملل‌ متحد را از كليه‌ موارد تصويب‌، الحاق‌ و فسخ‌ كه‌ توسط‌ آن‌ درخصوص‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ دريافت‌ شده‌ است‌، مطلع‌ خواهد كرد.

 ماده‌ 102 - متون‌ معتبر

 **نسخه‌ اصل‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ كه‌ متون‌ عربي‌، چيني‌، انگليسي‌، فرانسه‌، روسي‌ و اسپانيولي‌ آن‌ به‌ يكسان‌ معتبر مي‌باشد، نزد نگهدارنده‌ اسناد سپرده‌ خواهد شد كه‌ نسخه‌هاي‌ تصديق‌ شده‌ آن‌ را براي‌ كليه‌ دولتهاي‌ عضو كنوانسيون‌ها ارسال‌ خواهد نمود.**

ضميمه‌ يك‌

مقررات‌ مربوط‌ به‌ كارت‌ شناسايي‌

 فصل‌ 1 - كارتهاي‌ شناسايي‌

 ماده‌ 1 - مقررات‌ عمومي‌

 **1- مقررات‌ مربوط‌ به‌ كارت‌ شناسايي‌ در اين‌ ضميمه‌ مفاد كنوانسيون‌ ژنو و تشريفات (پروتكل)‌ مربوط‌ را اجراء مي‌كند. آنها كارت‌ شناسايي‌ كاركنان‌، واحدها، وسايل‌ ترابري‌ و تأسيسات‌ موردحمايت‌ اين‌ كنوانسيون‌ و تشريفات (پروتكل)‌ را فراهم‌ مي‌كنند.**

 2- اين‌ قواعد در آن‌ انجام‌ نمي‌شود و از خودشان‌ حق‌ حمايت‌ را تعيين‌ مي‌كنند. اين‌ حق‌ مشمول‌ مواد مربوط‌ در كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل)‌ مي‌باشد.

 3- مقامات‌ ذي‌صلاح‌ با رعايت‌ مفاد كنوانسيون‌هاي‌ ژنو و تشريفات (پروتكل)‌ مربوط‌ در هر زمان‌ مي‌توانند استفاده‌، نمايش‌، چراغاني‌ و نمايان‌ ساختن‌ علائم‌ و آرمهاي‌ مشخص‌كننده‌ را تنظيم‌ كنند.

 4- از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و به‌خصوص‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ هميشه‌ دعوت‌ مي‌شود تا روي‌ علائم‌ اضافي‌ يا ساير علائم‌ يا سيستم‌هايي‌ كه‌ امكان‌ شناسايي‌ و استفاده‌ كامل‌ از توسعه‌ تكنولوژي‌ در اين‌ زمينه‌ را افزايش‌ مي‌دهند توافق‌ كنند.

ماده‌ 2 - كارت‌ شناسايي‌ براي‌ كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌ دايمي‌ غيرنظامي‌

 **1- كارت‌ شناسايي‌ كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌ دايمي‌ غيرنظامي‌ كه‌ در بند (3) ماده‌ (18) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌ آن‌ اشاره‌ شده‌ است‌، بايد:**

 الف‌ - داراي‌ آرم‌ مشخص‌كننده‌ بوده‌ و به‌ اندازه‌اي‌ باشد كه‌ بتوان‌ آن‌ را در جيب‌ حمل‌ كرد.

 ب‌ - تا حدي‌ كه‌ عملي‌ است‌، با دوام‌ باشد.

 ج‌ - به‌ زبان‌ ملي‌ يا رسمي‌ (و در صورت‌ امكان‌، علاوه‌ بر آن‌ به‌ ساير زبانها) نوشته‌ شده‌ باشد.

 د - به‌ نام‌، تاريخ‌ تولد (چنانچه‌ تاريخ‌ تولد در دست‌ نباشد، سن‌ شخص‌ در زمان‌ مورد بحث‌) دارنده‌ كارت‌ و شماره‌ شناسايي‌ شخص‌، در صورتي‌ كه‌ موجود باشد، در آن‌ اشاره‌ شود.

 هـ- ذكر كند كه‌ دارنده‌ كارت‌ تحت‌ چه‌ عنواني‌ حق‌ برخورداري‌ از حمايت‌ كنوانسيون‌ها و تشريفات (پروتكل)‌ را دارد.

 و - داراي‌ عكس‌ دارنده‌ كارت‌، امضاء و يا اثر انگشت‌ وي‌ و يا هر دوي‌ آنها باشد.

 ز - داراي‌ مهر و امضاي‌ مقام‌ صلاحيتدار باشد.

 ح‌ - تاريخ‌ صدور و تاريخ‌ انقضاي‌ كارت‌، در آن‌ ذكر شده‌ باشد.

 طـ - در صورت‌ امكان‌، گروه‌ خوني‌ دارنده‌ كارت‌، در قسمت‌ پشت‌ كارت‌ ذكر شود.

 2- كارت‌ شناسايي‌ در سرتاسر قلمرو هر يك‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد بايد يكنواخت‌ بوده‌ و تا حد امكان‌، براي‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ از يك‌ نوع‌ باشد. طرفهاي‌ مخاصمه‌ مي‌توانند از نمونه‌ يك‌ زبانه‌ كه‌ در شكل‌ (1) نشان‌ داده‌ شده‌ است‌ استفاده‌ كنند. در هنگام‌ شروع‌ مخاصمات‌، چنانچه‌ نمونه‌ كارتهاي‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ با نمونه‌ نشان‌ داده‌ شده‌ در شكل‌ (1) متفاوت‌ باشد، آنها بايد يك‌ نمونه‌ از كارت‌ مورداستفاده‌ خود را براي‌ يكديگر، ارسال‌ نمايند. در صورت‌ امكان‌، كارتهاي‌ شناسايي‌ در دو نسخه‌ صادر خواهد شد كه‌ يك‌ نسخه‌ آن‌ نزد مقام‌ صادركننده‌ نگهداري‌ مي‌شود تا بتواند بركارت‌هاي‌ صادر شده‌، نظارت‌ نمايد.

 3- در هيچ‌ شرايطي‌، كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌ دايمي‌ غيرنظامي‌ از داشتن‌ كارتهاي‌ شناسايي‌ خود محروم‌ نخواهند شد. در صورت‌ مفقود شدن‌ كارت‌، آنها حق‌ دارند يك‌ نسخه‌ كارت‌ المثني‌ دريافت‌ نمايند.

 ماده‌ 3 - كارت‌ شناسايي‌ كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌ موقت‌ غيرنظامي‌

 **1- كارت‌ شناسايي‌ كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌ موقت‌ غيرنظامي‌، در صورت‌ امكان‌ مشابه‌ آن‌ چيزي‌ خواهد بود كه‌ در ماده‌ (1) اين‌ مقررات‌ پيش‌بيني‌ شده‌ است‌. طرفهاي‌ مخاصمه‌ مي‌توانند از نمونه‌اي‌ كه‌ در شكل‌ (1) نشان‌ داده‌ شده‌ است‌ استفاده‌ كنند.**

 2- هرگاه‌ كه‌ اوضاع‌ و احوال‌ مانع‌ از آن‌ باشد كه‌ به‌ كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌ موقت‌ غيرنظامي‌ كارتهايي‌ مشابه‌ آنچه‌ كه‌ در ماده‌ (1) اين‌ مقررات‌ توصيف‌ شده‌ است‌ اعطاء شود، مي‌توان‌ گواهي‌نامه‌اي‌ با امضاء مقامات‌ ذي‌صلاح‌ دراختيار اين‌ كاركنان‌ قرارداد كه‌ در آن‌ گواهي‌ شده‌ باشد كه‌ شخصي‌ كه‌ اين‌ گواهي‌ براي‌ او صادر شده‌ به‌عنوان‌ يكي‌ از كاركنان‌ موقت‌ به‌ كار گمارده‌ شده‌ ودر صورت‌ امكان‌ مدت‌ مأموريت‌ و حق‌ او براي‌ استفاده‌ از آرم‌ مشخص‌كننده‌ در آن‌ ذكر شده‌ باشد. در گواهي‌ مورد بحث‌ بايد نام‌ دارنده‌، تاريخ‌ تولد (يا چنانچه‌ اين‌ تاريخ‌ در دست‌ نباشد، سن‌ او در هنگام‌ صدور گواهي‌)، وظايف‌ وي‌ و شماره‌ شناسايي‌ او، چنانچه‌ موجود باشد، ذكر گردد. اين‌ گواهي‌ بايد داراي‌ امضاي‌ دارنده‌ يا اثرانگشت‌ وي‌، يا هر دو باشد.

شكل‌ 1 - نمونه‌ كارت‌ شناسايي‌

(قطع‌: 74 در 105 ميلي‌متر)

روي‌ صفحه‌

(محل‌ مخصوص‌ براي‌ ذكر نام‌ كشور و مقام‌ صادركننده‌ اين‌ كارت‌)

 كارت‌ شناسايي‌

دائمي

موقتي

بهداري

مذهبي‌

 براي‌ كاركنان‌\_\_\_\_\_ غيرنظامي ‌\_\_\_\_\_

 نام‌ ....................................................................

 .......................................................................

 تاريخ‌ تولد (يا سن‌)..........................................

 شماره‌شناسايي‌ (چنانچه‌ موجود است‌)............

 دارنده‌ اين‌ كارت‌ به‌موجب‌ كنوانسيون‌هاي‌ ژنو مورخ‌ 12 اوت‌ 1949 (21/5/1328) و تشريفات (پروتكل)‌ الحاقي‌ به‌كنوانسيون‌هاي‌ ژنو مورخ‌ 12 اوت‌ 1949 (21/5/1328)، در مـورد حمايت‌ از قربانيان‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ بين‌المللي‌ (تشريفات (پروتكل)‌ يك‌)، در سمت‌ خود به‌عنوان‌ ...........................................

.......................................................

 از حمايت‌ برخوردار است‌.

 تاريخ‌ صدور.................... شماره‌ كارت‌ ........................

 امضاي‌ مقام‌ صادركننده‌ كارت‌

 تاريخ‌ انقضاء........................

 پشت‌ صفحه‌

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| طول‌ قد | رنگ‌ چشم‌ | رنگ‌ مو |
| ساير علائم‌ يا اطلاعات‌ مشخص‌ كننده‌:..................................................................................................................................................................... |
|  |
| محل‌ الصاق‌ عكس‌ دارنده‌ كارت‌ |
| امضاء يا اثر انگشت‌ دارنده‌ كارت‌ يا هر دو | محل‌ مهر |

فصل‌ دوم‌ - آرم‌ مشخص‌ كننده‌

ماده‌ 4 - شكل‌ و نوع‌

 **آرم‌ مشخص‌ كننده‌ (به‌ رنگ‌ سرخ‌ بر روي‌ زمينه‌ سفيد) بايد به‌ مقتضاي‌ اوضاع‌ و احوال‌ به‌ اندازه‌ كافي‌ بزرگ‌ باشد. در مورد شكل‌ صليب‌، هلال‌ يا شير و خورشيد، طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد مي‌توانند از نمونه‌هايي‌ كه‌ در شكل‌ (2) نشان‌ داده‌ شده‌ است‌، استفاده‌ كنند.**

**شكل‌ 2 - آرم‌هاي‌ مشخص‌ كننده‌ به‌ رنگ‌ سرخ‌ در زمينه‌ سفيد**

ماده‌ 5 - استفاده‌

 **1- هرگاه‌ امكان‌ داشته‌ باشد، بايد آرم‌ مشخص‌‌كننده‌ بر روي‌ سطح‌ صاف‌ و يا پرچمها يا هر طريق‌ مناسب‌ ديگر براي‌ قرارگرفتن‌ در روي‌ زمين‌ كه‌ تا حد امكان‌ از جهتهاي‌ مختلف‌ و از فاصله‌ هر چه‌ دورتر به‌ويژه‌ از فضا قابل‌ مشاهده‌ باشد، نشان‌ داده‌ شود.**

 2- به‌ هنگام‌ شب‌ و يا در مواقعي‌ كه‌ ديد كاهش‌ مي‌يابد، مي‌توان‌ آرم‌ مشخص‌ كننده‌ را روشن‌ و يا نوراني‌ ساخت‌.

 3- همچنين‌ مي‌توان‌ اين‌ آرم‌ را از موادي‌ ساخت‌ كه‌ با وسايل‌ فني‌ رديابي‌ قابل‌ تشخيص‌ باشند. قسمت‌ قرمز بايد در بالاي‌ اولين‌ رنگ‌ سياه‌ نشان‌ داده‌ شود تا شناسايي‌ آن‌ به‌ويژه‌ با وسايل‌ اشعه‌ مادون‌ قرمز آسان‌ باشد.

 4- كاركنان‌ بهداري‌ و مذهبي‌ كه‌ در منطقه‌ نبرد به‌ انجام‌ وظيفه‌ مي‌پردازند بايد تا حد امكان‌، كلاه‌ خود و لباسهايي‌ بپوشند كه‌ داراي‌ آرم‌ مشخص‌ كننده‌ باشد.

فصل‌ سوم‌ - علائم‌ مشخص‌ كننده‌

 ماده‌ 6 - استفاده‌

 **1- كليه‌ علائم‌ مشخص‌ كننده‌ مصرحه‌ در اين‌ فصل‌ مي‌تواند به‌وسيله‌ واحدها يا ترابري‌هاي‌ بهداري‌ مورد استفاده‌ قرار گيرد.**

 2- اين‌ علائم‌ كه‌ براي‌ استفاده‌ انحصاري‌ واحدها يا وسايل‌ ترابري‌ بهداري‌ تعيين‌ شده‌ است‌، نبايد براي‌ مقاصد ديگر به‌ كار گرفته‌ شود. استفاده‌ از تمامي‌ علامت‌هاي‌ نوراني‌ (به‌ بند «3» در پايين‌ مراجعه‌ شود)، اختياري‌ است‌.

 3- درصورت‌ نبودن‌ توافق‌ خاصي‌ بين‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ كه‌ استفاده‌ از چراغهاي‌ آبي‌ چشمك‌ زن‌ را منحصراً براي‌ شناسايي‌ هواپيماها، خودروها و شناورهاي‌ بهداري‌ درنظر گرفته‌ باشند، استفاده‌ از اين‌ قبيل‌ علامت‌ها براي‌ ساير خودروها و هواپيماها يا كشتي‌ها ممنوع‌ نيست‌.

 4- هواپيماهاي‌ بهداري‌ موقت‌، كه‌ به‌ دليل‌ نبودن‌ زمان‌ كافي‌ و يا به‌ دليل‌ ويژگي‌هايشان‌ نمي‌توان‌ آنها را با آرمهاي‌ مشخص‌كننده‌ علامت‌گذاري‌ نمود، مي‌توانند از علامت‌هاي‌ مجاز در اين‌ فصل‌ استفاده‌ كنند.

 ماده‌ 7 - علامت‌ نوراني‌

 1- علامت‌ نوراني‌ متشكل‌ از يك‌ چراغ‌ آبي‌ چشمك‌ زن‌ به‌ نحو تعريف‌ شده‌ در دستورالعمل‌ فني‌ قابليت‌ پرواز سازمان‌ بين‌المللي‌ هواپيمايي‌ كشوري‌ مي‌باشد كه‌ براي‌ استفاده‌ از هواپيماهاي‌ بهداري‌ جهت‌ اعلام‌ هويت‌ خود تعيين‌ شده‌ است‌، هيچ‌ هواپيماي‌ ديگري‌ از اين‌ علامت‌ استفاده‌ نخواهد كرد. هواپيماهاي‌ بهداري‌ كه‌ از چراغ‌ آبي‌ چشمك‌زن‌ استفاده‌ مي‌كنند بايد مجهز به‌ چراغهاي‌ نوراني‌ باشند كه‌ در صورت‌ ضرورت‌ از تمام‌ جهات‌ ممكن‌ قابل‌ رؤيت‌ باشند.

 2- مطابق‌ مقررات‌ فصل‌ چهارده‌ بند (4) سازمان‌ كشتيراني‌ بين‌المللي‌ (IMO)، مجمع‌ قوانين‌ بين‌المللي‌ علائم‌، كشتي‌هاي‌ تحت‌ حمايت‌ كنوانسيون‌ ژنو سال‌ 1949 و تشريفات (پروتكل)‌ بايد با يك‌ يا چند چراغ‌ چشمك‌زن‌ آبي‌ كه‌ از تمام‌ جهات‌ قابل‌ رؤيت‌ باشد، نشان‌ داده‌ شوند.

 3- وسايل‌ نقليه‌ بهداري‌ بايد با يك‌ يا چند چراغ‌ چشمك‌ زن‌ آبي‌ كه‌ تا حد امكان‌ از فاصله‌ دور قابل‌ رؤيت‌ باشد نشان‌ داده‌ شوند. طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و به‌ويژه‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ كه‌ از چراغهاي‌ با رنگ‌ ديگر استفاده‌ مي‌كنند بايد اين‌ مورد را اطلاع‌ دهند.

 4- رنگ‌ آبي‌ توصيه‌ شده‌ در صورتي‌ كه‌ رنگ‌ آن‌ در حدهاي‌ كميسيون‌ بين‌المللي‌ در نمودار رنگ‌پذيري‌ روشن‌سازي‌ تعريف‌ شده‌ باشد از رنگهاي‌ زير، به‌عنوان‌ مختصات‌ سه‌رنگي‌، به‌ دست‌ مي‌آيد:

 حد سبز **X** **Y** = 0.065 + 0.805

 **حد سفيد**  **X**-**Y** = 0.400

 حد ارغواني‌ **X** = 0.133 + 0.600**Y**

 تعداد دفعات‌ چشمك‌زدن‌ نور آبي‌ بين‌ شصت‌ و يكصد بار در دقيقه‌، توصيه‌ مي‌شود.

ماده‌ 8 - علامت‌ راديويي‌

 **1- علامت‌ راديويي‌ متشكل‌ از يك‌ علامت‌ اضطراري‌ و مشخص‌كننده‌ به‌ نحو مذكور در مقررات‌ راديويي‌ (RR) اتحاديه‌ بين‌المللي‌ ارتباطات‌ دور (ITU) اصول‌ (40 - شماره‌ 90) مي‌باشد.**

 2- پيامهاي‌ راديويي‌ كه‌ به‌‌وسيله‌ علائم‌ اضطراري‌ و مشخص‌كننده‌ مندرج‌ در بند (1) ارسال‌ شوند به‌ انگليسي‌ در فاصله‌هاي‌ مناسب‌ روي‌ بسامد يا بسامدهاي‌ تعيين‌ شده‌ براي‌ اين‌ منظور در مقررات‌ راديويي‌ مخابره‌ مي‌شوند و حاوي‌ اطلاعات‌ زير مربوط‌ به‌ ترابري‌هاي‌ بهداري‌ ذي‌ربط‌ مي‌باشند:

 الف‌- رمز يا ساير وسايل‌ شناسايي‌ ترابري‌ بهداري‌

 ب‌ - موقعيت‌ وسيله‌ ترابري‌ بهداري‌

 ج‌ - تعداد و نوع‌ وسايل‌ ترابري‌ بهداري‌

 د - مسير مورد نظر

 هـ- مدت‌ زمان‌ تقريبي‌ طي‌ مسير، زمان‌ حركت‌ و ورود، بر حسب‌ مورد

 و - هرگونه‌ اطلاعات‌ ديگري‌ از قبيل‌ ارتفاع‌ پرواز، بسامد راديويي‌ محافظت‌ شده‌، زبانها و سيستم‌ها و كدهاي‌ رادار كمكي‌ دوم‌

 3- به‌منظور تسهيل‌ ارتباطات‌ يادشده‌ در بندهاي‌ (1) و (2) و نيز ارتباطات‌ مورداشاره‌ در مواد (22)، (23)، (25)، (26)، (27)، (28)، (29)، (30) و (31) تشريفات (پروتكل)‌، طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد، طرفهاي‌ يك‌ مخاصمه‌ و يا يكي‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ كه‌ به‌ موجب‌ توافق‌ يا به‌ تنهايي‌ عمل‌ مي‌نمايند، مي‌توانند طبق‌ جدول‌ تخصيص‌ بسامدهاي‌ مقررات‌ راديويي‌ منضم‌ به‌ كنوانسيون‌ بين‌المللي‌ ارتباطات‌ دور، بسامدهاي‌ ملي‌ انتخابي‌ مورد استفاده‌ خود را براي‌ اين‌ قبيل‌ ارتباطات‌، تعيين‌ كرده‌ و منتشر نمايند. اين‌ بسامدها بايد طبق‌ آيين‌ كاري‌ كه‌ به‌ تأييد يك‌ كنفرانس‌ جهاني‌ مديريت‌ راديويي‌ خواهد رسيد، به‌ اطلاع‌ اتحاديه‌ بين‌المللي‌ مخابرات‌ دور رسانده‌ شود.

ماده‌ 9 - شناسايي‌ الكترونيك‌

 **1- سيستم‌ رادار دوم‌ (SSR) به‌ نحوي‌ كه‌ در ضميمه‌ (10) كنوانسيون‌ شيكاگو در مورد هواپيمايي‌ كشوري‌ بين‌المللي‌ مورخ‌ 7 دسامبر 1944ميلادي، برابر با 16 آذر 1323 هجري شمسي با اصلاحات‌ بعدي‌ آن‌، مي‌تواند براي‌ شناسايي‌ و رديابي‌ مسير هواپيماهاي‌ بهداري‌ مورد استفاده‌ قرار گيرد. شيوه‌ و كد سيستم‌ رادار كمكي‌ دوم‌ كه‌ براي‌ استفاده‌ انحصاري‌ هواپيماهاي‌ بهداري‌ اختصاص‌ مي‌يابد، توسط‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد، طرفهاي‌ يك‌ مخاصمه‌، يا يكي‌ از طرفهاي‌ مخاصمه‌ كه‌ به‌موجب‌ توافق‌ يا به‌ تنهايي‌ عمل‌ مي‌نمايد، طبق‌ آيين‌ كاري‌ كه‌ از سوي‌ سازمان‌ بين‌المللي‌ هواپيمايي‌ كشوري‌ توصيه‌ مي‌شود، تعيين‌ خواهد شد.**

 2- وسايل‌ ترابري‌ بهداري‌ حمايت‌ شده‌ مي‌توانند جهت‌ شناسايي‌ و مكان‌ خود از گيرنده‌هاي‌ رادار هوانوردي‌ استاندارد و گيرنده‌هاي‌ رادار تفحص‌ و نجات‌ دريايي‌ استفاده‌ كنند.

 امكان‌ دارد ترابري‌هاي‌ بهداري‌ حمايت‌ شده‌ به‌وسيله‌ ساير كشتي‌ها و يا هواپيمايي‌ كه‌ با سيستم‌ رادار كمكي‌ دوم‌ كه‌ به‌وسيله‌ يك‌ كد ارسال‌ شده‌ توسط‌ گيرنده‌ رادار مجهز شده‌ و در شكل‌ (3 - الف‌) در ترابري‌هاي‌ بهداري‌ تنظيم‌ شده‌، مورد شناسايي‌ قرارگيرند. كد ارسال‌ شده‌ توسط‌ گيرنده‌ ترابري‌ بهداري‌ بايد براي‌ آن‌ ترابري‌ توسط‌ مقامات‌ ذي‌صلاح‌ تعيين‌ شود و به‌ كليه‌ طرفهاي‌ مخاصمه‌ اطلاع‌ داده‌ شود.

 3- امكان‌ دارد ترابري‌هاي‌ بهداري‌ به‌وسيله‌ زيردريايي‌ها با علائم‌ شنوايي‌ زيردريايي‌ مناسب‌ كه‌ توسط‌ ترابري‌هاي‌ بهداري‌ ارسال‌ شده‌، مورد شناسايي‌ قرار گيرند علامت‌ شنوايي‌ زيردريايي‌ متشكل‌ از علامت‌ رمز (يا ساير وسايل‌ شناخته‌ شده‌ شناسايي‌ ترابري‌ بهداري‌) كشتي‌ پيشرونده‌ به‌وسيله‌ يك‌ گروه‌ (yyy) كه‌ به‌ صورت‌ تلگرافي‌ روي‌ يك‌ بسامد (فركانس‌) شنوايي‌ مناسب‌ ارسال‌ شده‌، مي‌باشد.

 طرفهاي‌ مخاصمه‌ كه‌ تمايل‌ به‌ استفاده‌ از علائم‌ شناسايي‌ شنوايي‌ زيردريايي‌ را كه‌ در سند فوق‌ ذكر شده‌ دارند بايد طرفهاي‌ مربوط‌ را به‌ محض‌ امكان‌ از علائم‌ مطلع‌ كنند. و در صورت‌ اعلام‌ استفاده‌ از كشتي‌هاي‌ بيمارستاني‌ خود بايد روي‌ بسامدهاي‌ (فركانس‌هاي‌) مورد استعمال‌ تأكيد شود.

 4- طرفهاي‌ مخاصمه‌ مي‌توانند با يك‌ موافقت‌ خاص‌ بين‌ خود، استفاده‌ از يك‌ سيستم‌ الكترونيك‌ مشابهي‌ را براي‌ شناسايي‌ خودروها، كشتي‌ها و شناورهاي‌ بهداري‌ خود وضع‌ نمايند.

 فصل‌ چهارم‌- مخابرات‌

 ماده‌ 10 - ارتباطات‌ راديويي‌

 **1- علائم‌ ضروري‌ و مشخص‌كننده‌ پيش‌بيني‌ شده‌ در ماده‌ (8) مي‌تواند قبل‌ از ارتباطات‌ راديويي‌ مناسب‌ توسط‌ واحدها و وسايل‌ ترابري‌ بهداري‌ در اجراي‌ رويه‌هاي‌ اجراء‌شده‌ به‌ موجب‌ مواد (22)، (23)، (25)، (26)، (27)، (28)، (29)، (30) و (31) تشريفات (پروتكل)‌ مخابره‌ شود.**

 2- ترابري‌هاي‌ بهداري‌ اشاره‌ شده‌ در مواد (40) (بخش‌ 2، شماره‌ 3209) و 40N(بخش‌ 3، شماره‌ 3214) مقررات‌ راديويي‌ (ITU) (اتحاديه‌ بين‌المللي‌ ارتباطات‌ دور) مي‌توانند ارتباط‌ خود را به‌وسيله‌ سيستم‌ ماهواره‌ سيار مطابق‌ مفاد مواد 37 – N37 و مقررات‌ راديويي‌ ITU (اتحاديه‌ بين‌المللي‌ ارتباطات‌ دور) جهت‌ خدمات‌ ماهواره‌اي‌ سيار ارسال‌ كنند.

 ماده‌ 11 - استفاده‌ از كدهاي‌ بين‌المللي‌

 **واحدها و وسايل‌ ترابري‌ بهداري‌ همچنين‌ مي‌توانند از كدها و علامت‌هاي‌ تعيين‌ شده‌ توسط‌ اتحاديه‌ بين‌المللي‌ مخابرات‌ راه‌ دور، سازمان‌ بين‌المللي‌ هواپيمايي‌ كشوري‌ و سازمان‌ بين‌المللي‌ دريانوردي‌ استفاده‌ كنند. اين‌ كدها و علامت‌ها بايد طبق‌ استانداردها، روش‌ها و رويه‌هاي‌ ايجاد شده‌ توسط‌ اين‌ سازمان‌ها مورد استفاده‌ قرار گيرند.**

 ماده‌ 12 - ساير وسايل‌ ارتباطي‌

 **هنگامي‌ كه‌ ارتباط‌ راديويي‌ دوطرفه‌ امكان‌پذير نباشد، علامت‌هاي‌ پيش‌بيني‌ شده‌ مربوط‌ در كد بين‌المللي‌ علامت‌ها كه‌ مصوب‌ سازمان‌ بين‌المللي‌ دريانوردي‌ و يا مذكور در ضميمه‌ مربوط‌ كنوانسيون‌ شيكاگو در مورد هواپيمايي‌ كشوري‌ بين‌المللي‌ مورخ‌ 7 دسامبر1944ميلادي، برابر با16آذر1323هجري شمسي، با اصلاحات‌ بعدي‌ آن‌، مي‌تواند مورد استفاده‌ قرار گيرد.**

ماده‌ 13 - برنامه‌هاي‌ پرواز

 **توافق‌ها و اطلاعيه‌هاي‌ مربوط‌ به‌ برنامه‌هاي‌ پرواز پيش‌بيني‌ شده‌ در ماده‌‌(29) تشريفات (پروتكل)‌ بايد تا حد امكان‌ طبق‌ رويه‌هاي‌ سازمان‌ بين‌المللي‌ هواپيمايي‌ كشوري‌ تنظيم‌ شود.**

 ماده‌ 14 - علامت‌ها و رويه‌هاي‌ مربوط‌ به‌ رهگيري‌ هواپيماهاي‌ بهداري‌

 **چنانچه‌ از يك‌ هواپيما براي‌ شناسايي‌ يك‌ هواپيماي‌ بهداري‌ در حال‌ پرواز يا درخواست‌ از آن‌ براي‌ فرود طبق‌ مواد (30) و (31) تشريفات (پروتكل)‌، استفاده‌ شود، هواپيماي‌ رهگير و هواپيماي‌ بهداري‌ بايد رويه‌هاي‌ رهگيري‌ سمعي‌ و بصري‌ استاندارد پيش‌بيني‌ شده‌ در ضميمه‌ (2) كنوانسيون‌ شيكاگو در مورد هواپيمايي‌ كشوري‌ بين‌المللي‌ مورخ‌ 7 دسامبر 1944ميلادي، برابر با 16 آذر 1323 هجري‌شمسي، با اصلاحات‌ بعدي‌ آن‌، را مورد استفاده‌ قرار دهند.**

فصل‌ پنجم‌ - دفاع‌ غيرنظامي‌

ماده‌ 15 - كارت‌ شناسايي‌

 **1- كارت‌ شناسايي‌ كاركنان‌ دفاع‌ غيرنظامي‌ كه‌ در بند (3) ماده‌ (66) تشريفات (پروتكل)‌ پيش‌بيني‌ شده‌ است‌، مشمول‌ مفاد مربوطه‌ ماده‌ (2) اين‌ مقررات‌ است‌.**

 2- مي‌توان‌ كارت‌ شناسايي‌ كاركنان‌ دفاع‌ غيرنظامي‌ را طبق‌ نمونه‌ نشان‌ داده‌ شده‌ در شكل‌(3) تهيه‌ نمود.

 3- چنانچه‌ كاركنان‌ دفاع‌ غيرنظامي‌ مجاز به‌ حمل‌ اسلحه‌ سبك‌ انفرادي‌ باشند، اين‌ موضوع‌ بايد در كارت‌ شناسايي‌ آنها قيد گردد.

روي‌ صفحه‌

 (محل‌ مخصوص‌ براي‌ ذكر نام‌ كشور و مقام‌ صادركننده‌ اين‌ كارت‌)

كارت‌ شناسايي‌

براي‌ كاركنان‌ دفاع‌ غيرنظامي‌

 نام‌ ....................................................................

تاريخ‌ تولد (يا سن‌)..........................................

 شماره‌شناسايي‌ (چنانچه‌ موجود است‌)............

 دارنده‌ اين‌ كارت‌ به‌موجب‌ كنوانسيون‌هاي‌ ژنو مورخ‌ 12 اوت‌ 1949 (21/5/1328) و تشريفات (پروتكل)‌ الحاقي‌ به‌كنوانسيون‌هاي‌ ژنو مورخ‌ 12 اوت‌ 1949 (21/5/1328)، در مـورد حمايت‌ از قربانيان‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ بين‌المللي‌ (تشريفات (پروتكل)‌ يك‌)، در سمت‌ خود به‌عنوان‌ ...........................................

 ....................................................... از حمايت‌ برخوردار مي‌باشد.

 تاريخ‌ صدور.................... شماره‌ كارت‌ ........................

 امضاي‌ مقام‌ صادركننده‌ كارت‌

 تاريخ‌ انقضاء........................

**شكل‌ 3 - نمونه‌ كارت‌ شناسايي‌ براي‌ كاركنان‌ دفاع‌ غيرنظامي‌**

 **(ابعاد: 74 در 105 ميلي‌متر)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| طول‌ قد | رنگ‌ چشم‌ | رنگ‌ مو |
| ساير علائم‌ يا اطلاعات‌ مشخص‌ كننده‌: ....................................................... ....................................................... ....................................................... اسلحه‌.................................... |
| محل‌ الصاق‌ عكس‌ دارنده‌ كارت‌ |
| امضاء يا اثر انگشت‌ دارنده‌ كارت‌ يا هر دو | محل‌ مهر |

ماده‌ 16 - علامت‌ مشخص‌ كننده‌ بين‌المللي‌

 **1- علامت‌ مشخص‌كننده‌ بين‌المللي‌ دفاع‌ غيرنظامي‌ كه‌ در بند (4) ماده‌‌(66) تشريفات (پروتكل)‌ پيش‌بيني‌ شده‌ است‌، عبارت‌ از يك‌ مثلث‌ متساوي‌الاضلاع‌ آبي‌ رنگ‌ بر روي‌ زمينه‌ نارنجي‌ مي‌باشد. يك‌ نمونه‌ آن‌ در شكل‌ شماره‌ (4) نشان‌ داده‌ شده‌ است‌.**

شكل‌ 4 - مثلث‌ آبي‌ بر روي‌ زمينه‌ نارنجي‌

 2- توصيه‌ مي‌شود كه‌:

 الف‌ - اگر مثلث‌ آبي‌ رنگ‌ بر روي‌ پرچم‌، بازوبند يا لباس‌ باشد، زمينه‌اي‌ كه‌ مثلث‌ روي‌ آن‌ قراردارد، پرچم‌، بازوبند يا پارچه‌ روي‌ لباس‌ به‌ رنگ‌ نارنجي‌ باشد.

 ب‌ - يكي‌ از زاويه‌هاي‌ مثلث‌ به‌ طرف‌ بالا عمود باشد.

 ج‌ - هيچ‌ يك‌ از زاويه‌هاي‌ مثلث‌ با كناره‌ زمينه‌ نارنجي‌ تماس‌ پيدا نكند.

 3- علامت‌ مشخص‌ كننده‌ بين‌المللي‌ بايد بر حسب‌ اوضاع‌ و احوال‌ تا حد لزوم‌ بزرگ‌ باشد. علامت‌ مشخص‌ كننده‌ بايد در صورت‌ امكان‌ بر روي‌ سطح‌ صاف‌ و يا پرچم‌هايي‌ نشان‌ داده‌ شود كه‌ تا حد امكان‌ از جهت‌هاي‌ متعدد و دورترين‌ فواصل‌ قابل‌ رؤيت‌ باشد. كاركنان‌ دفاع‌ غيرنظامي‌ با رعايت‌ اوامر مقام‌ ذي‌صلاح‌، بايد تا حد امكان‌ از سرپوش‌ و لباسي‌ استفاده‌ كنند كه‌ داراي‌ علامت‌ مشخص‌كننده‌ بين‌المللي‌ باشد. در شب‌ يا در مواقعي‌ كه‌ ديد كاهش‌ مي‌يابد مي‌توان‌ علامت‌ مشخص‌‌كننده‌ را روشن‌ يا نوراني‌ كرد، همچنين‌ مي‌توان‌ آن‌ را از موادي‌ ساخت‌ كه‌ با وسايل‌ فني‌ رديابي‌ قابل‌ تشخيص‌ باشد.

فصل‌ ششم‌ - كارگاهها و تأسيسات‌ داراي‌ نيروهاي‌ خطرناك‌

ماده‌ 17 - علامت‌ ويژه‌ بين‌المللي‌

 **1- علامت‌ ويژه‌ بين‌المللي‌ براي‌ كارگاهها و تأسيسات‌ داراي‌ نيروهاي‌ خطرناك‌، به‌ نحو مذكور در بند (7) ماده‌ (56) تشريفات (پروتكل)‌، متشكل‌ از سه‌ دايره‌ به‌ رنگ‌ نارنجي‌ درخشان‌ به‌اندازه‌ مساوي‌ است‌ كه‌ بر محوري‌ واحد قرار گرفته‌اند و فاصله‌ بين‌ آنها به‌ اندازه‌ شعاع‌ دايره‌ است‌، همانگونه‌ كه‌ ذيلاً در شكل‌ (5) نشان‌ داده‌ شده‌ است‌.**

 2- اين‌ علامت‌ بر حسب‌ اوضاع‌ و احوال‌ تا آنجا كه‌ ممكن‌ است‌ بزرگ‌ خواهد بود. هرگاه‌ كه‌ اين‌ علامت‌ بر يك‌ سطح‌ گسترده‌ نشان‌ داده‌ مي‌شود، مي‌توان‌ آن‌ را به‌ تعداد لازم‌ تكرار كرد. اين‌ علامت‌ هرگاه‌ امكان‌ داشته‌ باشد، بر روي‌ سطح‌ صاف‌ و يا پرچم‌هايي‌ نشان‌ داده‌ شود كه‌ تا حد امكان‌ از جهت‌هاي‌ متعدد و دورترين‌ فواصل‌ ممكن‌ قابل‌ رؤيت‌ باشد.

 3- بر روي‌ يك‌ پرچم‌، فاصله‌ بين‌ محيط‌ دايره‌ و كناره‌ پرچم‌ به‌اندازه‌ يك‌ شعاع‌ دايره‌ است‌.پرچم‌ به‌ شكل‌ مستطيل‌ بوده‌ و داراي‌ زمينه‌اي‌ به‌ رنگ‌ سفيد است‌.

 4- در شب‌ يا هنگامي‌ كه‌ ديد كاهش‌ مي‌يابد، علامت‌ را مي‌توان‌ روشن‌ يا نوراني‌ كرد. همچنين‌ علامت‌ را مي‌توان‌ از موادي‌ ساخت‌ كه‌ با وسايل‌ فني‌ رديابي‌ قابل‌ تشخيص‌ باشد.

رنگ‌ نارنجي‌ روشن‌

 شكل‌ 5 - علامت‌ ويژه‌ بين‌المللي‌ براي‌ كارگاهها و تأسيسات‌ حاوي‌ نيروهاي‌ خطرناك‌

ضميمه‌ 2

كارت‌ شناسايي‌ مخصوص‌ خبرنگاران‌ در مأموريت‌هاي‌ حرفه‌اي‌ خطرناك‌

 روي‌ صفحه

|  |  |
| --- | --- |
| نام‌ كشور صادركننده‌................ |  توجه‌اين‌ كارت‌ شناسايي‌ جهت‌ خبرنگاراني‌ صادر مي‌شود كه‌ در مناطق‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ به‌مأموريت‌هاي‌ حرفه‌اي‌ خطرناك‌ اعزام‌ مي‌شوند. دارنده‌ اين‌ كارت‌ به‌‌موجب ‌كنوانسيون‌هاي‌ ژنو مورخ‌ 12 اوت‌ 1949(21/5/1328) و تشريفات (پروتكل)‌ يك‌ الحاقي‌ آنها، حق‌ دارد از رفتاري‌ همانند يك‌ غيرنظامي برخوردار شود. دارنده‌ اين‌ كارت‌ بايد آن‌ را در همه‌ حال‌ با خود همراه‌ داشته‌ باشد. چنانچه دارنده‌ كارت‌ دستگير شود، وي‌ بايد فوراً كارت‌خود را به‌ مقامات‌ دستگيركننده‌ تسليم‌ نمايد، تا به‌ امر شناسايي‌ وي‌ مساعدت‌ شود. |

‌

 پشت‌ صفحه‌

|  |
| --- |
| صادره‌ازسوي‌(مقام‌ذي‌صلاح‌):.............. طول‌ قد .......... رنگ‌ چشم‌ ............ |
| محل‌ صدور......................... وزن‌ بدن‌ ............... رنگ‌ مو ........... |
| عكس‌ دارنده‌كارت‌ تاريخ‌ صدور........... گروه‌ خون‌ ..............  |
| نوع‌ RH خون‌ ............. محل‌ مهر رسمي................... ‌ |
| محل‌ امضاي‌ دارنده‌ كارت‌ دين‌ (اختياري‌)  |
| اثر انگشت‌ |
| نام‌ خانوادگي‌................................. | سبابه‌ دست‌ چپ‌ سبابه‌ دست‌ راست‌...... |
| نام‌........................................... |  |
| تاريخ‌ و محل‌ تولد .................... | علامت‌هاي‌ مشخص‌كننده‌ ديگر............ |
| نام‌ رسانه‌ خبري‌ ........................... | ........................................................... |
| حرفه‌ خاص‌ .............................. | ............................................................. |
| مهلت‌ اعتبار ................................ |  |

**تشريفات (پروتكل)‌ الحاقي‌ به‌ كنوانسيون‌هاي‌ ژنو مصوب‌ 12 اوت‌ 1949 (21/5/1328) درخصوص‌ حمايت‌ ازقربانيان‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ غير بين‌المللي‌ (تشريفات (پروتكل)‌ دوم‌)**

ژنو - 8 ژوئن‌ 1977 ميلادي(18 خرداد 1356 هجري‌ شمسي‌)

 يادداشت‌ مقدماتي‌

 **قبل‌ از امضاء اين‌ تشريفات (پروتكل)‌، تنها مقررات‌ قابل‌ اعمال‌ درخصوص‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ غير بين‌المللي‌، ماده‌ (3) مشترك‌ در كنوانسيون‌هاي‌ چهارگانه‌ ژنو 1949 ميلادي(1328هجري‌شمسي) است‌. بعداً اثبات‌ گرديد كه‌ اين‌ ماده‌ با نقطه‌ نظرات‌ عملي‌ و كاربردي‌ درخصوص‌ هشتاد درصد (80%) از قربانيان‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ كه‌ از سال‌ 1945ميلادي(1324 هجري‌شمسي) قرباني‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ غيربين‌المللي‌ شده‌ و آن‌ مخاصمات‌ اغلب‌ به‌ طرز خشن‌تر و وحشيانه‌تري‌ از جنگهاي‌ بين‌المللي‌ رخ‌ داده‌ بودند نامتناسب‌ است‌. هدف‌ از تشريفات (پروتكل)‌ حاضر گسترش‌ قواعد اساسي‌ حقوق‌ حاكم‌ بر مخاصمات‌ مسلحانه‌ به‌ جنگهاي‌ داخلي‌ است‌ و ترس‌ از اينكه‌ تشريفات (پروتكل)‌ ممكن‌ است‌ حاكميت‌ ملي‌ را تحت‌ تأثير قراردهد و مانع‌ از برقراري‌ حقوق‌ و تكاليف‌ درون‌ مرزي‌ دولتها در اين‌ رابطه‌ گردد و اينكه‌ ممكن‌ است‌ به‌عنوان‌ توجيهي‌ براي‌ مداخله‌ خارجي‌ به‌ آن‌ استناد گردد، منجر به‌ اين‌ تصميم‌گيري‌ شد كه‌ در نشست‌ چهارم‌ كنفرانس‌ ديپلماتيك‌ اين‌
 تشريفات (پروتكل)‌ ساده‌ و خلاصه‌ بشود. به‌ جاي‌ چهل و هفت ماده‌ پيشنهادي‌ كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌، كنفرانس‌ فقط‌ بيست و هشت ماده‌ را به‌ امضاء رساند.**

 به‌ هر حال‌ محتواي‌ اساسي‌ اين‌ پيش‌نويس‌ ابقاء گرديد. بخشي‌ از روشها و شيوه‌هاي‌ جنگي‌ حذف‌ شد، ليكن‌ اصول‌ اساسي‌ آن‌ در ماده(4) يافت‌ مي‌شود (ضمانت‌ اجراء‌هاي‌ اساسي‌)

 مقررات‌ راجع‌ به‌ فعاليت‌ سازمان‌هاي‌ بي‌طرف‌ بشردوستانه‌ با الزام‌ كمتري‌ از آنچه‌ اساساً پيش‌بيني‌ مي‌گرديد، پذيرفته‌ شد. تعريف‌ مضيق‌ قلمرو مادي‌ اجراء در ماده‌ (1) اين‌ اثر را خواهد داشت‌ كه‌ تشريفات (پروتكل)‌ دوم‌ نسبت‌ به‌ ماده‌ (3) مشترك‌ ميان‌ كنوانسيون‌هاي‌ 1949**ميلادي**(1328**هجري‌شمسي**) در سطح‌ محدودتر درگيري‌هاي‌ داخلي‌ قابل‌ اجراء خواهد بود. اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ از هفتم‌ دسامبر1978**ميلادي** (1357**‌هجري‌شمسي**) لازم‌الاجراء خواهد بود.

فهرست‌ موضوعات‌

پيشگفتار شماره‌ مواد

 بخش‌ 1 - قلمرو اين‌ تشريفات (پروتكل)‌

 **قلمرو مادي‌ اجراء** 1

 **قلمرو شخصي‌ اجراء 2**

 **عدم‌ مداخله ‌ 3**

 بخش‌ 2 - برخورد انساني‌

 **ضمانت‌ اجراي‌ اساسي ‌ 4**

 **اشخاصي‌ كه‌ آزادي‌ آنها محدود شده‌ است‌ 5**

 **تعقيب‌هاي‌ كيفري‌ 6**

 بخش‌ 3 - مجروحين‌، بيماران‌ و غريقان‌

 **حمايت‌ و مراقبت‌ 7**

 **جستجو 8**

 **حمايت‌ از پرسنل‌ پزشكي‌ و مذهبي‌ 9**

 **حمايت‌ كلي‌ از وظايف‌ پزشكي‌ 10**

 **حمايت‌ از واحدها و وسايل‌ نقليه‌ پزشكي‌ 11**

 **علامت‌ مشخصه‌ 12**

 بخش‌ 4 - جمعيت‌ غيرنظامي‌

 **حمايت‌ از جمعيت‌ غيرنظامي‌ 13**

 **حمايت‌ از اشياء ضروري‌ براي‌ بقاي‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ 14**

 **حمايت‌ از كارخانه‌ها و تأسيسات‌ حاوي‌ انرژي‌ خطرناك‌ 15**

 **حمايت‌ از اشياء فرهنگي‌ و اماكن‌ عبادت‌ 16**

 **منع‌ كوچ‌ اجباري‌ غيرنظاميان‌ 17**

 **جمعيت‌ها و فعاليت‌هاي‌ اداري‌ 18**

 بخش‌ 5 - مقررات‌ نهايي‌

 **انتشار 19**

 **امضاء 20**

 **تصويب‌ 21**

 **الحاق‌ 22**

 **لازم‌الاجراءشدن‌ 23**

 **اصلاح‌ 24**

 **ايرادگيري‌ 25**

 **اخطارها 26**

 **ثبت‌ 27**

 **متون‌ اصلي‌ 28**

پيشگفتار

طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد،

 با يادآوري‌ اين‌ كه‌ اصول‌ بشردوستانه‌ محترم‌ شمرده‌ شده‌ در ماده‌ (3) مشترك‌ كنوانسيون‌هاي‌ ژنو 12 اوت‌ 1949 **ميلادي**(21/5/1328 **هجري‌شمسي**) مبناي‌ احترام‌ به‌ شخص‌ انسان‌ در مخاصمات‌ مسلحانه‌ بدون‌ يك‌ ويژگي‌ بين‌المللي‌ را تشكيل‌ مي‌دهد، و نيز با يادآوري‌ اين‌ كه‌ اسناد بين‌المللي‌ مربوط‌ به‌ حقوق‌ بشر حمايتي‌ اساسي‌ از فرد انسان‌ ارائه‌ مي‌دهند و نيز با تأكيد بر نياز به‌ تضمين‌ يك‌ حمايت‌ براي‌ قربانيان‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ مذكور، و با يادآوري‌ اينكه‌ در مواردي‌ كه‌ قواعد حقوقي‌ لازم‌الاجراء نيست‌ فرد تحت‌ حمايت‌ اصول‌ انسانيت‌ و حكم‌ وجدان‌ عمومي‌ قرار مي‌گيرد.

 به‌ شرح‌ ذيل‌ توافق‌ نمودند:

بخش‌ 1

قلمرو اين‌ تشريفات (پروتكل)‌

 ماده‌ 1 - قلمرو مادي‌ اجراء

 **1- اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ كه‌ در راستاي‌ توسعه‌ و تكميل‌ ماده‌ (3) مشترك‌ كنوانسيون‌هاي‌ ژنو12 اوت‌ 1949 ميلادي(21/5/1328 هجري‌شمسي) است‌، بدون‌ تغيير و اصلاح‌ شرايط‌ كاربردي‌ موجود بايد نسبت‌ به‌ كليه‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌اي‌ اعمال‌ گردد كه‌ مشمول‌ ماده‌ (1) از تشريفات (پروتكل)‌ الحاقي‌ به‌كنوانسيون‌هاي‌ ژنو 12‌آگوست‌ 1949 ميلادي(1328 هجري‌شمسي) مربوط‌ به‌ حمايت‌ از قربانيان‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ بين‌المللي‌ و (تشريفات (پروتكل)‌ اول‌) نمي‌گردد و در حوزه‌ سرزميني‌ يكي‌ از اعضاي‌ معظم‌ اين‌ قرارداد و بين‌ نيروهاي‌ مسلح‌ آن‌ كشور و قواي‌ مسلح‌ مخالف‌ يا ديگر گروههاي‌ سازمان‌ يافته‌ مسلح‌ و تحت‌ يك‌ فرماندهي‌ مسؤول‌ رخ‌ دهد كه‌ آن‌چنان‌ كنترلي‌ بر بخشي‌ از سرزمين‌ كشور مذكور دارند كه‌ آنها را قادر مي‌سازد كه‌ عمليات‌ نظامي‌ را براي‌ اجراي‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌صورت‌ مجتمع‌ و كنترل‌ شده‌ انجام‌ دهند.**

 2- اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ نبايد درخصوص‌ موقعيت‌هاي‌ آشوب‌ و بحران‌ داخلي‌ همانند شورش‌ها، اعمال‌ تعرض‌آميز انفرادي‌ و پراكنده‌ و ديگر اعمالي‌ با ماهيت‌ مشابه‌ كه‌ درحد مخاصمات‌ مسلحانه‌ نمي‌باشد، اعمال‌ گردد.

 ماده‌ 2 - قلمرو شخصي‌ اجراء

 **1- اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بايد بدون‌ هيچگونه‌ تبعيض‌ ناروا كه‌ مبتني‌ بر نژاد، رنگ‌، جنس‌، زبان‌، مذهب‌ يا عقيده‌، ديدگاه‌ سياسي‌ و غيرسياسي‌، مباني‌ ملي‌ يا اجتماعي‌، تمول‌، نسب‌ يا وضعيت‌هاي‌ ديگر يا هر معيار مشابه‌ ديگري‌ (كه‌ از اين‌ به‌ بعد با عنوان‌ تبعيض‌ ناروا اطلاق‌ خواهد شد) نسبت‌ به‌ كليه‌ افرادي‌ كه‌ از يك‌ جنگ‌ مسلحانه‌ تعريف‌ شده‌ در ماده‌ (1) متأثر شده‌ باشند اعمال‌ گردد.**

 2- در پايان‌ جنگ‌ مسلحانه‌، همه‌ افرادي‌ كه‌ از آزادي‌شان‌ محروم‌ شده‌اند يا آزادي‌هاي‌ آنها به‌ دلايل‌ ناشي‌ از جنگ‌ مذكور محدود شده‌ همين‌طور كساني‌ كه‌ بعد از جنگ‌ به‌ همان‌ دلايل‌ از آزادي‌ محروم‌ شده‌ يا آزادي‌شان‌ محدود شده‌ است‌ بايد تا پايان‌ محروميت‌ يا تضييق‌ آزادي‌ از حمايت‌هاي‌ مندرج‌ در مواد (5) و (6) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ برخوردار باشند.

ماده‌ 3 - عدم‌ مداخله‌

 **1- هيچ‌‌يك‌ از مواد اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ نبايد به‌منظور تأثير گذاشتن‌ بر حاكميت‌ يك‌ دولت‌ يا مسؤوليت‌ يك‌ حكومت‌ به‌ هر روش‌ ولو قانوني‌ براي‌ حفظ‌ يا اعاده‌ مجدد قانون‌ يا براي‌ دفاع‌ از وحدت‌ ملي‌ يا تماميت‌ ارضي‌ آن‌ دولت‌ مورد استناد قرار گيرد.**

 2- هيچ‌ يك‌ از مواد اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ نبايد به‌عنوان‌ توجيهي‌ براي‌ مداخله‌ مستقيم‌ يا غيرمستقيم‌ به‌ هر دليلي‌ كه‌ باشد در مخاصمه‌ مسلحانه‌ يا در امور داخلي‌ يا خارجي‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد كه‌ در سرزمين‌ آنها مخاصمات‌ مسلحانه‌ رخ‌ داده‌ مورد استناد قرار گيرد.

بخش‌ 2

برخورد انساني‌

ماده‌ 4- ضمانت‌ اجراءهاي‌ اساسي‌

 **1- همه‌ افرادي‌ كه‌ در درگيري‌ها شركت‌ مستقيم‌ نداشته‌ يا شركت‌ آنها در درگيري‌ خاتمه‌ يافته‌ چه‌ آزادي‌شان‌ محدود شده‌ يا نشده‌ باشد استحقاق‌ دارند كه‌ شخصيت‌، عقايد و اعمال‌ مذهبي‌ آنها محترم‌ شمرده‌ شود آنها بايد در همه‌ اوضاع‌ و احوال‌ از برخورد انساني‌ بدون‌ هيچگونه‌ تبعيض‌ ناروا بهره‌مند باشند. همچنين‌ ممنوع‌ است‌ كه‌ حكم‌ داده‌ شود كه‌ هيچ‌ كس‌ نبايد زنده‌ باقي‌ بماند.**

 2- بدون‌ هيچگونه‌ خدشه‌اي‌ نسبت‌ به‌ اصول‌ كلي‌ از پيش‌ گفته‌ شده‌ اعمال‌ ذيل‌ عليه‌ افرادي‌ كه‌ در بند (1) به‌آنها تصريح‌ شده‌ در هر زمان‌ و هر مكان‌ كه‌ باشد ممنوع‌ است‌ و بايد ممنوع‌ باقي‌ بماند:

 الف‌ - تعرض‌ به‌ زندگي‌، سلامت‌ و موجوديت‌ جسمي‌ و روحي‌ اشخاص‌ به‌ويژه‌ قتل‌ عمد و برخورد خشونت‌آميز همانند شكنجه‌، قطع‌ عضو يا هر نوع‌ مجازات‌ جسمي‌

 ب‌ - مجازات‌هاي‌ دسته‌جمعي‌

 ج‌ - گروگان‌گيري‌

 د - اعمال‌ تروريستي‌

 هـ- هتك‌ حرمت‌ به‌ شأن‌ انساني‌، به‌ويژه‌ تحقيركردن‌، خفيف‌كردن‌، زناي‌ به‌عنف‌، فحشاي‌ اجباري‌ و هر نوع‌ تعرض‌ بي‌شرمانه‌

 و - بردگي‌ و تجارت‌ برده‌ در هر نوع‌ آن‌

 ز - غارت‌

 ح‌ - تهديد به‌ ارتكاب‌ هر يك‌ از اعمال‌ پيش‌ گفته‌

 3- كودكان‌ بايد تحت‌ مراقبت‌ و كمكهايي‌ كه‌ براي‌ آنها لازم‌ است‌ به‌ويژه‌ موارد ذيل‌ قرار گيرند:

 الف‌- آنها بايد تحت‌ تعليم‌ و تربيت‌ مشتمل‌ بر تعليم‌ و تربيت‌ مذهبي‌ و اخلاقي‌ به‌صورتي‌ كه‌ والدين‌ آنها و درصورت‌ فقدان‌ والدين‌ كساني‌ كه‌ مسؤول‌ مواظبت‌ از آنها هستند آرزو داشته‌اند قرار بگيرند.

 ب‌ - همه‌ مراحل‌ متناسب‌ براي‌ تسهيل‌ پيوستن‌ خانواده‌هايي‌ كه‌ موقتاً از هم‌ جدا شده‌اند بايد معمول‌ گردد.

 ج‌ - كودكاني‌ كه‌ به‌ سن‌ پانزده سال‌ نرسيده‌اند نه‌ مجاز است‌ كه‌ به‌ استخدام‌ نيروها يا گروههاي‌ مسلح‌ درآيند و نه‌ مجاز است‌ كه‌ در منازعات‌ شركت‌ نمايند.

 د - حمايت‌ ويژه‌اي‌ كه‌ به‌ موجب‌ اين‌ ماده‌ براي‌ اطفال‌ زير پانزده سال‌ درنظر گرفته‌ شده‌ بايد حتي‌ در صورتي‌ كه‌ آنها علي‌رغم‌ بند فوق‌ (ج‌) در جنگ‌ شركت‌ مستقيم‌ نموده‌ و اسير شده‌اند قابل‌ اجراء باقي‌ بماند.

 هـ- اگر ضرورت‌ داشته‌ باشد اقداماتي‌ به‌عمل‌ خواهد آمد و تا آنجا كه‌ ممكن‌ است‌ با رضايت‌ والدين‌ يا اشخاصي‌ كه‌ به‌ موجب‌ قانون‌ يا عرف‌ اصولاً مسؤول‌ مراقبت‌ از اطفال‌ هستند، اطفال‌ به‌طور موقت‌ از منطقه‌ جنگي‌ به‌ مناطق‌ امن‌تر در داخل‌ كشور انتقال‌ يافته‌ تضمين‌ شود كه‌ آنها توسط‌ افرادي‌ كه‌ مسؤول‌ حفظ‌ سلامتي‌ و تندرستي‌ آنها هستند همراهي‌ شوند.

ماده‌ 5 - اشخاصي‌ كه‌ آزادي‌شان‌ محدود شده‌ است‌

 **1- علاوه‌ بر مقررات‌ ماده‌ (4)، مقررات‌ ذيل‌ بايد به‌عنوان‌ حداقل‌ الزامات‌ نسبت‌ به‌ اشخاصي‌ كه‌ به‌ دلايل‌ مربوط‌ به‌ جنگ‌ مسلحانه‌ از آزادي‌ محروم‌ شده‌اند اعم‌ از اين‌ كه‌ بازداشت‌ يا زنداني‌ شده‌ باشند اعمال‌ گردد:**

 الف‌ - با مجروحين‌ و بيماران‌ بايد مطابق‌ ماده‌ (7) رفتار شود.

 ب‌ - براي‌ اشخاص‌ مورد اشاره‌ در اين‌ بند بايد در حد معمول‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ منطقه‌ غذا و آب‌ آشاميدني‌ مهيا شود و نگهداري‌ و مراقبت‌هاي‌ لازم‌ درخصوص‌ سلامتي‌ و بهداشت‌ و حمايت‌ از سختي‌ آب‌ و هوا و خطرات‌ ناشي‌ از جنگ‌ مسلحانه‌ براي‌شان‌ معمول‌ گردد.

 ج‌ - آنها بايد مجاز به‌ دريافت‌ و بهره‌مندي‌ از آسايش فردي‌ وجمعي‌باشند.

 د - آنها بايد مجاز به‌ انجام‌ اعمال‌ مذهبي‌ خود بوده‌ و درصورتي‌ كه‌ درخواست‌ نموده‌ و امكان‌پذير هم‌ باشد كمك‌ و مساعدت‌ معنوي‌ و روحاني‌ از افرادي‌ همانند كشيش‌ و روحاني‌ درخصوص‌ اجراي‌ تكاليف‌ مذهبي‌ دريافت‌ دارند.

 هـ- اگر شرايط‌ كار فراهم‌ باشد آنها بايد از شرايط‌ كار و تأمينات‌ مشابه‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ محل‌ برخوردار شوند.

 2- افرادي‌ كه‌ مسؤول‌ بازداشت‌ و زنداني‌كردن‌ افراد مذكور در بند (1) هستند درحدود صلاحيت‌شان‌ بايد مقررات‌ ذيل‌ درخصوص‌ افراد مذكور را محترم‌ بشمارند:

 الف‌ - به‌ جز وقتي‌ كه‌ زنان‌ و مردان‌ يك‌ خانواده‌ با يكديگر هستند زنها بايد در بخش‌هاي‌ جدا از مردها نگهداري‌ شوند و بايد تحت‌ نظارت‌ مستقيم‌ زنان‌ باشند.

 ب‌ - آنها بايد مجاز باشند كه‌ نامه‌ و كارت‌ ارسال‌ و دريافت‌ نمايند. تعداد آنها ممكن‌ است‌ درصورت‌ ضرورت‌ به‌وسيله‌ مقامات‌ صالح‌ محدود گردد.

 ج‌ - مكانهاي‌ زندان‌ و بازداشت‌ نبايد نزديك‌ منطقه‌ جنگي‌ واقع‌ شود.

 اشخاص‌ مذكور در بند (1)، وقتي‌ كه‌ مكانهايي‌ كه‌ در آنها بازداشت‌ يا زنداني‌ شده‌اند به‌طور خاصي‌ در معرض‌ خطر ناشي‌ از مخاصمات‌ مسلحانه‌ قرار گيرد بايد از اين‌ مكانها تخليه‌ شوند، اگر كه‌ تخليه‌ آنها بتواند در شرايطي‌ مناسب‌ و امن‌ انجام‌ شود.

 د - آنها بايد از رسيدگي‌هاي‌ پزشكي‌ برخوردار باشند.

 هـ- سلامت‌ و صحت‌ جسمي‌ و روحي‌ آنها نبايد به‌وسيله‌ هيچ‌ فعل‌ يا ترك‌ فعل‌ ناموجه‌ در معرض‌ خطر قرار گيرد همين‌طور ممنوع‌ است‌ كه‌ اشخاص‌ مذكور در اين‌ ماده‌ تحت‌ روشهاي‌ درماني‌ قرار گيرند كه‌ وضعيت‌ تندرستي‌ اين‌ اشخاص‌ آن‌ را ايجاب‌ نمي‌كند و منطبق‌ با استانداردهاي‌ پذيرفته‌ شده‌ كلي‌ پزشكي‌ كه‌ بر اشخاص‌ آزاد در اوضاع‌ و احوال‌ پزشكي‌ مشابه‌ اعمال‌ مي‌شود نمي‌باشد.

 3- با افراد غيرمشمول‌ بند (1) كه‌ به‌ هر دليل‌ و به‌ خاطر جنگ‌ مسلحانه‌ آزادي‌ آنها محدود شده‌ است‌ بايد رفتار انساني‌ منطبق‌ با ماده‌ (4) و جزءهاي‌ (الف‌)، (ج‌) و (د) بند (1) و جزء (ب‌) بند (2) معمول‌ گردد.

 4- اگر تصميم‌ به‌ آزادي‌ اشخاص‌ محروم‌ از آزادي‌ گرفته‌ شود تسهيلات‌ ضروري‌ تضمين‌ سلامت‌ آنها به‌وسيله‌ كساني‌ كه‌ مبادرت‌ به‌ اين‌ كار كنند بايد اعمال‌ شود.

 ماده‌ 6 - تعقيب‌هاي‌ كيفري‌

 **1- اين‌ ماده‌ نسبت‌ به‌ دادرسي‌ و مجازات‌ جرائم‌ مربوط‌ به‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ اعمال‌ مي‌گردد.**

 2- هيچ‌ حكمي‌ نبايد صادر شود و هيچ‌ مجازاتي‌ نسبت‌ به‌ شخصي‌ كه‌ مجرم‌ شناخته‌ شده‌ نبايد اجراء شود مگر براساس‌ حكم‌ محكوميت‌ اعلام‌ شده‌ به‌وسيله‌ دادگاهي‌ كه‌ تضمينات‌ اساسي‌ در استقلال‌ و بي‌طرفي‌ ارائه‌ نمايد به‌ويژه‌:

 الف‌ - بايد بدون‌ درنگ‌ روشي‌ اتخاذ شود تا متهم‌ از جزئيات‌ جرم‌ مورد اتهام‌ مطلع‌ شود و قبل‌ و در خلال‌ دادرسي‌ از همه‌ حقوق‌ ضروري‌ و روشهاي‌ دفاع‌ برخوردار گردد.

 ب‌ - هيچ‌ كس‌ نبايد به‌اتهام‌ ارتكاب‌ جرم‌ محكوم‌ شود مگر براساس‌ مسؤوليت‌ فردي‌ كيفري‌

 ج‌ - هيچ‌ كس‌ نبايد به‌ اتهام‌ ارتكاب‌ يك‌ جرم‌ كيفري‌ درخصوص‌ فعل‌ يا ترك‌ فعلي‌ كه‌ قانوناً در زمان‌ رخ‌ دادن‌ آن‌ جرم‌ نمي‌باشد مجرم‌ شناخته‌ شود و نبايد مجازاتي‌ سنگين‌تر از آنچه‌ كه‌ در زمان‌ ارتكاب‌ جرم‌ قابل‌ اعمال‌ مي‌باشد بر وي‌ تحميل‌ شود. اگر بعد از ارتكاب‌ جرم‌ مقررات‌ قانوني‌ درخصوص‌ وضع‌ مجازات‌ سبك‌تر وضع‌ گردد، مرتكب‌ بايد از مزاياي‌ قانون‌ لاحق‌ بهره‌مند شود.

 د - هركس‌ كه‌ متهم‌ به‌ ارتكاب‌ جرمي‌ شود بي‌گناه‌ فرض‌ مي‌شود مگر اين‌ جرم‌ او طبق‌ قانون‌ اثبات‌ شود.

 هـ- هركس‌ كه‌ متهم‌ به‌ ارتكاب‌ جرمي‌ شده‌ باشد حق‌ دادرسي‌ حضوري‌ را خواهد داشت‌.

 و - هيچ‌ كس‌ نبايد وادار به‌ شهادت‌ دادن‌ عليه‌ كسي‌ يا اقرار عليه‌ خود گردد.

 3- به‌ شخصي‌ كه‌ محكوم‌ شده‌ باشد بايد مشورت‌هاي‌ قضائي‌ لازم‌ درخصوص‌ محكوميت‌ و نيز روشهاي‌ جبران‌كننده‌ و مرور زماني‌ كه‌ نسبت‌ به‌ او مي‌تواند اجراء شود داده‌ شود.

 4- مجازات‌ اعدام‌ نبايد نسبت‌ به‌ اشخاصي‌ كه‌ در زمان‌ ارتكاب‌ جرم‌ كمتر از هجده سال‌ دارند و زنان‌ باردار يا مادران‌ اطفال‌ كوچك‌ انجام‌ و اجراء شود.

 5 - در پايان‌ جنگ‌ اولياي‌ امور بايد در گسترده‌ترين‌ حد ممكن‌ سعي‌ در عفو عمومي‌ كساني‌ بنمايند كه‌ در مخاصمات‌ مسلحانه‌ شركت‌ كرده‌اند يا به‌ دليل‌ جنگ‌ از آزادي‌شان‌ محروم‌ شده‌اند اعم‌ از اين‌ كه‌ بازداشت‌ يا زنداني‌ شده‌ باشند.

بخش‌ 3

مجروحين‌، بيماران‌ و غريقان‌

 ماده‌ 7 - حمايت‌ و مراقبت‌

 **1- همه‌ مجروحين‌، بيماران‌ و غريقان‌ اعم‌ از اين‌ كه‌ در جنگ‌ مسلحانه‌ شركت‌ داشته‌ يا نداشته‌اند بايد مورد حمايت‌ و احترام‌ قرار گيرند.**

 2- در همه‌ اوضاع‌ و احوال‌ بايد با آنها برخورد انساني‌ معمول‌ و در گسترده‌ترين‌ شكل‌ و با كمترين‌ تأخير ممكن‌ از حمايت‌ و مراقبت‌ پزشكي‌ مناسب‌ با شرايط‌ و شأن‌ آنها بهره‌مند شوند، نبايد در ميان‌ آنها هيچگونه‌ تبعيض‌ در هر زمينه‌اي‌ غير از اولويت‌هاي‌ پزشكي‌ صورت‌ گيرد.

ماده‌ 8 - جستجو

 **هر زمان‌ كه‌ اوضاع‌ و احوال‌ اجازه‌ دهد به‌ويژه‌ بعد از يك‌ درگيري‌ بايد بدون‌ فوت‌ وقت‌ اقدامات‌ لازم‌ براي‌ جستجو و جمع‌‌آوري‌ مجروحين‌، بيماران‌ و غريقان‌، حمايت‌ از آنها در مقابل‌ چپاول‌ و بدرفتاري‌، تأمين‌ مراقبت‌ مناسب‌ از آنها و نيز جستجوي‌ اجساد، ممانعت‌ از چپاول‌ آنها و تدفين‌ محترمانه‌ آنها انجام‌ شود.**

ماده‌ 9 - حمايت‌ از پرسنل‌ پزشكي‌ و مذهبي‌

 **1- پرسنل‌ پزشكي‌ و مذهبي‌ بايد مورد احترام‌ و حمايت‌ قرار گرفته‌ و به‌ آنها همه‌ نوع‌ امكانات‌ و كمكهاي‌ ممكن‌ درخصوص‌ اجراي‌ وظايفشان‌ داده‌ شود. آنها نبايد مجبور به‌ انجام‌ كارهايي‌ شوند كه‌ با مأموريت‌هاي‌ بشردوستانه‌ سازگار نيست‌.**

 2- پرسنل‌ پزشكي‌ در اجراي‌ وظايف‌شان‌ نبايد مجبور به‌ اولويت‌ دادن‌ به‌ افراد به‌خصوصي‌ به‌غير از اولويت‌هاي‌ پزشكي‌ شوند.

ماده‌ 10 - حمايت‌ كلي‌ از وظايف‌ پزشكي‌

 **1- تحت‌ هيچ‌ شرايطي‌ هيچ‌ شخصي‌ نبايد به‌ خاطر انجام‌ فعاليت‌هاي‌ پزشكي‌ متناسب‌ با معيارهاي‌ اخلاق‌ پزشكي‌ صرف‌نظر از اينكه‌ چه‌ شخصي‌ مورد مداوا قرار مي‌گيرد، مجازات‌ شود.**

 2- افرادي‌ كه‌ در فعاليت‌هاي‌ پزشكي‌ درگير هستند نبايد مجبور به‌ انجام‌ اعمال‌ معين‌ يا كارهايي‌ مغاير با وظيفه‌شان‌ شوند و نيز نبايد مجبور به‌ خودداري‌ از انجام‌ اعمالي‌ شوند كه‌ توسط‌ قواعد اخلاق‌ پزشكي‌ يا ديگر مقررات‌ به‌ نفع‌ مجروحين‌ و بيماران‌ يا مقررات‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ مقرر شده‌اند.

 3- تعهدات‌ حرفه‌اي‌ افراد درگير در فعاليت‌هاي‌ پزشكي‌ در رابطه‌ با اطلاعاتي‌ كه‌ آنها درخصوص‌ مجروحين‌ و بيماران‌ تحت‌ مراقبت‌شان‌ ممكن‌ است‌ داشته‌ باشند طبق‌ قوانين‌ داخلي‌ بايد محترم‌ شمرده‌ شود.

 4- طبق‌ قوانين‌ داخلي‌ هيچ‌ شخص‌ درگير در فعاليت‌هاي‌ پزشكي‌ نبايد به‌خاطر اجتناب‌ يا قصور از دادن‌ اطلاعات‌ مربوط‌ به‌ مجروحين‌ و بيماراني‌ كه‌ تحت‌ مراقبت‌ وي‌ بوده‌ يا مي‌باشند به‌ هيچ‌‌وجه‌ مورد مجازات‌ قرار گيرد.

 ماده‌ 11 - حمايت‌ از واحدها و وسايل‌ نقليه‌ پزشكي‌

 **1- واحدها و وسايل‌ نقليه‌ پزشكي‌ بايد در هر زماني‌ مورد احترام‌ و حمايت‌ قرار گرفته‌ و نبايد مورد حمله‌ واقع‌ شوند.**

 2- حمايتي‌ كه‌ واحدها و وسايل‌ نقليه‌ پزشكي‌ مستحق‌ آن مي‌باشد نبايد متوقف‌ شود مگر اينكه‌ از آنها براي‌ ارتكاب‌ اعمال‌ خصومت‌آميز خارج‌ از كاربرد انسان‌ دوستانه‌ آنها استفاده‌ شود.

 با اين‌ حال‌ اين‌ حمايت‌ تنها در صورتي‌ ممكن‌ است‌ متوقف‌ شود كه‌ از اخطاري‌ كه‌ داده‌ شده‌، يك‌ مدت‌ زمان‌ معقول‌ گذشته‌ باشد و به‌ چنين‌ اخطاري‌ اعتنا نشده‌ باشد.

 ماده‌ 12 - علامت‌ مشخصه‌

 **طبق‌ مجوز مقامات‌ صالحه‌ ذي‌ربط‌ علامت‌ مشخصه‌ صليب‌ سرخ‌ و هلال‌ احمر و شير و خورشيد سرخ‌ بر زمينه‌ سفيد بايد به‌وسيله‌ پرسنل‌ پزشكي‌ و مذهبي‌ و واحدهاي‌ پزشكي‌ ابراز شده‌ و بر روي‌ وسايل‌ نقليه‌ پزشكي‌ نصب‌ گردد. اين‌ موارد در هر شرايطي‌ مورد احترام‌ بوده‌ و نبايد از آنها سوءاستفاده‌ به‌عمل‌ آيد.**

بخش‌ 4

جمعيت‌ غيرنظامي‌

 ماده‌ 13 - حمايت‌ از جمعيت‌ غير نظامي‌

 **1- جمعيت‌ غيرنظامي‌ و شهروندان‌ عادي‌ بايد از حمايت‌هاي‌ كلي‌ نسبت‌ به‌ خطرات‌ ناشي‌ از عمليات‌ نظامي‌ برخوردار شوند. براي‌ تأثير بخشيدن‌ به‌ اين‌ حمايت‌ قواعد ذيل‌ تحت‌ هر اوضاع‌ و احوال‌ و شرايطي‌ بايد رعايت‌ شود.**

 2- جمعيت‌ غيرنظامي‌ منفرداً و مجتمعاً نبايد مورد حمله‌ واقع‌ شوند. اعمال‌ و تهديدات‌ خشونت‌آميزي‌ كه‌ هدف‌ اوليه‌ آنها گسترش‌ ترور و خشونت‌ در ميان‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ است‌، ممنوع‌ است‌.

 3- شهروندان‌ بايد از حمايت‌هاي‌ پيش‌بيني‌ شده‌ در اين‌ بخش‌ برخوردار شوند مگر در زماني‌ كه‌ نقش‌ مستقيم‌ در منازعه‌ داشته‌ باشند.

ماده‌ 14 - حمايت‌ از اشياء ضروري‌ براي‌ بقاي‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌

 **ايجاد قحطي‌ در بين‌ شهروندان‌ به‌عنوان‌ وسيله‌ رزمي‌ ممنوع‌ است‌. همين‌ طور حمله‌كردن‌، تخريب‌، جابه‌جاكردن‌ يا منتقل‌ كردن‌ بي‌فايده‌ اموال‌ ضروري‌ براي‌ بقاي‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ همانند مواد غذايي‌، مناطق‌ كشاورزي‌ مختص‌ توليد مواد خوراكي‌، محصولات‌، احشام‌، تأسيسات‌ آب‌ آشاميدني‌ و لوازم‌ كارهاي‌ آب‌رساني‌ ممنوع‌ است‌.**

 ماده‌ 15 - حمايت‌ از تأسيسات‌ و كارخانه‌هاي‌ داراي‌ انرژي‌ خطرناك‌

 **كارخانه‌ها و تأسيسات‌ داراي‌ انرژي‌هاي‌ خطرناك‌ همچون‌ سدها و آب‌بندها و ايستگاههاي‌ توليد انرژي‌ هسته‌اي‌ نبايد مورد حمله‌ قرارگيرد حتي‌ اگر اين‌ تأسيسات‌ مورد استفاده‌ نظامي‌ باشد. اگر چنين‌ حمله‌اي‌ سبب‌ آزادسازي‌ انرژي‌هاي‌ خطرناك‌ شده‌ و منجر به‌ زيانهاي‌ متعدد به‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ گردد مشمول‌ اين‌ ممنوعيت‌ خواهد بود.**

ماده‌ 16 - حمايت‌ از اشياء فرهنگي‌ و اماكن‌ عبادت‌

 **بدون‌ هيچگونه‌ خدشه‌اي‌ به‌ مفاد كنوانسيون‌ مربوط‌ به‌ حمايت‌ از اموال‌ فرهنگي‌ در مخاصمات مسلحانه‌14مي1954ميلادي برابر با 24 ارديبهشت‌ 1333 هجري‌شمسي انجام‌ هرگونه‌ عمليات‌ جنگي‌ كه‌ بناهاي‌ تاريخي‌، آثار هنري‌ و مكانهاي‌ عبادت‌ را كه‌ مشتمل‌ بر ميراث‌ معنوي‌ يا فرهنگي‌ مردم‌ باشد مورد هدف‌ قرار دهد و استفاده‌ از آنها در حمايت‌ از مقاصد نظامي‌ ممنوع‌ است‌.**

ماده‌ 17 - منع‌ كوچ‌ اجباري‌ غيرنظاميان‌

 **1- تخليه‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ نبايد به‌ دليل‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ مورد حكم‌ قرار گيرد مگر اينكه‌ به‌منظور تأمين‌ امنيت‌ آنها يا به‌ اقتضاي‌ دلايل‌ نظامي‌ باشد. چنين‌ تخليه‌هايي‌ نيز بايد براساس‌ كليه‌ تدابير ممكن‌ و به‌ترتيبي‌ كه‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ تحت‌ شرايط‌ رضايت‌بخشي‌ از نظر امنيت‌ جاني‌، بهداشت‌ و سلامت‌، ايمني‌ و تغذيه‌ باشند انجام‌ شود.**

 2- شهروندان‌ نبايد وادار به‌ ترك‌ سرزمين‌شان‌ به‌ دلايل‌ جنگي‌ بشوند.

 ماده‌ 18 - جمعيت‌ها و عمليات‌ امدادي‌

 **1- جمعيت‌هاي‌ امدادي‌ واقع‌ شده‌ در سرزمين‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد همانند سازمان‌هاي‌ صليب‌ سرخ‌ و هلال‌احمر و شير و خورشيد سرخ‌، مي‌توانند به‌منظور اجراي‌ وظايف‌ اصلي‌شان‌ در رابطه‌ با قربانيان‌ مخاصمات‌ مسلحانه‌ ارائه‌ خدمات‌ نمايند. جمعيت‌ غيرنظامي‌ مي‌توانند حتي‌ به‌ ابتكار خودشان‌ نسبت‌ به‌ جمع‌آوري‌ و مواظبت‌ از مجروحين‌، بيماران‌ و غريقان‌ اقدام‌ نمايند.**

 2- اگر جمعيت‌ غيرنظامي‌ متحمل‌ مشقات‌ ناروا به‌ سبب‌ فقدان‌ ملزومات‌ اصلي‌ براي‌ بقاي‌ خود از قبيل‌ مواد غذايي‌ و امكانات‌ پزشكي‌ بشوند، عمليات‌ امدادي‌ و كمك‌رساني‌ كه‌ منحصراً طبيعت‌ بي‌طرفانه‌ و بشردوستانه‌ داشته‌ باشند و بدون‌ هيچگونه‌ تبعيض‌ ناروا انجام‌ شوند به‌ شرط‌ رضايت‌ كشور معظم‌ متعاهد مربوطه‌ براي‌ جمعيت‌ غيرنظامي‌ انجام‌ مي‌شود.

بخش‌ 5- مقررات‌ نهايي‌

 ماده‌ 19 - انتشار

 **اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بايد در گسترده‌ترين‌ حد ممكن‌ منتشر شود.**

 ماده‌ 20 - امضاء

 **اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ براي‌ امضاء طرفهاي‌ متعاهد تا شش‌ ماه‌ بعد از امضاء نهايي‌ مفتوح‌ بوده‌ و براي‌ يك‌ دوره‌ دوازده‌ ماهه‌ مفتوح‌ خواهد ماند.**

 ماده‌ 21 - تصويب‌

 **اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بايد تا آنجا كه‌ ممكن‌ است‌ به‌تصويب‌ برسد. اسناد تصويب‌ بايد نزد شوراي‌ فدرال‌ سوئيس‌ به‌عنوان‌ امين‌ كنوانسيون‌ها، نگهداري‌ شود.**

 ماده‌ 22 - الحاق‌

 **اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بايد براي‌ الحاق‌ توسط‌ هر طرف‌ كنوانسيون‌ كه‌ آن‌ را امضاء نكرده‌ مفتوح‌ باقي‌ بماند. اسناد الحاق‌ بايد نزد امين‌ نگهداري‌ شود.**

 ماده‌ 23 - لازم‌الاجراء ‌شدن‌

 **1- اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بايد شش‌ ماه‌ پس‌ از توديع‌ هر يك‌ از دو سند تصويب‌ يا الحاق‌ لازم‌الاجراء گردد.**

 2- براي‌ هر طرف‌ اين‌ كنوانسيون‌ كه‌ از اين‌ پس‌، اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را تصويب‌ نموده‌ يا به‌ آن‌ ملحق‌ مي‌شود، تشريفات (پروتكل)‌ ظرف‌ شش‌ ماه‌ بعد از توديع‌ اسناد تصويب‌ يا الحاق‌ توسط‌ چنين‌ عضوي‌ لازم‌الاجراء مي‌شود.

 ماده‌ 24 - اصلاح‌

 **1- هر يك‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد ممكن‌ است‌ اصلاحاتي‌ را نسبت‌ به‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ پيشنهاد نمايد. متن‌ هر يك‌ از اصلاحات‌ پيشنهادي‌ بايد به‌ امين‌ سپرده‌ شود. امين‌ بعد از مشورت‌ با همه‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و كميته‌ بين‌المللي‌ صليب‌ سرخ‌ در صورت‌ اقتضاء تصميم‌ خواهد گرفت‌ كه‌ يك‌ كنفرانس‌ براي‌ رسيدگي‌ به‌ اصلاحيه‌ پيشنهادي‌ برگزار شود.**

 2- امين‌ بايد همه‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد را به‌ همراه‌ اعضاي‌ كنوانسيون‌ها به‌ اين‌ كنفرانس‌ دعوت‌ كند اعم‌ از اينكه‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را امضاء كرده‌ يا نكرده‌ باشند.

ماده‌ 25 - انصراف‌

  **1- در هر مورد كه‌ يكي‌ از طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد بايد از اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ انصراف‌ دهد اين‌ انصراف‌ تنها تا شش‌ ماه‌ بعد از دريافت‌ سند انصراف‌ مؤثر واقع‌ مي‌شود. به‌ هرحال‌ اگر در انقضاي‌ مدت‌ شش‌ ماه‌ دولت‌ انصراف‌ دهنده‌، در وضعيت‌ مندرج‌ در ماده‌ (1) اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ قرار گيرد اعلام‌ انصراف‌ قبل‌ از پايان‌ مخاصمه‌ مسلحانه‌ موثر نخواهد بود. با اين‌ وجود اشخاصي‌ كه‌ به‌ دلايل‌ مربوط‌ به‌ مخاصمه‌ از آزادي‌ محروم‌ شده‌ يا آزادي‌ آنها محدود شده‌ باشد تا آزادي‌ نهايي‌ از مقررات‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بهره‌مند خواهند بود.**

 2- انصراف‌ بايد به‌طور كتبي‌، به‌ امين‌ رسماً اعلام‌ شود تا امين‌ هم‌ مورد را به‌ كليه‌ طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد منتقل‌ نمايد.

ماده‌ 26 - اعلام‌ رسمي‌

 **امين‌ بايد طرفهاي‌ معظم‌ متعاهد و نيز اعضاي‌ كنوانسيون‌ را اعم‌ از اين‌ كه‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را امضاء كرده‌ يا نكرده‌ باشند از موارد ذيل‌ مطلع‌ نمايد:**

 الف‌ - امضاء اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ و توديع‌ آن‌ در نزد امين‌ و توديع‌ اسناد تصويب‌ و الحاق‌ مواد (21) و (22)

 ب‌ - تاريخ‌ لازم‌الاجراءشدن‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ طبق‌ ماده‌ (23)

 ج‌ - مكاتبات‌ و بيانيه‌هاي‌ واصله‌ طبق‌ ماده‌ (24)

ماده‌ 27 - ثبت‌

 **1- اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ بايد بعد از لازم‌الاجراءشدن‌ توسط‌ امين‌ براي‌ ثبت‌ و انتشار طبق‌ ماده‌ (102) منشور ملل‌ متحد به‌ دبيرخانه‌ سازمان‌ ملل‌ متحد تحويل‌ داده‌ شود.**

 2- امين‌ همچنين‌ بايد كليه‌ تصويب‌ها و الحاق‌ها و تأييدهاي‌ واصله‌ در رابطه‌ با اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ را به‌ دبيرخانه‌ سازمان‌ ملل‌ متحد اطلاع‌ دهد.

ماده‌ 28 - متون‌ اصلي‌

 **هر يك‌ از متون‌ اصلي‌ اين‌ تشريفات (پروتكل)‌ به‌ زبان‌ عربي‌، چيني‌، انگليسي‌، فرانسوي‌، روسي‌ و اسپانيولي‌ مي‌باشد. كليه‌ متون‌ از اعتبار يكسان‌ برخوردار است و بايد نزد امين‌ توديع‌ و تصوير مصدق‌ آنها براي‌ همه‌ طرفين‌ كنوانسيون‌ها فرستاده‌ شود.**

**هيأت‌رئيسه محترم مجلس شوراي اسلامي**

احتراماً، در اجراي آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي و ماده (4) قانون تدوين ‌وتنقيح قوانين ‌ومقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر معاونت قوانين درمورد **لايحه الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به تشريفات (پروتكلهاي) اول و دوم الحاقي به كنوانسيون‌هاي ژنو مصوب 1977** تقديم مي‌گردد.

**معاون قوانين**

**نظر اداره‌كل تدوين قوانين**

**معاون محترم قوانين**

**احتراما در اجراي بندهاي (2) و (4) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:**

**1- سابقه تقديم:**

**ماده 134 -** ■ قبلاً تقديم نگرديده است

- □ قبلاً در جلسه علني شماره مورخ تقديم و در تاريخ در □ مجلس/ □ كميسيون

(موضوع اصل 85 قانون اساسي) رد شده و اينك:

□ با تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي 50 نفر از نمايندگان (مشروط به تصويب مجلس)

□ بدون تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي كمتر از 50 نفر از نمايندگان

□ پيش از انقضاء شش ماه

□ با انقضاء شش ماه

□ مي‌باشد.

□ نمي‌باشد.

 مجدداً قابل پيشنهاد به مجلس

**2- در اجراي بند (2) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور:**

■ رعايت شده‌است.

□ رعايت شده‌است. (با نظر كارشناسي)

□ رعايت نشده‌است، دلايل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

در لايحه تقديمي آيين‌نگارش قانوني و ويرايش ادبي

**3- از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (شكلي):**

**الف- ماده 131-**

 ■دارد

□ ندارد

اول**-** موضوع و عنوان مشخص

 ■دارد

□ ندارد

دوم**-** دلايل لزوم تهيه و پيشنهاد در مقدمه

 ■دارد

□ ندارد

سوم- موادي متناسب با اصل موضوع و عنوان

■دارد

□ ندارد

**ب- ماده 136-** امضاء مقامات مسؤول را

■ ماده واحده

□ مواد متعدد

■ نمي‌باشد.

□ مي‌باشد.

■ يك‌موضوع ا

□ بيش‌از‌يك‌موضوع

**ج- ماده 142-** لايحه تقديمي داراي است و پيشنهاد آن به‌عنوان مواجه با ايراد

**4- در اجراي بند(4) ماده(4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389:**

**اول: از نظر قانون اساسي؛**

■ ندارد.

□ دارد. اصل/ اصول مغاير و دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌گردد.

 لايحه تقديمي با قانون اساسي بطوركلي مغايرت

**دوم: از نظر سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز؛**

■ ندارد.

□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

لايحه تقديمي با سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز مغايرت

**سوم: از نظر قانون برنامه؛**

■ ندارد.

□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

لايحه تقديمي با قانون برنامه مغايرت

**چهارم: از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (ماهوي)؛**

□ ندارد.

□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

 الف- لايحه تقديمي با قانون آيين‌نامه داخلي مجلس مغايرت

■ شده است.

□ نشده است، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

 ب- ماده 144- رعايت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسي

■ ندارد.

□ دارد.

2

3

■ نمي‌شود

□ مي‌شود

ج- ماده 185- موجب اصلاح يا تغيير برنامه مصوب و نياز **به رأي** نمايندگان

 **تعداد** .......... **برگ اظهارنظر به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**مديركل تدوين قوانين**

**\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_**

**□ ندارد.**

**□ دارد.**

**5- لايحه تقديمي از حيث پيشگيري از وقوع جرم با بند(5) اصل(156) قانون اساسي مغايرت**

**معاونت اجتماعي و پيشگيري از وقوع جرم قوه قضائيه**

**نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

**معاون محترم قوانين**

احتراما در اجراي بندهاي (1) و (3) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:

1. **در اجراي بند (1):**

■ وجود ندارد

□ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود. ميمي‌شود.

الف-درخصوص لايحه تقديمي قوانين متعارض

□ وجود ندارد

■ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود. مي‌شود.

ب- درخصوص لايحه تقديمي قوانين مرتبط

1. **در اجراي بند (3):**

■ لازم است.

□ لازم نيست.

 با عنايت به بررسيهاي به عمل آمده قانونگذاري در اين موضوع

تعداد يك برگ فهرست سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري به ضميمه تقديم مي‌شود.

 **مديركل اسناد و تنقيح قوانين**

**ضميمه نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **رديف** | **عنوان** | **تاريخ تصويب** | **مواد** | **مرتبط** |
| **1** | **الحاق‌ جمهوري‌ اسلامي‌ ايران‌ به‌ تشريفات (پروتكل)‌ اصلاحي‌ معاهده‌ واحد مواد مخدر سال‌ 1961 ميلادي‌ برابر با 1340 هجري‌‌شمسي** | **14/5/1380** |  |  |
| **2** | **الحاق‌ دولت‌ جمهوري‌ اسلامي‌ ايران‌ به‌ كنوانسيون‌ مواد روانگردان‌** | **26/3/1377** |  |  |
| **3** | **الحاق‌ به‌ كنوانسيون‌ سازمان‌ ملل‌ متحد براي‌ مبارزه‌ با قاچاق‌ مواد مخدر و داروهاي‌ روانگردان‌** | **3/9/1370** |  |  |
| **4** | **الحاق‌ دولت‌ ايران‌ به‌ معاهده‌ واحد مواد مخدر 1961 نيويورك‌** | **‌11/4/1351** |  |  |
| **5** | **اجازه‌ الحاق‌ دولت‌ ايران‌ به‌ قراردادهاي‌ معروف‌ به‌ قراردادژنو** | **30/9/1334** |  |  |